

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# پیام‌های آسمان

سال سوم دوره راه‌سنمایی تحصیلی

مرحله دوم تعلیمات عمومی

تعلیم و تربیت اسلامی

## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: پیام‌های آسمان سوم راهنمایی - ۱۳۵

شورای برنامه‌ریزی و تألیف: پرویز آزادی، دکتر محمد مهدی اعتصامی، یونس باقری، دکتر محمدرضا سنگری،  
حجة الاسلام دکتر حسین سوزنجی، یاسین شکرانی، سیدسجاد طباطبائی نژاد،  
مصطفی فیض، حجة الاسلام محمود متوسل آرائی،  
حجة الاسلام سیدصادق پیشنمازی و حجة الاسلام سیدمحمدحسین تقوی (از معاونت  
تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه قم)

مؤلف: حجة الاسلام علی کاظمی

ویراستار: محمد کاظم بهنیا

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت: [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

مدیر امور فنی و چاپ: سیداحمد حسینی

مدیر هنری: مجید ذاکری یونسی

طراح جلد: امیر نساجی

صفحه‌آرا: زهره بهشتی شیرازی، پیمان حبیب پور

حروفچین: فاطمه باقری مهر

مصحح: آذر روستایی فیروزآباد، معصومه صابری

امور آماده‌سازی خیر: فاطمه پزشکی

امور فنی رایانه‌ای: حمید نابت‌کلاچاهی، سیده شیوا شیخ‌الاسلامی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

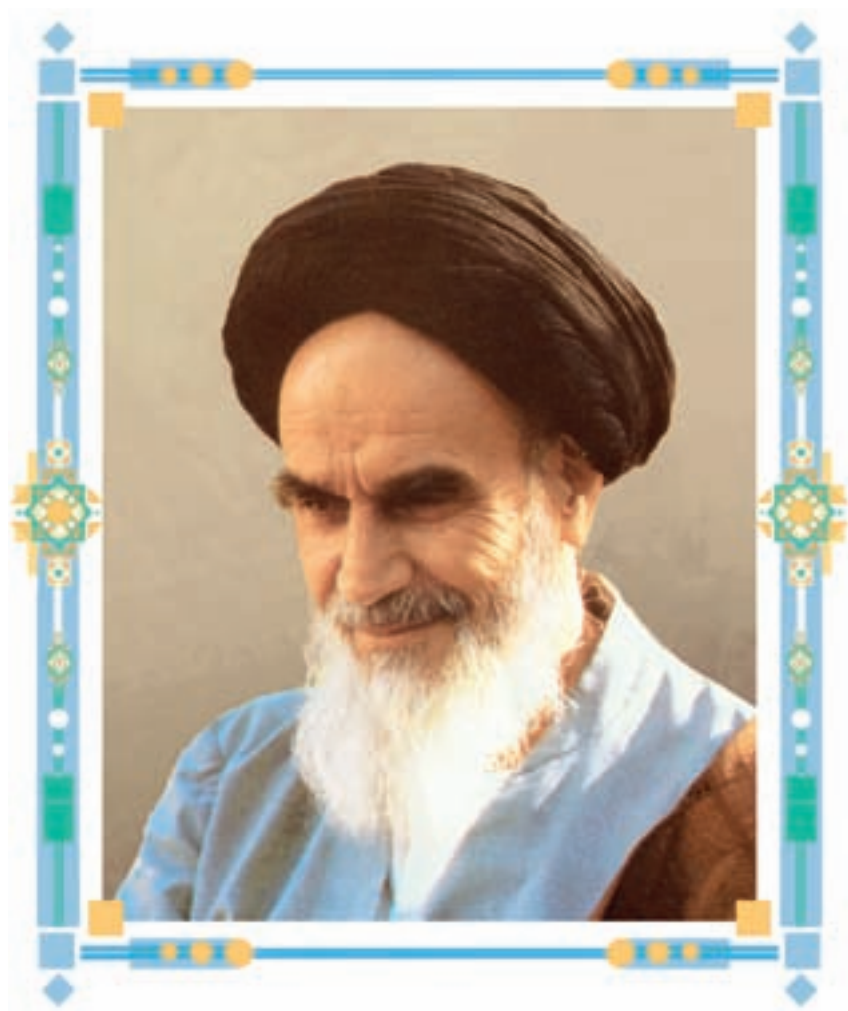
تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ چهارم ۱۳۹۱

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۱۹۹۵-۰ ISBN 978-964-05-1995-0



### مقام معظم رهبری :

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از : ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او . او واقعاً «عبد صالح خدا» بود . او الگوی کامل یک مسلمان و نمونه بارز یک رهبر اسلامی بود .

حدیث ولایت، ج ۱، صص ۲۵ و ۱۲



# فهرست

۱	فصل اوّل : خداشناسی
۲	درس اوّل
۹	درس دوم
	هر چیزی به جای خویش نیکوست
۱۴	فصل دوم : راه و توشه
۱۵	درس سوم
۲۱	درس چهارم
۲۶	درس پنجم
۳۲	درس ششم
	افتخار بندگی
	از آگاهان بپرسیم
	وضو و تیمم
	مُبطلات نماز
۳۸	فصل سوم : معاد
۳۹	درس هفتم
	روز رستاخیز
۴۴	فصل چهارم : راهنمایشناسی
۴۵	درس هشتم
۵۰	درس نهم
۵۵	درس دهم
۶۳	درس یازدهم
	آخرین پیامبر و آخرین پیام
	پیوند ناگسستنی
	وقتی اسلام کامل شد
	رهبری در عصر غیبت

۶۷

۶۹

۷۷

۸۵

۹۲

۱۰۱

۱۰۲

۱۱۳

## فصل پنجم : اخلاق

درس دوازدهم

درس سیزدهم

درس چهاردهم

درس پانزدهم

## فصل ششم : جامعه

درس شانزدهم

فهرست منابع

دعا و نیایش

بازتاب عمل

سربازان شیطان

دوستی

ثمرات انقلاب اسلامی

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آمان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دسی مربوطه یا پیام نگار (Email)

[talif@talif.sch.ir](mailto:talif@talif.sch.ir) ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و چاپ کتاب دبیری

## دبیران محترم دینی؛ سلام

به شما تبریک می‌گوییم که توفیق یافتید تا مسئولیت ارزشمند هدایت نسل‌های آینده را - که همان رسالت انبیاء است - به عهده بگیرید. بی‌شک انجام مخلصانه این مسئولیت، رسالتی است که هیچ‌کس در دنیا قابلیت سنجش آن را ندارد و پاداش آن در عالم طبیعت قابل پرداخت نیست.

هیچ جایگاهی در جامعه به این درجه نمی‌رسد؛ چرا که در دنیا هیچ موجودی به شأن انسان نمی‌رسد و انسان امانت در دست معلم است. نقش معلم خارج کردن انسان‌ها از ظلمت‌های گمراهی به نور هدایت و صراط مستقیم است. معلم کسی است که اولین نگارش‌های نیک یا بد را می‌تواند بر لوح سفید آماده اذهان دانش‌آموزان بنگارند و این چنین دست توانای معلم، چشم‌انداز آینده را ترسیم می‌کند. معلم می‌تواند جامعه را شجاع یا ترسو، بخشنده یا بخیل، فداکار یا خودپرست، اهل علم یا گریزان از علم، متقی و پاکدامن یا بی‌بندوبار بسازد؛ بنابراین اگر قرار باشد جامعه اصلاح شود، این اصلاح باید از مدرسه آغاز شود.

امیرالمؤمنین **علیه السلام** می‌فرماید: «کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می‌گیرد، باید بیش از آموختن به دیگران، خود را پالایش روحی کند.»<sup>۱</sup> تمامی رفتارهای معلم در کلاس؛ نگاه، اشاره، لبخند، اخم کردن، لباس پوشیدنش و... بر روی دانش‌آموز اثر می‌گذارد و هر فردی در زندگی خود عمیق‌ترین احساسات و عواطف را از معلمش دریافت می‌کند. بنابراین شایسته است این فرمایش پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین **علیهما السلام** همواره آویزه گوشمان باشد که «ای علی! اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده برای تو بهتر است.»<sup>۲</sup>

۱- وسائل الشیعه ج ۱۶، ص ۱۵۰

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۲۸؛ المستدرک علی الصحیحین: ۶۵۳۷/۶۹۱/۳.



## همکار گرامی

کتابی که پیش روی شما معلم گرامی قرار دارد حاصل زحمات چندین ساله کارشناسان متعدد در حوزه‌های مختلف دینی و تربیتی است که با نظرات شما دبیران گرامی به ثمر رسیده و امید می‌رود باز هم با تلاش‌های بی‌دریغ شما، در تعلیم و تربیت اسلامی فرزندان کشور عزیزمان، ایران بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد.

همان‌گونه که مستحضرید کتاب «پیام‌های آسمان»، علاوه بر تغییر در محتوا و سبک نگارش، حاوی رویکردهای نوین تربیتی – آموزشی است. بدیهی است دستیابی به اهداف این کتاب در گرو توجه شما همکار محترم به این رویکردها در مراحل تدریس است.

جلب مشارکت دانش‌آموزان و سهیم کردن آنها در مراحل تدریس از مهم‌ترین رویکردهای کتاب است. بر این اساس بهترین روش تدریس این کتاب، روش تدریس فعال است که در آن دست کم بیست دقیقه از زمان هر جلسه تدریس به مشارکت دانش‌آموز در مباحث و ایراد نظرات وی اختصاص می‌یابد. شایسته است دبیران محترم در این زمان صرفاً به جهت‌دهی مناسب و اصلاح خطاهای احتمالی دانش‌آموزان در طرح نظرات بپردازند. گروه‌بندی دانش‌آموزان کلاس، اختصاص دادن زمان مناسب به پرسش‌های آنان و ایجاد فرصت گفتگو بین دانش‌آموزان و داوری درباره نظرات یکدیگر از ملزومات این روش است.

محدود ساختن روش‌های تدریس به روش سخنرانی و تبدیل دانش‌آموز به شنونده صرف، در تعارض با اهداف تربیت دینی است و به آفت بزرگ حافظه محوری در دانش‌آموز منجر خواهد شد. کتاب حاضر براساس ارزیابی‌های صورت گرفته از کتاب «فرهنگ اسلامی و تعلیمات دینی» سابق و شیوه‌نامه ارزشیابی آن، در قالب و رویکردی جدید تألیف شده و مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. در اینجا مهم‌ترین بندهای شیوه‌نامه ارزشیابی که برگرفته از «راهنمای برنامه‌تعلیم و تربیت دینی دوره راهنمایی» است، ارائه می‌شود و تفصیل یافته این مباحث در راهنمای مذکور قرار دارد.

## مبانی شیوه‌نامه ارزشیابی

یکی از ارکان مهم برنامه درسی و فرایند یادگیری، ارزشیابی است که به دو منظور انجام می‌گیرد:

۱- تعیین میزان تحقق اهداف یاددهی و یادگیری، و

۲- تثبیت و تحکیم آموخته‌ها.

بنابراین ارزشیابی بخشی از فرایند یادگیری است که در مراحل مختلف آن حضور دارد و معلم و دانش‌آموز به‌طور مرتب با آن در ارتباط‌اند. ارزشیابی به اهداف یادگیری توجه دارد و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن اهداف نیز کمک می‌کند؛ یعنی دانش‌آموز را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که دانش‌آموزان به این سه هدف دست یابند:

۱- شناخت درست از مبانی معارف و وظایف دینی،

۲- ایمان به آن مبانی، معارف و وظایف، و

۳- عمل به وظایف و مسئولیت‌ها.

این سه هدف، گرچه نوعی تقدم و تأخر دارند اما در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در میان این سه هدف، فعالیت‌هایی که مربوط به هدف رفتاری و عمل صالح است، نمی‌تواند در دایره ارزشیابی قرار گیرد، اما این به معنی نادیده گرفتن این قبیل فعالیت‌ها در محیط آموزشی نیست. مشارکت دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت، فعالیت‌های خیریه و امدادی، دعوت دیگران به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها و سایر فعالیت‌های شخصی و اجتماعی دینی می‌تواند در برنامه درسی پیش‌بینی شود و دانش‌آموزان به انجام اختیاری آنها دعوت شوند؛ بنابراین، ارزشیابی از دانش‌آموز در تعلیم و تربیت دینی باید در حوزه فعالیت‌های زیر انجام پذیرد:

۱- ارزشیابی از فعالیت‌های رشددهنده تفکر و تعقل، و

۲- ارزشیابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده ایمان و احساس دینی.

ارزشیابی درس تعلیم و تربیت دینی دوره راهنمایی در دو قالب «ارزشیابی تکوینی» و

«ارزشیابی پایانی» انجام می‌گیرد و نمره‌نهایی از مجموع نمرات این دو ارزشیابی به‌دست می‌آید.

در ارزشیابی تکوینی باید بیشتر به مهارت‌ها توجه شود و جنبه کیفی و توصیفی داشته باشد؛ زیرا ارزشیابی تکوینی یک ارزشیابی سازنده است که می‌تواند در خدمت ارتقای کیفی یادگیری قرار گیرد. دبیر در برگه ثبت ارزشیابی، میزان یادگیری هر دانش‌آموز و انجام فعالیت آموزشی او را می‌نویسد و نظر خود را ابراز می‌کند. علاوه بر این، متناسب با فعالیت‌های انجام شده، میزان یادگیری دانش‌آموز را تبدیل به ایزار کمی می‌کند و به صورت نمره ارائه می‌دهد.

ارزشیابی پایانی دارای آزمون کتبی است. در این آزمون میزان یادگیری محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤال‌های آزمون باید توزیع متناسبی از سطوح یادگیری را دربرگیرد و به سطوح بالاتر توجه بیشتری کند. درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال و داوری از اهم سطوحی است که باید بدان توجه شود.

## شیوه اجرای ارزشیابی

۱- ارزشیابی تکوینی (اعم از کتبی و شفاهی) دوازده نمره دارد و ارزشیابی کتبی پایانی هشت نمره دارد.

۲- ارزشیابی پایانی نوبت اول از مطالب تدریس شده همان نوبت و ارزشیابی پایانی نوبت دوم از تمام محتوای کتاب به عمل می‌آید.

۳- بارم‌بندی ارزشیابی تکوینی هر نوبت (۱۲ نمره) به شرح زیر است:

(الف) پاسخ به پرسش‌های استخراجی معلم از متن کتاب (۴ نمره)،

(ب) انجام فعالیت‌های کلاسی متن کتاب (۳ نمره)،

(ج) پاسخ به پرسش‌های پایانی هر درس (۳ نمره) و

(د) فعال بودن و مشارکت در فرایند تدریس (۲ نمره).

۴- نمره پایانی هر نوبت عبارت است از مجموع نمرات ارزشیابی تکوینی (۱۲ نمره) و ارزشیابی پایانی (۸ نمره) آن نوبت.

۵- درج نمره نهایی ارزشیابی درس «پیام‌های آسمان» در کارنامه تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند

به دو صورت ذیل انجام گیرد :

الف) تبدیل هر کدام از نمره‌های ارزشیابی مستمر (۱۲) و ارزشیابی پایانی (۸) به بیست نمره با نسبت‌گیری و درج آنها در ستون‌های مربوطه و با

ب) جمع کردن نمره ارزشیابی مستمر (۱۲) با نمره ارزشیابی پایانی (۸) و درج مجموع نمره در هر دو ستون ارزشیابی مستمر و پایانی.

۶- در کلیه ارزشیابی‌ها (تکوینی و پایانی) ملاک ارزشیابی درک مفهوم است و از نام شخص، تاریخ، مکان و سایر سؤالاتی که بیشتر بر حافظه تکیه دارد و کمتر درک مطلب و مفهومی است، سؤال طرح نشود.

۷- حفظ متن عربی آیات و احادیث و همچنین عین ترجمه آنها برای دانش‌آموز الزامی نیست و در ارزشیابی‌ها فقط می‌توان از مضمون، مفهوم و پیام آیات و احادیث استفاده کرد.

۸- مطالب بخش «فعالیت کلاسی» به منظور افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند تدریس است و می‌تواند نقش مهمی در ارزشیابی‌های دانش‌آموز داشته باشد.

۹- بخش «بیشتر بدانیم» هر درس فقط برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان است.

دیر محترم می‌تواند برای توضیح درس از آنها استفاده نماید و یا نمره تشویقی برای این بخش در نظر بگیرد اما نباید در ارزشیابی تکوینی یا پایانی مورد سؤال قرار گیرد.

۱۰- بخش «پیشنهاد» درس‌ها، دانش‌آموز را در رسیدن به اهداف مورد نظر درس یاری می‌کند. انجام این بخش و سایر فعالیت‌هایی که از سوی معلم یا دانش‌آموز پیشنهاد می‌شود، کاملاً اختیاری است و صرفاً می‌تواند برای دانش‌آموز نمره تشویقی داشته باشد. این نمره حداکثر دو نمره علاوه بر دوازده نمره ارزشیابی تکوینی است و مکمل نمره تکوینی دانش‌آموز خواهد بود و نمی‌تواند به نمره ارزشیابی پایانی اضافه شود.

۱۱- بخش «الهی» در هر درس برای جمع‌بندی در انتهای برخی دروس قرار گرفته است که در ارزشیابی تکوینی و پایانی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.

## دانش آموزان گرامی، سلام

آفرین بر شما که توانستید با تلاش و کوشش خود، سال دوم راهنمایی را با موفقیت پشت سر گذاشته و به مرحله جدیدی از زندگی تحصیلی تان قدم بگذارید. خداوند بزرگ را برای این موفقیت سپاس گزاریم. کتابی که پیش روی شماست، تلاش می کند راه رسیدن به زندگی زیباتر را به شما نشان دهد.

خداوند مهربان، بهشت زیبایش را برای تو آفریده است. برای تو و هرکس دیگری که آن را دوست بدارد و برای رسیدن به آن تلاش کند. او تمام موجودات را برای خوشبختی و سعادت انسان آفریده است و آنها را در مسیر هدایت و کمال وی قرار داده تا بتواند در دنیا و آخرت خوشبخت باشد و راه سعادت را که پایان آن، بهشت زیبای اوست بیماید.

این کتاب تلاش می کند تا به چند سؤال مهم شما پاسخ بدهد:

- از کجا آمده ام؟
- به کجا خواهم رفت؟
- راه درست را از چه کسی باید بپرسم؟

● چه کسانی مرا در این راه، همراهی می کنند؟  
● راهزنان و دشمنان من در این راه چه کسانی اند؟  
● برای اینکه سالم به مقصدم برسم، باید چه توشه‌ای همراه خود ببرم؟  
امیدواریم که بتوانید این مراحل را نیز مانند مراحل قبلی با سربلندی پشت سرگذارید و با عمل به آنچه فرامی گیرید، هر لحظه به مقصد زیبایی که در پیش رو دارید نزدیک و نزدیک تر شوید.

سعی کنید درس‌ها را خوب بیاموزید. به آموخته‌های خود فکر کنید و درباره آنها با هم کلاسی هایتان گفتگو کنید. اگر پیشنهادی داشتید، حتماً آن را بازگو کنید. بدانید که خداوند به شما نیروی داده است که اگر خودتان بخواهید، می توانید از پس هر کاری برآیید، پس از او یاری بخواهید و تلاش را آغاز کنید. تلاش برای موفقیتی دیگر.

## فصل اول: خداشناسی



در سال‌های پیش با برخی از نام‌ها و ویژگی‌های خداوند آشنا شدیم. دانستیم که او آفریدگار همه موجودات است و تمام هستی را با نظم و حکمتی شگفت‌انگیز به وجود آورده است. او همه آفریده‌هایش را می‌بیند و یاریگر آنهاست. دعا‌های آنها را اجابت می‌کند و به سپاس گزاران لطف بیشتری دارد. فصل نخست کتاب حاضر نیز مانند کتاب‌های پیشین به خداشناسی اختصاص دارد.

درس اول (عفو و گذشت) به بررسی غفاریت و گذشت خداوند می‌پردازد و گوشه‌ای از دریای بی‌پایان محبت و گذشت او را به ما نشان می‌دهد. همچنین این درس به ما می‌آموزد که گذشت نسبت به دیگران ما را مورد توجه بیشتر خداوند قرار می‌دهد.

درس دوم (هر چیزی به جای خویش نیکوست) به ما نشان می‌دهد که آفرینش موجودات با یکدیگر متفاوت است و خداوند حکیم آنها را مانند هم نیافریده است. این درس دلیل برخی از تفاوت‌ها را نیز در میان انسان‌ها بررسی می‌کند.



## عفو و گذشت

### آمرزنده پرده پوش

مدت‌ها بود که دیگر باران نمی‌بارید و سایه سنگین خشکسالی و قحطی بر سر مردم سنگینی می‌کرد.

مردم که دیگر فهمیده بودند همه مشکلاتشان به خاطر گناهان خودشان است، همگی نزد پیامبرشان رفتند :

— ای پیامبر خدا، اگر باران نبارد، همگی از تشنگی و گرسنگی خواهیم مرد. چه کنیم؟  
— زن و مرد، کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه جمع شوید تا برای درخواست بخشش از خداوند و نماز باران از شهر بیرون برویم...

همه در بیابان مشغول مناجات بودند که فرشته وحی نازل شد :  
— در میان مردم کسی هست که مرتکب گناهان بزرگی می‌شود، او هنوز توبه نکرده است. تا او در میان مردم باشد، دعای آنها مستجاب نمی‌شود.

گویا خداوند می‌خواست همه مردم توبه کنند و از گناهان پاک شوند. پیامبر خدا موضوع را با مردم در میان گذاشت.



آن فرد گناهکار لحظات سختی را می‌گذراند. مردم کنجکاوانه می‌خواستند بدانند او کیست؟ اگر بلند می‌شد و بیرون می‌رفت، آبرویش بیش همه می‌رفت و دیگر نمی‌توانست در آن شهر زندگی کند. احساس کرد خیلی تنه‌است. سرش را پایین انداخت و قطره‌های اشک از چشمانش فرو چکید :



خدایا، اکنون فقط تو صدای مرا می‌شنوی و از دل من آگاهی. خدایا، از تو عذر می‌خواهم و عهد می‌کنم که دیگر آن گناهان را تکرار نکنم. مردم هنوز منتظر بودند فرد گناهکار را ببینند که ناگهان صدای رعد و برق و بارش باران آنها را به خودشان آورد. هیچ کس از بین جمعیت بیرون نرفت، پس آن فرد گناهکار کیست؟ پیامبر خدا این پرسش را از خداوند پرسید.

– ای پیامبر ما، او دیگر گناهکار نیست. بنده ما توبه کرد و به سوی ما بازگشت.  
– خداوند، او را به من معرفی کن تا حداقل من او را بشناسم!  
– آن زمان که او گناهکار بود آبرویش را نبردیم، اکنون که بازگشته و دوست و بنده ما شده است آبرویش را ببریم؟!

## فعالیت کلاسی

- ۱- به نظر شما تأخیر در نزول باران از سوی خداوند چه نتیجه مثبتی به دنبال داشت؟
- ۲- نمونه‌های دیگری از بخشندگی و گذشت خداوند را بیان کنید.



داستانی که خواندیم شما را به یاد کدام یک از نام‌های خداوند می‌اندازد؟ یکی از نام‌های خداوند بلندمرتبه غَفَّار است؛ یعنی بسیار آمرزنده. شاید برای شما هم پیش آمده باشد که به طور اتفاقی یا از روی نادانی کسی حق شما را ضایع کند یا اینکه نسبت به شما رفتار بدی نشان دهد. در این هنگام، شما چه واکنشی از خودتان نشان داده‌اید؟

برخی از مردم هرگز حاضر نیستند خطاهای دیگران را ببخشند. عده‌ای هم فقط از اشتباهات کوچک دیگران، چشم پوشی می‌کنند، اما نمی‌توانند از اشتباهات بزرگ آنان بگذرند. خداوند بخشایشگر، نه تنها خطاهای کوچک، بلکه همه گناهان و حتی اشتباهات متعدد بندگان را نیز می‌آمرزد. تنها کافی است بنده‌ای از کار زشتش پشیمان شود و تصمیم بگیرد دیگر آن کار را تکرار نکند.<sup>۱</sup>

اکنون به نظر شما خداوند کدام گروه از بندگان را بیشتر دوست دارد؟ آنان که مانند خودش اهل گذشت و بخشش‌اند، یا انسان‌های بی‌گذشت؟

[مؤمنان] باید عفو و گذشت پیشه کنند

و [از یکدیگر] درگذرند.

آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم شما را ببامرزد؟  
خداوند آمرزنده و مهربان است.

«...وَلْيَعْفُوا

وَلْيَصْفَحُوا

أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۲</sup>

## فعالیت کلاسی

در جامعه‌ای که هیچ کس حاضر به عفو و بخشش خطاهای دیگران نباشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟  
با هم کلاسی‌هایتان گفتگو کنید و رفتار افراد بخشنده و افراد بی‌گذشت را در اتفاقات روزمره زندگی با هم مقایسه کنید.

۱- روشن است که اگر حق الناس به عهده کسی باشد، برای توبه کردن پشیمانی کافی نیست و انسان باید حقوق مردم را جبران کند.

۲- سوره نور، آیه ۲۲.

## گذشت زیبا

درشت استخوان بود و بلندقامت! محکم و استوار قدم برمی‌داشت و با گام‌هایی آرام، بازار کوفه را طی می‌کرد. اندام ورزیده و چهره آفتاب سوخته‌اش در کنار زخم شمشیری که از جنگ‌های قبلی روی صورتش به یادگار مانده بود، به او ابهت خاصی می‌بخشید.

در شلوغی بازار، چند نفر با هم مشغول گفتگو بودند. در این میان، فردی که کارش خنداندن دیگران بود، مشت‌های زباله برداشت، چشمش به نزدیک‌ترین عابر که افتاد، زباله‌ها را به طرف او پرتاب کرد؛ صدای خنده آنها توجه دیگران را نیز جلب کرد.



زباله‌ها روی شانه مرد بلند قد ریخت و لباس و بدنش را آلوده کرد. گره‌ای که در ابروها و پیشانی بلندش افتاد نشان می‌داد که سخت عصبانی شده است. او سر جایش ایستاد و انگشتان را در مشتش فشرد، اما پس از مدت کوتاهی بر خلاف انتظار حاضران که دعوایی سخت را پیش‌بینی می‌کردند، بدون اینکه حتی به طرف آنان برگردد، راه خودش را در پیش گرفت و از آنان دور شد.

یکی از آنان گفت: خدا خیلی به تو رحم کرد، اگر به سراغت می‌آمد ...

— او یک نفر بود و ما چند نفر، اگر هم دعوایی پیش می‌آمد، خودش پشیمان می‌شد.  
یکی از بازاریان که از دور ماجرا را تماشا می‌کرد، هراسناک خودش را به آنان رساند و گفت:  
هیچ می‌دانید به چه کسی توهین کردید؟  
— او هم یکی بود، مثل هزاران عابری که هر روز از این بازار می‌گذرند، فقط قدش کمی بلندتر  
از بقیه بود.

— اگر او را شناخته بودید، این گونه نمی‌خندیدید، او فرمانده لشکر اسلام، مالک اشتر بود!  
ناگهان صدای خنده قطع شد و رنگ از رخسار آن جمع پرید.  
— همان مالک اشتر معروف که نامش دل شیر را آب می‌کند؟ همان که پهلوانان دشمن از شنیدن  
نامش به خود می‌لرزند؟ بعد کمی سکوت کرد و آرام گفت:  
— وای بر من! چه حماقتی کردم! الان دستور خواهد داد مرا بگیرند و سخت مجازات کنند. باید  
بروم و از او عذرخواهی کنم. حتی اگر لازم شود به او التماس خواهم کرد ...  
به دنبال مالک اشتر به راه افتاد. مالک وارد مسجدی شد. او نیز آرام و با ترس و لرز وارد  
مسجد شد. مالک اشتر به نماز ایستاد. نفس راحتی کشید و منتظر ماند تا نمازش تمام شود.  
مرد با سرافکنندگی و پشیمانی کنار او نشست و با صدایی لرزان گفت: من همان کسی هستم  
که در بازار به شما بی‌ادبی کردم. از شما معذرت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم از مجازات من صرف نظر  
کنید.

مالک جواب داد: اشتباه می‌کنی. به خدا قسم من فقط به خاطر دعا برای تو به مسجد آمدم.  
وقتی دیدم تو بی‌دلیل مردم را آزار می‌دهی، دلم برایت سوخت. برای همین هم به مسجد آمدم تا دعا  
کنم و از خدا بخواهم که تو را به راه درست هدایت کند.<sup>۱</sup>



عفو و گذشت از خطاهای دیگران، نه تنها موجب خشنودی خداوند می‌شود و انسان را از  
رحمت بیشتر الهی بهره‌مند می‌کند، بلکه همواره انسان مورد محبت و تقدیر مردم قرار می‌گیرد. حال  
اگر شخص بخشنده، به جای عفو و گذشت، از خطاکاران انتقام بگیرد، هرگز نمی‌تواند به این امتیازها  
دست یابد. بنابراین، کسی که در هنگام خشم از خطاهای دیگران با انتقام و تنبیه، خود را آرام می‌کند،  
تنها به زیان خودش عمل می‌کند و از پاداش بزرگ الهی محروم می‌شود.

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید :

اهل گذشت باشید، بی تردید عفو و گذشت بنده را عزیز و سرافراز می گرداند. پس، از یکدیگر بگذرید تا خداوند شما را عزیز و سرافراز گرداند.<sup>۱</sup>

البته باید توجه داشته باشیم که همواره نباید از خطاهای دیگران گذشت کرد. در مواردی باید گذشت کرد که فرد خطاکار به اشتباهش پی برده و از انجام آن پشیمان شده باشد، دیگر نخواهد آن را انجام دهد و گذشت ما نیز موجب اصلاح رفتارش شود. چشم پوشی از رفتار کسانی که اشتباهات خود را نمی پذیرند و تصمیمی برای ترک آنها ندارند، موجب می شود جسارت آنان بیشتر شود و فرصتی برای اصلاح رفتارهای خود نیابند.

## فعالیت کلاسی

جدول زیر را مانند نمونه کامل کنید :

مواردی که گذشت از خطای دیگران پسندیده است	مواردی که نباید از خطای افراد چشم پوشی کرد
فرد خطاکار به اشتباهش پی برده است	
	اصلاً کار خودش را خطانمی داند
بخشش باعث راهنمایی او می شود	
	بخشش او باعث بی ادبی افراد نادان دیگر می شود

## خودت را امتحان کن

- ۱- غفار یعنی چه؟ چرا به خداوند مهربان غفار می گوئیم؟
- ۲- توضیح دهید گذشت از دیگران چه فایده هایی برای ما دارد؟

الهی

الهی،  
ای نهایت آرزوها و درخواست‌هایم،  
خطاهایم لباس ذلت بر من پوشانده،  
و گناهان دلم را میرانده است، پس تو خود با توبه‌ای دلم را  
زنده کن.

خداوندا، برای گناهانم جز تو آمرزنده‌ای نیافتم،  
و برای شکست‌هایم غیر از تو جبران‌کننده‌ای ندیدم،  
پس اگر مرا از درگفت برانی، به چه کسی پناه برم؟  
و اگر از نزد خویش بازم گردانی، به چه کسی روی آورم؟  
الهی، از تو می‌خواهم!  
ای آمرزنده گناهان بزرگ  
گناهانم را ببخش؛ که نابودگردند.  
و خطاهای پنهانی‌ام را بیوشان؛ که رسواکننده‌اند.  
ای مهربان‌ترین مهربانان، ...<sup>۱</sup>

### هر چیزی به جای خویش نیکوست

از میان رنگ‌های مختلف کدام رنگ زیباتر است؟

آبی؟ سبز؟ صورتی؟ و یا ..... .

حالا تصور کن؛ همه دریا‌های دنیا سبز شده‌اند. کوه‌ها هم سبز شده‌اند. خاک‌ها، آسمان‌ها، خانه‌ها،

لباس‌ها و حتی پوست و موی همه انسان‌ها و حیوانات هم سبز شده‌اند.

آیا اکنون می‌توانیم بگوییم جهان زیباتر شده است؟

دنیای یکنواخت، دنیایی خسته‌کننده و کسالت‌آور است که برای هیچ کس جذاییتی ندارد. البته

این یکنواختی تنها مربوط به رنگ‌ها نیست و اگر تمام کره زمین پوشیده از جنگل باشد، همه غذاها یک

مزه داشته باشند و همیشه هوا گرم یا سرد باشد، باز هم زندگی زیبا نخواهد بود.



### فعالیت کلاسی

به نظر شما چه چیزی موجب زیبایی و جذاییت جهان پیرامون ما می‌شود؟



## تفاوت‌های حکیمانه

این دیگر چیست که روی سر توست؟ چقدر زشت است! واقعاً که حیواناتی مثل تو زیبایی این جنگل را از بین می‌برند ...

اینها حرف‌های طاووس زیبایی بود که برای اولین بار گوزن بزرگی را در جنگل می‌دید. او همین طور در برابر گوزن قدم می‌زد و زیبایی پرهای رنگارنگ خودش را به رخ او می‌کشید. گاهی

هم در میان سخنانش به شاخ‌ها و پاهای بزرگ گوزن اشاره و او را مسخره می‌کرد.

طاووس آن قدر گفت و گفت که گوزن بزرگ کم‌کم خودش هم باور کرد خیلی زشت است! با خودش گفت: او راست می‌گوید. ای کاش من هم به جای این شاخ‌های زشت و بلند و این پاهای بزرگ، ظاهری زیبا و رنگارنگ داشتم ...

در همین هنگام ناگهان چشم صیادی به آن دو افتاد. با توری که در دست داشت آرام آرام به آنها نزدیک شد. با خودش گفت: من با این تور نمی‌توانم هر دوی آنها را با هم شکار کنم، پس بهتر است یکی از آن دو را انتخاب کنم. گوزن! بله او را باید بگیرم، او بزرگ‌تر است و گوشت زیادی هم دارد. اما نه! به شاخ‌های بلندش نگاه کن! اگر ناگهان با آن شاخ‌ها ضربه‌ای به من بزند، حتماً آسیب می‌بینم، از این گذشته، اگر نتوانم او را غافلگیر کنم، با پاهای قوی‌اش در یک چشم برهم زدن آن قدر از من دور

می‌شود که دیگر به گرد پای او هم نخواهم رسید. پس بهتر است از همین حالا از فکرش بیرون بیایم ...

## فعالیت کلاسی

۱- در این داستان چه چیزی گوزن را از خطر مرگ نجات داد؟

۲- از ماجرای گوزن و طاووس چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت؟



خداوند حکیم می فرماید :

عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا  
وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ  
وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا  
وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ  
وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ<sup>۱</sup>.

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید،  
در حالی که [همان] برای شما خوب است  
یا چیزی را دوست داشته باشید،  
در حالی که [آن] برای شما بد است  
و خدا می داند  
و شما نمی دانید.

ما انسان ها وقتی توانایی خودمان را با دیگران مقایسه می کنیم، معمولاً سرمایه های ارزشمند خود را نادیده می گیریم و فقط به چیزهایی فکر می کنیم که دیگران دارند و ما نداریم، اما اگر واقع بین باشیم، می بینیم که همه انسان ها در کنار ضعف هایشان از نقاط قوتی هم برخوردارند که دیگران از آنها محروم اند. کافی است کمی فکر کنیم تا دریابیم آنچه اکنون داریم برای زندگی ما مفید است، یا آنچه آرزوی آن را داریم؟

## فعالیت کلاسی

با کمک دوستانتان جدول زیر را کامل کنید.

چیزهایی که دوستشان داریم ولی برای ما زیان آورند	چیزهایی که برای ما خوشایند نیست ولی به سود ماست

آنچه خواندیم یکی از دلایل تفاوت در آفرینش ما انسان هاست، اما این تفاوت ها علت های دیگری نیز دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم :

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۶.

## رشد در بستر سختی‌ها

حتماً شما هم تاکنون مدال‌های درخشان و خوش رنگ طلا را برگردن قهرمانان بزرگ جهان دیده‌اید. تا حالا فکر کرده‌اید که این مدال زیبا برای اینکه برگردن یک قهرمان بنشیند چه راه دشواری را پیموده است؟

سنگ طلا را با ضربات بسیار سخت، از معدنی که هزاران سال در آن قرار داشته جدا می‌کنند. سپس آن را به کارخانه منتقل می‌کنند و با ضربات متعدد، کاملاً خرد می‌کنند. در این مرحله است که کوره داغ و آتشین انتظار او را می‌کشد. سنگ آن قدر در کوره می‌سوزد تا تمام ناخالصی‌ها از وجود ارزشمندش جدا شود و فقط فلزی صاف و درخشان باقی بماند. حالا دیگر وقت آن است که او را به صنعتگری ماهر و با تجربه بسپارند تا با ضربه‌های ریز و دقیق چکش، مدالی زیبا بسازد. حالا خودتان قضاوت کنید؛ اگر سنگ طلا این همه رنج و درد را تحمل نمی‌کرد، آیا هرگز این ارزش را پیدا می‌کرد که بر سینه قهرمانان بزرگ جای گیرد؟  
پیامبر اکرم **صلی الله علیه وآله وسلم** می‌فرماید :

مردم معدنی هستند مانند معدن‌های طلا و نقره.<sup>۱</sup>

بنابراین گرفتاری‌ها و مشکلات زندگی ما در حقیقت همان کوره‌های آتشین هستند که گوهر ارزشمند درون ما را از ناخالصی‌ها جدا می‌کنند و ما را به این شایستگی می‌رسانند که با قهرمانان تاریخ بشریت یعنی پیامبران و اولیای خدا هم‌نشین شویم.

امام صادق **علیه السلام** می‌فرماید :

گاهی اوقات مومن نزد خداوند مقامی دارد که نمی‌تواند با اعمال خودش به آن برسد، پس خداوند او را به بلای جسمانی مانند بیماری و ضعف و یا گرفتاری مالی یا مصیبت فرزندان دچار می‌کند تا اگر بردباری کرد او را به آن مقام برساند!

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۰.

## هر که بامش بیش...

هنگامی که توانایی‌های افراد را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که انجام کارهای پسندیده برای بعضی از آنها راحت‌تر از دیگران است. مثلاً کسی که دارایی بسیاری دارد به راحتی می‌تواند به ده‌ها نیازمند کمک کند، بارها به زیارت خانه خدا برود و در ماه مبارک رمضان به روزه‌داران بسیاری افطار دهد. اینها اعمال پسندیده‌ای است که انجامشان برای همه مردم امکان‌پذیر نیست. به نظر شما آیا می‌توانیم بگوییم که بقیه مردم از پاداش این کارهای نیک محروم شده‌اند؟ خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»<sup>۱</sup>

خداوند از هیچ کس بیش از توانایی‌اش تکلیفی نمی‌خواهد.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که انتظار خداوند از انسان‌ها هرگز یکسان نیست و وظیفه هر فرد نزد پروردگارش متناسب نعمت‌ها و توانایی‌هایی است که در اختیار دارد. برای مثال اگر کشور اسلامی مورد هجوم دشمنان قرار گیرد، کسانی که از سلامتی و قدرت کافی برخوردارند و توانایی جنگیدن در جبهه را دارند، وظیفه دارند در جبهه حضور بیابند و رو در روی دشمنان جهاد کنند. این وظیفه‌ایست که خداوند به عهده آنان قرار داده است. اما کسانی که واقعاً توان مقابله با دشمن را ندارند، لازم نیست در خط مقدم جبهه حضور یابند، بلکه این افراد وظیفه دارند پشت جبهه‌ها، نیازهای رزمندگان (مانند تهیه اسلحه و رساندن آذوقه به آنان) را برطرف کنند. روشن است که هریک از این افراد اگر به وظیفه خود به درستی عمل کنند، نزد خداوند از مجاهدان به‌شمار می‌روند و شایسته پاداش بزرگ الهی می‌شوند.

## خودت را امتحان کن

- ۱- توضیح دهید که چرا خداوند حکیم مردم را دقیقاً مانند یکدیگر نیافریده است؟
- ۲- دو برادر را تصور کنید که یکی از آنها باهوش‌تر از دیگری است. آیا می‌توانیم بگوییم آفرینش آن دو عادلانه نبوده است؟ چرا؟
- ۳- سخن امام صادق **علیه السلام** را دربارهٔ گرفتاری‌های مسلمانان بیان کنید.

۱- سوره بقره، آیه ۲۸۶.

## فصل دوم: راه و توشه



خداوند دانا و مهربان ما را به این دنیا آورده است تا با انجام اعمال صالح و دوری از کارهای ناپسند، بهشت خود را آباد کنیم. ما در سال‌های پیش با برخی کارها که توشه مناسبی برای سفر به سوی بهشت الهی هستند آشنا شدیم. نیکی به پدر و مادر، نماز خواندن، روزه گرفتن، زیارت اولیای الهی، علم‌آموزی و راست‌گویی از این توشه‌ها هستند.

درس سوم (افتخار بندگی) به ما نشان می‌دهد که حرکت اصلی ما به سوی بهشت از چه زمانی آغاز می‌شود و ما در این زمان که سن تکلیف نامیده می‌شود چه کارهایی را نباید انجام دهیم و چه کارهایی را باید انجام دهیم.

درس چهارم (از آگاهان بپرسیم) اهمیت مراجعه به افراد کارشناس و خبره را در هر موضوعی یادآور می‌شود و به معرفی کارشناسان اصلی دین و ویژگی‌های آنان می‌پردازد.

درس پنجم (وضو و تیمم) شیوه صحیح وضو گرفتن و شرایط آن را به ما می‌آموزد. این درس در ادامه به مواردی که به جای وضو باید تیمم کنیم اشاره می‌کند و شیوه انجام تیمم را برای ما توضیح می‌دهد.

درس ششم (مبطلات نماز) به ما می‌آموزد که انجام چه کارهایی باعث باطل شدن نماز نمازگزار می‌شود.



### افتخار بندگی

#### روز به یاد ماندنی

— پسر، این هدیه را از من و مادرت  
بپذیر! این هدیه‌ای است برای تبریک این روز  
مهم!

: روز مهم؟ مگر امروز چه روزی است؟  
نکند سالروز تولد من است؟ اما نه، هنوز تا آن  
روز وقت خیلی مانده!

با کنجکاوای جعبه را برداشتم و آن را  
باز کردم. انگشتر زیبای نقره با نگینی از عقیق  
قرمز!

: خیلی از شما ممنونم، اما واقعاً من  
هنوز نفهمیده‌ام که امروز چه روزی است و این  
هدیه برای چیست؟

پسر؛ امروز یکی از مهم‌ترین روزهای

زندگی توست، روزی که از دوران کودکی بیرون می‌آیی و گام به مرحله جدیدی از زندگی خود  
می‌گذاری! تو از امروز بالغ می‌شوی و به دنیای بزرگ‌ترها وارد می‌شوی. ما هم از این اتفاق خوشحالیم  
و برایت دعا می‌کنیم تا خداوند تو را در انجام مسئولیت‌های جدیدی که از این پس به عهده خواهی  
داشت یاری کند.

: مسئولیت های جدید؟ منظورتان کدام مسئولیت هاست؟

— وقتی بچه ها به سن بلوغ می رسند، توقع دیگران از آنها بالاتر می رود. خداوند نیز مسئولیت های جدیدی را به عهده آنان قرار می دهد و دیگر از آنان نمی پذیرد که مانند کودکان و افراد نابالغ، در انجام واجبات دینی شان کوتاهی کنند. در حقیقت از این به بعد خداوند شما را در جمع بزرگ ترها پذیرفته و برای شما حساب ویژه ای باز خواهد کرد. پس می بینی که شایسته است چنین روزی را مانند سالروز تولدت جشن بگیریم و برای این اتفاق مهم و پر برکت، برایت هدیه ای تهیه کنیم.

احساس خیلی خوبی داشتم. انگشترم را در دست کردم و به آن نگاه کردم. با نگاه به آن احساس کردم مهم تر شده ام و شخصیت من رسمیت یافته است. زیرلب گفتم: تو را نگاه می دارم. تو یادگار روز مهمی هستی. تو را نگاه می دارم تا هرگز این روز را فراموش نکنم. نه این روز را و نه مسئولیت جدیدم را ...



بلوغ برای یک مسلمان سرآغاز انجام تکالیف شرعی است. یعنی بر هر دختر و پسر مسلمان واجب است که پس از بلوغ، مانند بزرگسالان، به احکام دینی خود همانند نماز، روزه، حجاب و... عمل کنند.

البته انجام این تکالیف ها ممکن است در ابتدا با دشواری هایی نیز همراه باشد. مثلاً هر روز پیش از طلوع آفتاب برای نماز صبح از خواب بیدار شویم، در ماه رمضان از صبح تا غروب روزه بگیریم، در هنگام روبرو شدن با نامحرمان نگاه خود را کنترل کنیم و... .

در این هنگام است که از خودمان می پرسیم: اگر خداوند بعد از بلوغ نیز مانند گذشته ما را دوست دارد، پس چرا با واجب کردن عبادات و احکام دینی، ما را با سختی ها روبرو می کند؟

برای پاسخ به این پرسش خوب است مثالی بزنیم!

تصور کنید شما مربی ورزش های رزمی هستید.

در باشگاهی که شما به مربی گری مشغول هستید، ده ها نفر هنرجوی ورزشکار حضور دارند.

عده ای کوچک، کم سن و سال و ناتوان، عده ای دیگر بزرگ تر و آماده برای ورزش حرفه ای.

آیا شما برای همه این افراد تمرین های یکسانی در نظر می گیرید؟

حالا تصور کنید تا چند ماه دیگر مسابقات ورزشی برای انتخاب ورزشکاران برتر برگزار خواهد

شد و شما سخت مشغول آموزش شاگردان خود هستید. در میان آنها چند نفر هستند که آمادگی بدنی

و مهارت بیشتری نسبت به دیگران دارند و شما امیدوارید که این افراد بتوانند در مسابقات آینده به

مدال‌های رنگارنگی دست یابند.

آیا تمرین‌هایی که به این افراد می‌دهید با تمرین‌های بقیه افراد یکسان است؟  
شما که به عنوان مربی به شاگردان ارشدتان توجه و علاقه بیشتری دارید، چرا آنان را بیش از دیگران به سختی می‌اندازید؟  
این سختی‌های فوق‌العاده نشانه چیست؟



همین‌طور که می‌بینیم، وظایف دینی ما نیز در حقیقت نشانه لطف ویژه پروردگار به ما انسان‌هاست که هر چند انجام آنها در ظاهر با سختی‌هایی نیز همراه است، اما تحمل این دشواری‌ها به خاطر رشد و پیشرفتی که برای انسان به دنبال دارند، کاملاً منطقی است.

## فعالیت کلاسی

با دوستانتان در کلاس مشورت کنید و نمونه‌های دیگری از تکالیف را که انجام آنها باعث رشد و پیشرفت افراد می‌شود، بیان کنید.

## نشانه‌های تکلیف

- رسیدن به بلوغ سه نشانه دارد. اگر یکی از این نشانه‌ها در کسی بروز کند، به بلوغ می‌رسد:
- ۱- رویدن مو در برخی قسمت‌های بدن،
  - ۲- فعال شدن برخی هورمون‌ها در بدن که نشانه‌های آن در پسران و دختران متفاوت است، و
  - ۳- رسیدن به سن بلوغ؛ این سن برای پسران پایان پانزده سالگی قمری و برای دختران پایان نه سالگی قمری است.

## بیشتر بدانیم

هم‌زمان با بلوغ جسمی، معمولاً تغییرات دیگری نیز در بدن به وجود می‌آید که ناآگاهی از آنها می‌تواند باعث نگرانی افراد شود.

تغییر تدریجی صدا و اصطلاحاً دو رگه شدن صداها، به هم خوردن میزان خواب و خوراک، تغییرات وزن، رشد ناگهانی و نامتوازن طولی بدن که معمولاً با رشد استخوان

با آغاز می‌شود، بروز جوش‌های پوستی در صورت و بدن و به‌وجود آمدن تغییراتی در چهره از این دسته تغییرات‌اند.  
این تغییرات بدنی، تغییراتی گذرا هستند که به تدریج از بین می‌روند و بدن به شکل طبیعی خود بازمی‌گردد. توجه به توصیه‌های بهداشتی، مهم‌ترین راه‌کار عبور از این مرحله زندگی است.

## تحولات پس از بلوغ

بلوغ علاوه بر تغییرات جسمی، تحولات روحی و شخصیتی مهمی را نیز به دنبال دارد. در این میان انسان‌ها به‌صورت طبیعی به طرح پرسش‌های جدید می‌پردازند. این پرسشگری در حدی است که حتی در برخی دانسته‌های قبلی خود نیز دچار تردید می‌شوند و تلاش می‌کنند، همه دانسته‌ها و اعتقادات خود را براساس منطقی جدید نظم دهند.

دین اسلام با محترم شمردن این ویژگی، توصیه می‌کند در این هنگام - که زمان بنیان‌گذاری عقاید دینی اوست - اصول و زیربنای کلی دین خود را بر روی استدلال‌های قوی و منطقی بنا نهد و از تقلید در اصول دین بپرهیزد. آینده‌نگری و تلاش برای یافتن دوستانی مناسب، نتیجه رشد فکری انسان است.

حضرت علی **علیه السلام** درباره بهره‌گیری از رشد فکری جوانان در تصمیم‌گیری‌ها می‌فرماید:

در کارهایی که برایت پیش می‌آید، هرگاه به مشورت نیاز پیدا کردی، اول موضوع را با جوانان در میدان گذار، چرا که هوش آنان تیزتر و سرعت حدس‌شان بیشتر از دیگران است. سپس همان نظرات را با سالخوردگان به مشورت بگذار تا بهترین آنها را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنها از دیگران بیشتر است.<sup>۱</sup>

تحول بعدی پس از بلوغ در رفتار ما، حس استقلال‌طلبی است. ما پس از بلوغ احساس می‌کنیم که می‌توانیم مستقلاً دیدگاه‌های خود را بیان کنیم. دوست داریم دیگران به سخنانمان توجه کنند و به نظرات ما احترام بگذارند. وقتی می‌بینیم در جمع همسالان راحت‌تر می‌توانیم به اظهار نظر پردازیم، ترجیح می‌دهیم در این جمع‌ها حضور بیشتری داشته باشیم. از این گذشته، احساس مسئولیت



می‌کنیم؛ ما که تا قبل از این خود را نیازمند حمایت دیگران می‌دانستیم، پس از بلوغ حتی سعی می‌کنیم حامی دیگران نیز باشیم.

نکته بسیار مهم این است که اگر با همین روحیات فطری و خدادادی - که باعث شکوفایی شخصیت انسان در دوران بلوغ می‌شوند - به درستی برخورد نکنیم و یا در آنها زیاده‌روی کنیم، انحرافات و مشکلات فکری و اخلاقی زیادی در کمین ما خواهند بود. برای مثال شخصی را تصور کنید که پرسش‌های زیادی درباره مسائل دینی و یا تغییرات جسمی خود، برایش ایجاد شده است. اگر او این پرسش‌ها را با افراد ناآگاه و یا کسانی که اعتقاد صحیحی ندارند مطرح کند، آیا جز سرگردانی و گمراهی نتیجه دیگری خواهد گرفت؟

## فعالیت کلاسی

در جدول زیر به رفتار برخی افراد در دوران بلوغ اشاره شده است. با دوستانتان در کلاس گفتگو کنید و مشکلات به وجود آمده از زیاده‌روی یا برخورد نادرست با هر کدام را مقابل آنها بنویسید.

	به قدرت فکر و عقل خودش اطمینان دارد.
	می‌خواهد دیگران تمام نظرات او را بپذیرند.
	جمع دوستانش را به همه جا ترجیح می‌دهد.
	می‌خواهد همه چیز را خودش تجربه کند.
	دوست ندارد کسی او را نصیحت کند.

توجه داشته باشیم که هر چند انجام تکالیف شرعی قبل از بلوغ بر ما واجب نیست اما اسلام از ما می‌خواهد پیش از رسیدن به سن بلوغ با وظایف دینی خود آشنا شویم و با تمرین این تکالیف علاوه بر بهره‌مندی از پاداش‌های ارزشمند الهی، شرایط را طوری مهیا کنیم که انجام این وظایف پس از رسیدن به بلوغ برای ما دشوار نباشد.

زندگی اهل بیت پیامبر **علیهم‌السلام** به ما نشان می‌دهد که آنان نیز فرزندانشان را از خردسالی به انجام و تمرین وظایف پس از بلوغشان راهنمایی می‌کردند و از آنان می‌خواستند تا حدی که برایشان مقدور است به این تکالیف عمل کنند.<sup>۱</sup>

۱- کافی، ج ۳، ص ۴۰۹.

امام صادق علیه السلام درباره ارزش عبادت نوجوانان می فرماید :

محبوب ترین آفریده ها نزد خداوند بلندمرتبه، جوان نورسیده و با طراوتی است که جوانی و شادابی اش را در اطاعت خداوند سپری می کند. خداوند به چنین کسی نزد فرشتگانش مباحثات می کند و می فرماید : این است بنده واقعی من!

## خودت را امتحان کن

- ۱- چرا روز آغاز تکلیف را باید جشن گرفت؟
- ۲- نشانه های بلوغ را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۳- با توجه به حدیث امام علی علیه السلام، چرا در هنگام مشورت بهتر است ابتدا موضوع را با جوانان در میان بگذاریم؟
- ۴- یک مسلمان از چه زمانی باید فراگیری تکالیف دینی اش را آغاز کند؟ چرا؟

### از آگاهان پرسیم

مردی را چشم دردی عظیم خاست<sup>۱</sup>. پیش بیطار<sup>۲</sup> رفت. بیطار از آنچه در چشم ستورانش<sup>۳</sup> می ریخت، در چشم مرد نهاد. اندکی گذشت و مرد کور شد. بیطار نزد قاضی بردند که چشم مرد کور کرده! گفت: رهایش کنید. او اگر خود انسان بودی، پیش بیطار نرفتی!

گلستان سعدی<sup>۴</sup>

---

۱- چشم دردی عظیم خاست: به چشم دردی شدید مبتلا شد.

۲- بیطار: کسی که حیوانات را معالجه می کند، دامپزشک.

۳- ستوران: چهارپایان، حیوانات اهلی.

۴- با اندکی تصرف.

## روش‌های عاقلانه

مهندس ماهر را تصور کنید که تخصص فراوانی در ساخت بناها و برج‌های بلند دارد. توانایی او در این کار آن قدر زیاد است که هیچ کس بدون مشورت و راهنمایی او برچی نمی‌سازد. حالا فکر کنید همین مهندس، ناگهان دچار سردرد شدیدی می‌شود. سرش گیج می‌رود و حتی یک لحظه هم نمی‌تواند روی پای خودش بایستد.

در این زمان چه باید کرد؟

آیا می‌توانیم بگوییم «چون او فردی متخصص و ماهر است، پس حتماً خودش می‌تواند این مشکل را هم حل کند»؟

امروزه با پیشرفت‌های علمی بشر، رشته‌های مختلف علمی آن چنان توسعه یافته است که دستیابی به تخصص، آن هم فقط در یک رشته علمی، نیازمند سال‌ها مطالعه و پژوهش است. بنابراین، کاملاً واضح است که هیچ کس نمی‌تواند در تمام رشته‌های علمی مورد نیاز زندگی‌اش به تخصص دست یابد و بدون کمک کارشناسان دیگر، همه مشکلاتش را حل کند.

همه ما وقتی بیمار می‌شویم، نزد پزشک ماهر می‌رویم و طبق دستور او داروهایی را مصرف می‌کنیم. ما از مواد تشکیل‌دهنده داروهایی که مصرف می‌کنیم آگاهی کامل نداریم، اما به راهنمایی پزشکان در این کار اعتماد می‌کنیم و هرچه آنها بگویند را اجرا می‌کنیم. این تنها راه عاقلانه است.

## فناویت کلاسی

به نظر شما در چه امور دیگری باید به کارشناس مراجعه کرد؟ سه نمونه از مراجعه‌هایی که در زندگی خودتان به کارشناسان داشته‌اید، بیان کنید.



در درس پیش دانستیم که پس از دوران بلوغ، تکالیف و مسئولیت‌های جدیدی از طرف خداوند به عهده ما قرار می‌گیرد که انجام آنها بر هر مسلمانی واجب خواهد بود<sup>۱</sup>. نماز خواندن، روزه گرفتن، پرداختن خمس و زکات<sup>۲</sup>، رفتن به حج و پرهیز از گناهان نمونه‌هایی از تکالیف دینی مسلمانان هستند. توجه داشته باشیم، این احکام که سعادت دنیا و آخرت ما را در خود جای داده‌اند، باید دقیقاً به

۱- به مسلمانی که تکالیف دینی را به عهده دارد، مَكَلَّف گفته می‌شود.

۲- با مفهوم خمس و زکات و احکام آنها در سال‌های آینده آشنا خواهیم شد.

همان شکلی که خداوند دستور داده است، اجرا شوند.  
به نمونه زیر توجه کنید.  
خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید؛

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ  
وَآتُوا الزَّكَاةَ  
وَاطِيعُوا الرَّسُولَ  
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱</sup>

نماز را برپا دارید  
و زکات (اموالتان را) بدهید  
و از پیامبر اطاعت کنید  
تا مورد رحمت قرار گیرید.

این آیه به خوبی راه بهره‌مندی از رحمت الهی را به مؤمنان نشان داده است، اما؛

- آیا نماز در هر مکان و یا هر لباسی درست است؟
- شرایط و مقدمات واجب نماز چه چیزهایی است؟
- چه مقدار از اموال خود را باید به عنوان زکات بپردازیم؟
- زکات باید به چه کسی پرداخت شود؟

این پرسش‌ها تنها گوشه‌ای از پرسش‌های بسیاری است که هر مسلمانی باید از پاسخ‌های آنها اطلاع داشته باشد تا بتواند وظایف دینی‌اش را به درستی انجام دهد.  
ولی ما چگونه می‌توانیم از این احکام به صورت دقیق مطلع شویم؟



یکی از راه‌های دستیابی به وظایف و مسائل دینی، تحصیل علوم اسلامی است.  
در هر زمان، گروهی برای کسب دانش و تخصص به حوزه‌های علمیه می‌روند و پس از سال‌ها تحصیل، مطالعه و تحقیق در علوم دینی به تخصص دست می‌یابند. به این افراد متخصص، مجتهد یا فقیه گفته می‌شود. مجتهدان می‌توانند تمام احکام دینی را به دست بیاورند و دستورات خداوند را در هر موضوعی روشن کنند.

آیا بی‌موردن مسیر طولانی تحقیق و رسیدن به مقام اجتهاد، برای همه مردم امکان‌پذیر است؟

۱- سوره نور، آیه ۵۶.

به نظر شما کسانی که خودشان نمی‌توانند به درجهٔ اجتهاد برسند، چگونه باید از وظیفهٔ دینی خود اطلاع پیدا کنند؟ شما می‌توانید دربارهٔ این پرسش با دوستانتان در کلاس گفتگو کنید و در صورت نیاز از معلم محترم کمک بگیرید.

### تقلید از مجتهد اعلم

- اولین مسئله‌ای که هر مکلف باید آن را بداند و به آن عمل کند، مسئله تقلید است. به مجتهدی که مردم برای یادگیری احکام به او مراجعه می‌کنند، مرجع تقلید گفته می‌شود. پیروی از مجتهد در احکام شرعی نیز تقلید گفته می‌شود.
- برخی از شرایط مرجع تقلید عبارت‌اند از:
- شیعهٔ دوازده امامی باشد؛
  - زنده باشد؛
  - عادل باشد، یعنی خودش به واجبات دینی اش عمل کند و از گناهان دوری کند؛
  - از مجتهدین دیگر داناتر باشد.

## فعالیت کلاسی

- الف) توضیح دهید از میان انواع تقلید کدام یک درست و کدام یک نادرست است؟
- تقلید جاهل از جاهل
  - تقلید عالم از جاهل
  - تقلید جاهل از عالم
  - تقلید عالم از عالم
- ب) با توجه به شرایطی که برای یک مرجع تقلید خواندیم، به پرسش‌های زیر پاسخ داده و علت را توضیح دهید:
- ۱- در شهری دو نفر مجتهد زندگی می‌کنند. یکی از آنها داناتر از دیگری است و دومی مُسن‌تر است، آیا مردم می‌توانند از هر کدام که می‌خواهند تقلید کنند؟
  - ۲- کسانی که امسال به سن بلوغ می‌رسند، آیا می‌توانند از مرجعی که از دنیا رفته است تقلید کنند؟
  - ۳- اگر فردی به درجهٔ اجتهاد برسد، اما عادل نباشد، آیا دیگران می‌توانند از او تقلید کنند؟

## انتخاب مرجع

حتماً تا حالا این پرسش برای شما هم به وجود آمده است که ما چگونه می‌توانیم مرجع تقلید خود را انتخاب کنیم؟

واضح است که انتخاب مرجع تقلید اعلی<sup>۱</sup>، برای عالمان دینی و کسانی که مجتهدان را می‌شناسند، امکان پذیر است. بقیه مردم نیز - که خودشان شناخت درستی از مراجع تقلید ندارند و نمی‌توانند مرجع تقلید اعلی را انتخاب کنند - می‌توانند با مشورت اهل علم<sup>۲</sup>، مرجع تقلید خود را انتخاب کنند، که اگر این کار را نکنند به اشتباه می‌افتند.

## خودت را امتحان کن

- ۱- مجتهد به چه کسی گفته می‌شود؟
- ۲- سه مورد از شرایط مرجع تقلید را بیان کنید.
- ۳- تقلید در احکام شرعی به چه معنی است؟ توضیح دهید.

---

۱- اعلی: دانایتر از مجتهدان دیگر

۲- معمولاً به روحانیونی که آشنا با علوم اسلامی هستند، اهل علم گفته می‌شود.

### وضو و تیمم

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحاب خود فرمود :

بسیار وضو بگیر تا خداوند بر عمرت بیفزاید. اگر برایت میسر است که شب و روز با وضو باشی، این کار را انجام بده؛ کسی که با وضو می خوابد، بسترش تا صبح برای او مسجد خواهد بود و خوابش برای او نماز!

✓ وقتی می خواهیم نماز بخوانیم؛

✓ وقتی قصد داریم دستمان را به نوشته های قرآن بزنیم؛

✓ وقتی به حج می رویم و می خواهیم طواف واجب حج را به جای بیاوریم؛

✓ وقتی که به یکی از نام های خداوند (به هر زبانی که نوشته شده باشد) دست می زنیم؛

در تمام این موارد واجب است وضو داشته باشیم.

علاوه بر این موارد، وضو گرفتن در بسیاری از موارد دیگر نیز مستحب است؛ هنگام تلاوت

قرآن کریم، همراه داشتن قرآن، زیارت حرم های امامان **علیهم السلام**، رفتن به مسجدها، زیارت اهل

قبور، و حتی هنگام خوابیدن، از مواردی هستند که شایسته است انسان در این زمان ها وضو داشته

باشد.

اما شرایط وضوی صحیح چیست؟



## شرایط وضوی صحیح

کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، علاوه بر دانستن شیوه صحیح انجام وضو، باید به نکته‌های دیگری نیز توجه کند که شرایط وضوی صحیح نام دارند.

این شرایط عبارت‌اند از:

۱- پاک بودن آب وضو: آبی که با آن وضو می‌گیریم باید پاک باشد؛ اگر ندانیم و یا فراموش کنیم که آبی نجس است و با همان آب نجس وضو بگیریم، وضوی ما باطل است.

۲- مُطلق بودن آب وضو: پیش از توضیح این شرط باید بدانیم که آب‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: مطلق و مضاف.

آب مطلق به آب‌های خالصی گفته می‌شود که با چیز دیگر آمیخته نشده و یا از چیزی گرفته نشده باشد. آب باران، آب چشمه‌ها و چاه‌ها، آب رودها، دریاها و آب لوله‌کشی که در خانه‌ها وجود دارد، آب مطلق شمرده می‌شوند.

اما آبی که خالص نیست و آن را از چیز دیگری گرفته‌اند - مانند گلاب و آب‌میوه - و یا اینکه با چیز دیگری مخلوط شده باشد - مثل آب نمک غلیظ و آب‌های خیلی گل آلود به گونه‌ای که دیگر به آن آب نگویند - آب مضاف نامیده می‌شود.

وضو گرفتن فقط با آب مطلق صحیح است و ما نمی‌توانیم با آب مضاف وضو بگیریم.

۳- مباح بودن آب و ظرف آن: آبی که ما با آن وضو می‌گیریم باید مباح باشد؛ یعنی یا آب برای خودمان باشد و یا اینکه اگر برای دیگری است، او از وضو گرفتن ما با آب رضایت داشته باشد. بنابراین، استفاده از آب غصبی<sup>۱</sup> کاری حرام و وضو نیز با این آب باطل خواهد بود. البته وضو گرفتن با آب‌هایی که در مکان‌های عمومی قرار دارند صحیح است.

توجه داشته باشیم که ظرف آب وضو نیز نباید غصبی باشد؛ یعنی اگر ما برای وضو از ظرفی استفاده کنیم که صاحبش از استفاده ما راضی نباشد، وضوی ما باطل است.

۴- پاک بودن اعضای وضو: اگر صورت، دست‌ها، سر و یا روی پاها در هنگام وضو گرفتن نجس باشند، باید ابتدا نجاست را برطرف کرد، بدن را پاک نمود و سپس وضو گرفت. روشن است که اگر اعضای وضو نجس باشند، وضو باطل است.

۵- نبودن مانع در اعضا: در هنگام وضو، اگر چیزی به اعضای وضو چسبیده باشد که نگذارد آب به بدن برسد (مثل چربی کرم‌ها که بر دست و صورت باقی می‌ماند و یا لاک روی ناخن)

۱- به آبی غصبی می‌گویند که صاحب آن راضی نباشد ما از آن استفاده کنیم.

وضوی ما باطل خواهد بود.

۶- ترتیب: واجب است تمام مراحل وضو را به ترتیب انجام دهیم؛ یعنی پس از نیت، ابتدا صورتان را می شویم. سپس دست راست را از بالای آرنج تا نوک انگشتان می شویم و پس از آن دست چپ را نیز به همین صورت می شویم؛ بعد با همان رطوبتی که در دست داریم، سرمان را مسح می کنیم و بعد هم با همان رطوبت با دست راست، روی پای راست و با دست چپ روی پای چپ را مسح می کنیم. اگر مکلف این ترتیب را به هم بزند، وضویش باطل می شود.

۷- مُوالات: واجب است کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهیم و بین آنها فاصله نیندازیم. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیندازیم که حالت وضو به هم بخورد، به گونه ای که بگویند او مشغول کار دیگری شده است؛ مثلاً هنگام وضو گرفتن کسی با تلفن منزل تماس بگیرد و ما به صحبت با او مشغول شویم، وضوی ما باطل است.

۸- قصد قربت: باید فقط برای خشنودی خداوند وضو گرفت و اگر تمام وضو و یا بخشی از آن را به قصد دیگری به جز رضایت خداوند انجام دهیم وضوی ما باطل می شود. البته لازم نیست وضو را به زبان بگوییم.

## بیشتر بدانیم

### چند مسئله مهم وضو

اول - اگر ناخن فرد بلندتر از حد معمول باشد، باید چرک زیر آن را برای وضو برطرف کند.

دوم - کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی تواند خودش وضو بگیرد، باید از شخص دیگری بخواهد که او را وضو دهد. در این حال مکلف باید خودش نیت وضو کند و هر کدام از کارهای وضو را هم که می تواند، خودش انجام دهد.

سوم - اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است؛ البته باید آن را برای نماز پاک کند.

چهارم - خانم ها نباید در جایی وضو بگیرند که نامحرم بدنشان را ببیند، هر چند این کار وضو را باطل نمی کند.

پنجم - راه رفتن در بین وضو اشکالی ندارد. بنابراین، اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

ششم - اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.

هفتم - کسی که برای خشنودی خداوند وضو می‌گیرد، می‌تواند هر کاری را که باید با وضو انجام داد، با این وضو انجام دهد؛ مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند، دست به نوشته قرآن بزند و به طواف خانه خدا برود.

هشتم - در هنگام استفاده از اشیایی مانند گردنبند که نام خدا یا یکی از پیامبران یا امامان بر آن است - و با بدن تماس دارد - باید وضو داشت.

## تیمم

مواردی وجود دارد که باید به جای وضو یا غسل، تیمم کرد. این موارد عبارت‌اند از زمان‌هایی که مکلف :

- ۱- اصلاً به آب دسترسی ندارد؛ مثلاً در بیابان و یا کوهستان بی‌آبی گرفتار شده است.
- ۲- آب به همراه دارد، ولی استفاده از آن برایش ضرر دارد.
- ۳- آب در دسترس هست، ولی غصبی، نجس یا خیلی گل آلود است.
- ۴- آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد، از تشنگی به سختی خواهد افتاد.
- ۵- فرصت کافی برای وضو گرفتن ندارد و اگر بخواهد وضو بگیرد، نمازش قضا خواهد

شد.

در چهار مورد اول، مکلف در صورتی می‌تواند تیمم کند که مطمئن باشد تا پایان وقت نماز، این شرایط برایش تغییر نمی‌کند.



برای تیمم کردن ابتدا نیت می‌کنیم که برای خشنودی خداوند و به جای وضو یا غسل می‌خواهیم تیمم کنیم.



سپس کف هر دو دست را با هم بر روی خاک پاک می‌زنیم.  
سپس دست‌ها را بر بالای پیشانی گذاشته و آنها را تا ابروها و بالای بینی می‌کشیم.  
سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست گذاشته و از میج تا نوک انگشتان می‌کشیم.  
و در آخر کف دست راست را پشت دست چپ گذاشته و از میج تا نوک انگشتان می‌کشیم.

## فعالیت کلاسی

- الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضوی مکلف صحیح و در کدام یک باطل است؟
- در گرمای تابستان، برای خشنودی خداوند وضو می‌گیرد و با این کار خنک هم می‌شود.
  - در برابر چشم دیگران و برای اینکه از او تعریف کنند، وضو می‌گیرد.
  - آب پاک در اختیار ندارد و به همین دلیل با گلاب وضو می‌گیرد.
  - در هنگام سفر، از آب رودخانه وضو می‌گیرد.
  - در حال وضو می‌خواهد سرش را مسح کند که ناگهان خون از بینی‌اش جاری می‌شود و روی صورتش می‌ریزد.
  - به دلیل کمر درد، نمی‌تواند خم شود و پاهایش را مسح کند، برای همین از برادرش می‌خواهد تمام مراحل وضو را او برایش انجام دهد.
  - بعد از وضو متوجه می‌شود که زیر ناخن‌هایش مقدار کمی آلودگی وجود دارد و ناخن‌هایش هم خیلی بلند نیست.
- ب) در حضور معلمان وضو بگیرید و از او بخواهید تا اشکالات احتمالی وضوی شما را برطرف کند.

- برخی از چیزهایی که وضو و تیمم را باطل می‌کنند عبارت‌اند از :
- ۱- خارج شدن ادرار، مدفوع و گازهای روده از بدن،
  - ۲- به خواب رفتن (به صورتی که چشم نبیند و گوش هم نشنود)، و
  - ۳- از بین رفتن موقتی یا دائمی عقل، مانند دیوانگی، مستی و بی‌هوشی.<sup>۱</sup>

## خودت را امتحان کن

- ۱- از شرایط وضوی صحیح پنج مورد را نام ببرید و توضیح دهید.
- ۲- سه مورد از مواردی که مکلف باید برای نماز، تیمم کند را بیان کنید.
- ۳- شیوه صحیح تیمم کردن را به صورت خلاصه توضیح دهید.

## پیشنهاد

با مراجعه به رساله توضیح المسائل مرجع خود ببینید تیمم علاوه بر خاک، بر چه چیزهای دیگری صحیح است؟

۱- علاوه بر این، مبطلات وضو چیزهای دیگری هم هستند که در آینده با آنها آشنا خواهید شد.

### مُبطلات<sup>۱</sup> نماز

آن روز، نمازخانه مدرسه شلوغ‌تر از روزهای دیگر بود. صادقی و محمدی هم گوشه‌ای از نمازخانه نزدیک هم نماز می‌خواندند. ناگهان یکی از بچه‌ها سرش را از پنجره داخل کرد و گفت: بچه‌ها زود باشید الآن زنگ می‌خورد.

کمی بعد، صادقی ناگهان نمازش را شکست و پس از چند لحظه سکوت دوباره تکبیرة الاحرام گفت و نمازش را شروع کرد.

نمازشان که تمام شد، محمدی پرسید: چرا نمازت را شکستی؟ مگر نمی‌دانی شکستن نماز حرام است؟

صادقی جواب داد: اگر کسی بی‌دلیل نمازش را بشکند کار حرامی انجام داده است، اما من که بی‌دلیل این کار را نکردم. نماز من پیش از اینکه من آن را بشکنم، خودش باطل شده بود.

محمدی با تعجب پرسید: چطور؟!

صادقی گفت: داشتم تسبیحات اربعه را می‌گفتم که یک دفعه متوجه شدم مقداری از خرده‌های نان که پیش از نماز خورده بودم در دهانم باقی مانده است. در این فکر بودم که چه کار کنم که ناگهان بی‌اختیار آن را قورت دادم. همان وقت یک نفر گفت: الآن زنگ می‌خورد. من که به خاطر قورت دادن نان شک کرده بودم نمازم درست است یا نه، این حرف هم حواسم را بیشتر پرت کرد. هرچه فکر کردم دیگر یادم نیامد رکعت سوم هستم یا چهارم؟ برای همین نمازم را که باطل شده بود رها کردم و آن را از اول خواندم.

۱- باطل‌کننده‌ها

محمدی گفت: اولاً که قورت دادن خرده‌های کوچک نان یا هر چیز دیگر، نماز را باطل نمی‌کند. از این گذشته چه کسی گفته آدم هر جای نمازش که شک کند، نماز باطل می‌شود؟ پس نماز را بی دلیل شکسته‌ای!

صادقی پرسید: تو مطمئنی نمازم درست بوده؟

محمدی گفت: بله، امام جماعت مسجد محله ما چند شب است که دربارهٔ مبطلات نماز صحبت می‌کند. من این موضوع را از او شنیده‌ام. اگر می‌خواهی مطمئن شوی امشب بیا مسجد و از خودش سؤال کن...



در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم که نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده شود، تأثیر عمیقی بر خوشبختی انسان و خشنودی خداوند از نمازگزار خواهد گذاشت.

ما در این درس به بررسی احکام دیگری خواهیم پرداخت که بی‌اطلاعی از آنها باعث باطل شدن نماز می‌شود.

## مُبطلات نماز

می‌دانید چه کارهایی نماز را باطل می‌کنند؟ بنا بر فتوای مراجع تقلید، مبطلات نماز دوازده چیز است که ما به صورت خلاصه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- از بین رفتن یکی از شرایط نماز: در سال گذشته با برخی از شرایط نماز آشنا شدیم. پاک بودن لباس و بدن نمازگزار، وضو داشتن و همچنین غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار از آن شرایط بودند.

اگر نمازگزار در بین نماز متوجه شود که یکی از این شرایط از بین رفته است؛ مثلاً یادش بیاید وضو نگرفته یا مکانی که در آن نماز می‌خواند غصبی است، نمازش باطل است.

۲- باطل شدن وضو: اگر وضوی نمازگزار در بین نماز باطل شود، نمازش نیز باطل خواهد شد.

۳- روی برگرداندن از قبله: اگر نمازگزار در حال نماز صورت خود را از قبله به طرف چپ یا راست بگرداند، (به اندازه‌ای که دیگر رو به قبله به حساب نیاید) نمازش باطل است و فرقی بین عمدی

و یا سهوی<sup>۱</sup> بودن این کار نیست.

۴- خندیدن با صدای بلند (قهقهه): خنده بلند، در صورتی که عمدی باشد نماز را باطل می‌کند. بنابراین، لبخند زدن و یا خنده با صدا که عمدی نباشد، نماز را باطل نمی‌کند.

۵- حرف زدن در بین نماز: اگر نمازگزار در بین نماز عمداً سخن بگوید، حتی اگر یک کلمه هم باشد، (مثلاً بگوید: آخ) نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر بدون توجه و از روی فراموشی در بین نماز چیزی بگوید، نمازش صحیح است.

۶- به هم زدن صورت نماز: اگر نمازگزار در بین نماز، کاری انجام دهد که حالت نماز را به هم بزند، مثلاً دست بزند و یا به هوا ببرد نمازش باطل می‌شود و فرقی ندارد که این کارش کم باشد یا زیاد، عمدی باشد یا سهوی. البته انجام کارهایی که صورت و حالت نماز را به هم نمی‌زند، مثل اشاره کردن با دست، نماز را باطل نمی‌کند.

۷- خوردن و آشامیدن: خوردن و آشامیدن باعث باطل شدن نماز می‌شود، اما اگر نمازگزار ذره‌های ریز غذا یا چیزهای دیگر را که در دهان دارد، در بین نماز فرو برد، نمازش صحیح است.

۸- کم و زیاد کردن ارکان و واجبات نماز: ما در سال‌های پیش با ارکان و واجبات نماز آشنا شدیم. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز مانند رکوع را کم یا زیاد کند، نمازش باطل می‌شود. البته کم یا زیاد کردن بقیه واجبات نماز، به جز ارکان تنها وقتی نماز را باطل می‌کند که عمدی باشد.

۹- شک کردن در رکعت‌های نماز دو یا سه رکعتی: اگر نمازگزار در حالی که نماز دو یا سه رکعتی می‌خواند، شک کند که در رکعت چندم نماز است و با کمی فکر و تأمل نیز شک او برطرف نشود، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی هم شک کند، نمازش باطل می‌شود.<sup>۲</sup>

## فایده کلاسی

با توجه به موارد نه‌گانه‌ای که گفته شد، در داستان ابتدای درس، آیا نماز صادقی باطل شده بود؟ مواردی که صادقی انجام داده بود ولی نمازش باطل نشده بود را مشخص کنید.

۱- کاری که از روی فراموشی و بی‌توجهی از انسان سر می‌زند.

۲- علاوه بر مواردی که در این درس خواندیم، دو کار دیگر نیز باعث باطل شدن نماز می‌شود که عبارت‌اند از آمین گفتن بعد از

خواندن سوره حمد و روی هم گذاشتن عمدی دست‌ها در حال نماز.



## چند مسئله مهم درباره نماز

- نماز گزار می تواند در قنوت نماز به زبان فارسی یا هر زبان دیگری دعا کند.
- اگر نماز گزار اذکار نمازش را آن قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آنها صحیح نباشد، نمازش باطل می شود.
- شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.
- اگر اذکار واجب نماز را در حال حرکت بگوید؛ مثلاً بخشی از ذکر رکوع را در حالی بگوید که دارد از رکوع برمی خیزد، نمازش باطل می شود.
- اگر در بین نماز، مُهر (یا چیزی که بر آن سجده می کند) را از دست بدهد؛ مثلاً کودکی آن را بردارد و با خود ببرد، چنانچه برای خواندن آن نماز وقت دارد، باید نماز را بشکند.
- اگر نماز گزار در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل می شود.
- نماز گزار نباید در حال نماز به دیگران سلام کند، ولی اگر دیگران به او سلام کنند، باید جواب سلام آنها را در حال نماز بدهد. البته جواب دادن به سلام غلطی که سلام به حساب نمی آید یا از روی تمسخر انجام می شود، واجب نیست.
- جواب سلام نماز گزار به دیگران باید مانند لفظ سلام آنان باشد، مثلاً اگر کسی به نماز گزار بگوید: سلام؛ نماز گزار هم در جواب تنها باید بگوید: سلام؛ و اگر سلام کننده بگوید: سلام علیکم، نماز گزار هم در جواب باید بگوید: سلام علیکم.
- سرفه، عطسه و خمیازه کشیدن نماز را باطل نمی کند.
- اگر نماز گزار بعد از نماز شک کند که هنگام نماز، کاری که نماز را باطل می کند انجام داده است یا نه، نمازش صحیح است.
- گریه کردن برای آموزش گناهان در حال نماز، چه آهسته باشد و چه با صدای بلند عمل پسندیده ای است.

- در هر یک از موارد زیر توضیح دهید که آیا نماز نمازگزار صحیح است یا خیر.
- ۱- خیلی عجله دارد و به همین دلیل بعضی از اذکار نماز را در حال حرکت می‌گوید.
  - ۲- وسط اتاق نماز می‌خواند که برادر کوچکش محکم با سه چرخه به پایش می‌کوبد! او هم بی‌اختیار فریاد می‌زند: آخ! و بعد از کمی سکوت، نمازش را ادامه می‌دهد و بعد از پایان نماز هم دو سجده سهو انجام می‌دهد.
  - ۳- مشغول خواندن حمد و سوره است که ناگهان از پشت سرش صدای بلندی می‌شنود، بی‌اختیار برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. سپس خیلی زود تا حواسش جمع می‌شود رو به قبله برمی‌گردد و بقیه حمد و سوره‌اش را می‌خواند.
  - ۴- در حالی که در مقابل تلویزیون نماز می‌خواند، خواهرزاده کوچکش تلویزیون را روشن می‌کند. با دیدن یکی از صحنه‌های فیلم خنده‌اش می‌گیرد، ولی با تلاش فراوان خودش را کنترل می‌کند و فقط آرام می‌خندد.
  - ۵- در رکعت سوم مشغول تسبیحات اربعه است که خبر مهمی را از تلویزیون می‌شنود. برای اینکه درست متوجه خبر شود چند دقیقه سکوت می‌کند و پس از تمام شدن آن بخش از خبر، بقیه تسبیحات را می‌گوید.
  - ۶- در بین نماز، گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زند، بدون اینکه ذکر بگوید، آن را از جیبش درمی‌آورد و نگاه می‌کند و سپس خاموش می‌کند و نمازش را ادامه می‌دهد.
  - ۷- در نماز چهار رکعتی وقتی سر از سجده دوم بر می‌دارد شک می‌کند که در رکعت دوم است یا رکعت سوم.

- ۱- پنج مورد از مبطلات نماز را نام ببرید.
- ۲- در چه زمانی انسان می تواند جواب سلام کسی را که در نماز به او سلام کرده است، ندهد؟
- ۳- اگر نمازگزار در نماز مغرب شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، نمازش چه حکمی دارد؟

بیشتر بدانیم

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید :  
هنگامی که انسان به نماز می ایستد، به خاطر رحمت خداوند که او را فرا گرفته است، شیطان با حسادت به او می نگرد.<sup>۱</sup>



## فصل سوم: معاد



می‌دانیم که مرگ پایان زندگی نیست بلکه پلی است که دو طرف زندگی ما (دنیا و آخرت) را به هم وصل می‌کند. هر انسانی دوست دارد بداند که پس از مرگ چه رویدادهایی منتظر اوست؟

در سال‌های پیش با برخی از رویدادهای پس از مرگ آشنا شدیم و دانستیم که اعمال ما می‌تواند بر حالت ما در هنگام مرگ و زندگی پس از آن تأثیرگذار باشد.

درس هفتم (روز رستاخیز) به برخی دیگر از اتفاقات روز قیامت اشاره می‌کند و به ما می‌آموزد که باید در دنیا چگونه باشیم تا در روز قیامت خوشحال و رستگار شویم.



### روز رستاخیز

از خورشید فروزان، جز دایره‌ای کم‌رنگ و بی‌رمق چیزی باقی نمانده است! ستاره‌ها هم نوری ندارند. کوه‌های سستبر و بلندی که روزی میخ‌های زمین بودند اکنون مانند ابرها در حرکت‌اند و دریاها آتش گرفته‌اند.<sup>۱</sup> این هنوز اول ماجراست.



انسان‌ها دوباره زنده می‌شوند...

کتاب اعمال کسی را به دست راستش می‌دهند. کمی که نگاه می‌کند، آرامش به چهره‌اش برمی‌گردد. کم‌کم چهره‌اش روشن و روشن‌تر می‌شود و لب‌خند به لب‌هایش می‌نشیند. حالا بدون هیچ ترسی با اشتیاق کتابش را می‌خواند و ناگهان؛

آهای! بیایید کتابم را ببینید! از اول هم می‌دانستم که روز حساب در کار است...<sup>۲</sup>

از همین حالا نشاط بهشت در چهره‌اش موج می‌زند. می‌خواهد نامه‌اش را به همه نشان دهد.

امادر گوشه‌ای دیگر، کتاب کسی را به دست چپش می‌دهند. از خجالت سرش را پایین می‌اندازد.

از همین حالا تکلیفش روشن است. طوری که کسی نبیند، آرام گوشه کتابش را باز می‌کند.

همین که نگاهی به کتابش می‌کند غباری تاریک صورتش را فرامی‌گیرد.

این دیگر چه کتابی است؟ هرچه انجام داده‌ام اینجاست! کاش اصلاً کارنامه‌ی اعمالم را نمی‌دادند!

ای کاش نمی‌دانستم حساب کارهایم چیست! کاش با مردن کارم تمام می‌شد! دارایی و ثروتم سودی

برایم نداشت، قدرتم نیز از دستم رفت.<sup>۳</sup>

از غصه‌ی دستان خود را می‌گزد! دارد خودش را سرزنش می‌کند<sup>۴</sup> که ناگهان...

---

۱- سوره تکویر، آیات ۱-۳.

۲- سوره حاقه، آیات ۱۹-۲۰.

۳- سوره حاقه، آیات ۲۵-۲۹.

۴- سوره فرقان، آیه ۲۷.

قرآن کریم از روز قیامت با نام‌های مختلفی یاد کرده است: روز جدایی، روز حسرت، روز برانگیختن و روز حساب. با دقت در متنی که خواندیم مشخص کنید این نام‌ها به کدام یک از بخش‌های متن صفحه قبل اشاره دارد؟

علاوه بر نام‌هایی که به آنها اشاره شد، روز قیامت نام‌های دیگری نیز دارد. برخی از این نام‌ها عبارت‌اند از: روز جاودانگی، روز جزا، روز حق، روز معلوم، روز بزرگ، روز جمع شدن و... هر یک از این نام‌ها به ویژگی خاص روز قیامت اشاره دارد. در اینجا ویژگی دو نام از نام‌های روز قیامت را با هم بررسی می‌کنیم.

## ۱- روز حسابرسی

یکی از نام‌های روز قیامت یوم الحساب، یعنی روز حسابرسی است. در این روز تمام اعمال نیک و بد انسان‌ها - چه کوچک و چه بزرگ - مورد بازبینی و پرسش قرار می‌گیرند و هر کس در برابر یکایک کارهایی که انجام داده است، پاداش یا مجازات متناسب با عملش را دریافت خواهد کرد. حسابرسی روز قیامت به نحوی انجام می‌شود که هیچ عملی بدون بررسی باقی نمی‌ماند و تمامی کارهای کوچک و بزرگی که انسان در زندگی انجام داده است حسابرسی می‌شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا  
يَرَهُ  
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا  
يَرَهُ»<sup>۱</sup>

هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد  
[جزای] آن را می‌بیند!  
و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد انجام دهد  
[جزای] آن را می‌بیند!

حال که تمامی کارهای ما در روز قیامت به دقت حسابرسی می‌شود، وظیفه ما در برابر کارهایی که انجام می‌دهیم چیست؟

## ۲- روز جدایی

یکی دیگر از نام‌های روز قیامت یوم الفصل (روز جدایی) است. در این روز - همان‌طور که از نامش پیداست - انسان‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند و هر کس به گروهی که کارهایشان شبیه آنها بوده است، می‌پیوندد.

به نظر شما برای نجات از چنین رنج بزرگی چه باید کرد؟

## نوشه‌های روز حساب

«الَّذِينَ آمَنُوا	کسانی که ایمان آورده
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ	و کارهای شایسته کرده‌اند،
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ	آنان اهل بهشتند،
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» <sup>۱</sup>	و در آن جاودان خواهند ماند.

اولین و مهم‌ترین چیزی که خداوند آن را مایه رستگاری انسان در روز قیامت می‌داند ایمان است. ایمان شرط اصلی سعادت و رهایی از زیان کاری است که بدون آن هیچ کار نیکی نیز سودمند نخواهد بود. آیا ایمان به تنهایی برای معاد انسان کافی است؟

در جواب باید گفت: ایمان وقتی می‌تواند انسان را به خوشبختی واقعی برساند که با عمل صالح همراه شود و در حقیقت، عمل صالح نشانه ایمان است و بدون اعمال نیک، ایمان نیز کم‌کم از قلب انسان رخت برمی‌بندد.

۱- سوره بقره، آیه ۸۲.

اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده اید. اگر هنگام شب و در حالی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون اتاق چه چیزی دیده می شود؟

آیا امکان دارد در حالی که پنجره ها باز هستند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟

چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما پنجره های قلب ما هستند. اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می رود و در گفتار و رفتار او ظاهر می شود.

اکنون شاید برای شما هم این پرسش به وجود آمده باشد که در میان اعمال صالح، کدام یک می تواند فایده بیشتری در روز قیامت داشته باشد؟

## نیکی های ماندگار

کسی که زمین خود را برای ساختن مسجد و یا مدرسه هدیه می کند و مردم تا سال های طولانی بعد از مرگ او از این مکان ها استفاده می کنند؛

استادی که به دیگران کار خوبی می آموزد و آنان پس از مرگ استاد به آن کار عمل می کنند و خودشان هم همان کار را به دیگران می آموزند؛

کشاورز نیکوکاری که درختی را می کارد و پس از مرگش دیگران از آن درخت استفاده می کنند؛ کسی که فرزندان نیکی تربیت می کند و آنان پس از مرگ او، برایش دعا و طلب آمرزش می کنند و کار خیر انجام می دهند؛

کسی که با سال ها مطالعه و تحقیق کتاب های سودمندی می نویسد و دیگران با استفاده از آن کتاب ها رستگار می شوند؛

این گونه کارها، باقیات الصالحات نام دارند. کارهای نیکی که پس از مرگ صاحبشان نیز باقی می مانند و همچنان حسنات و پاداش های الهی را به پرونده اعمال او اضافه می کنند. این در حالی است که پرونده اعمال سایر کارهای نیک پس از مرگ بسته می شود و چیز جدیدی به آن افزوده نمی شود.

بنابراین کسی که از خود کار نیک ماندگاری به جای می گذارد، مانند این است که سال های طولانی به عمر خود می افزاید و برای پر بارتر کردن اعمال نیک خود فرصت بیشتری به دست می آورد.



نمونه‌های دیگری از نیکی‌های ماندگار (باقیات الصالحات) را نام ببرید.

## خودت را امتحان کن

- سه نام از نام‌های روز قیامت را بنویسید و علت یکی از این نام‌گذاری‌ها را توضیح دهید.
- باقیات الصالحات یعنی چه؟ دو نمونه از آن را نام ببرید.
- عبارت‌های زیر را مرتب کنید و با استفاده از آنها حدیث داخل مستطیل را کامل کنید.

اگر نماز بنده‌ای پذیرفته شود،

و اگر نمازش رد شود،

نماز است.

بقیه اعمالش نیز پذیرفته می‌شود،

اولین چیزی که در روز قیامت محاسبه می‌شود

بقیه اعمالش نیز مردود خواهد شد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:<sup>۱</sup>

اولین چیزی که ..... خواهد شد.

## فصل چهارم: راهنماشناسی



خداوند مهربان برای هدایت و کمک به ما راهنمایی فرستاده است تا راه زندگی درست و رستگاری در دنیا و آخرت را به ما بیاموزند. پیامبران و امامان کسانی هستند که توجه به رفتار و سخنان آنها الگویی نیک برای سعادت است. در این فصل بیشتر با راهنمایان آشنا می‌شویم:

درس هشتم (آخرین پیامبر و آخرین پیام) به ما می‌آموزد که رسول اکرم **صلی الله علیه و آله** آخرین رسول الهی و خاتم پیامبران است و معجزه جاوید او قرآن کریم، آخرین و کامل‌ترین نسخه شفابخش الهی برای انسان‌هاست.

درس نهم (پیوند ناگسستنی) با اشاره به ارتباط عمیق اهل بیت پیامبر **علیهم السلام** و قرآن کریم، به ما می‌آموزد که آنان معلمان واقعی قرآن کریم هستند و در میان تمام افراد بشر، هیچ‌کس به اندازه آنان از اسرار و معارف قرآن کریم باخبر نیست.

درس دهم (وقتی اسلام کامل شد) با بیان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام یعنی واقعه غدیر خم، به مسئله جانشینی پیامبر خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** می‌پردازد و نشان می‌دهد که پس از پیامبر اعظم، شایسته‌ترین فرد برای رهبری مردم امیرالمؤمنین علی **علیه السلام** است.

درس یازدهم (رهبری در عصر غیبت) به این پرسش پاسخ می‌دهد که در زمان غیبت، رهبری و هدایت مردم به‌عهده چه کسانی است و این افراد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟



آخرین پیامبر  
و  
آخرین پیام

کودک هفت ساله‌ای را تصور کنید که برای اولین بار به مدرسه آمده است.  
معلم این کودک چگونه مسائل ریاضی را به او می‌آموزد؟  
آیا معلم در همان روزها و هفته‌های اول می‌تواند شیوهٔ گرفتن جذر اعداد و یا ضرب و تقسیم  
اعداد کسری را به او یاد دهد؟ چرا؟



## خاتم النبیین

در طول تاریخ هرچه فهم و اندیشه انسان‌ها رشد بیشتری می‌کرد، آمادگی برای پذیرش پیام‌های مهم‌تر و کامل‌تر خداوند نیز بیشتر می‌شد و در نتیجه، پیامبران الهی برای آنها معارفی را بازگو می‌کردند که پیشینیان، از درک آن معارف ناتوان بودند.

پیام‌های اصلی همهٔ رسولان الهی با هم یکسان است و اگر ناتوانی انسان‌ها در فهم آن پیام‌ها نبود، خداوند بزرگ همهٔ پیام‌هایش را در اولین کتاب هدایت برای بشر ارسال می‌کرد. بنابراین هر یک از پیامبران علاوه بر اینکه مردم زمان خود را با زبانی ساده راهنمایی می‌کردند، ظرفیت آنان را نیز برای دریافت معارف عمیق‌تر و کامل‌تر خداوند افزایش می‌دادند و مقدمات دعوت پیامبر بعد از خود را فراهم می‌کردند.

این مسیر ادامه داشت تا اینکه جامعهٔ انسانی کم‌کم به مرز آمادگی نهایی خود برای درک والاترین معارف الهی رسید. در این زمان بود که آخرین پیامبر الهی برای رساندن مهم‌ترین پیام‌های خداوند حکیم به مردم، برانگیخته شد.

## فعالیت کلاسی

شعر زیر را بخوانید و ضمن گفتگو دربارهٔ مصرع دوم آن، بیان کنید که پیام این مصرع با موضوع درس ما چه ارتباطی دارد؟  
نام احمد نام جمله انبیاست      چون که صد آمد نود هم پیش ماست<sup>۱</sup>

## قرآن، آخرین پیام

اکنون که می‌دانیم رسول خدا آخرین پیامبر الهی است، کاملاً روشن است که کتاب آسمانی ایشان قرآن نیز آخرین و کامل‌ترین کتابی است که از طرف خدا به زمین نازل شده است و انسان‌ها پس از آن، دیگر پیامی از خداوند بزرگ دریافت نخواهند کرد. اهمیت فوق‌العاده قرآن کریم موجب شده است قرائت این کتاب آسمانی از نیکوترین اعمال به‌شمار رود و پاداش بزرگ خداوند را به دنبال داشته باشد.

امام صادق علیه السلام درباره فضیلت تلاوت قرآن می فرماید:

جوان با ایمانی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونس آمیخته می شود و خداوند او را در ردیف فرشتگان ارجمند و نیکوکار قرار می دهد. قرآن در روز قیامت، محافظ او می شود [و] می گوید: پروردگارا، هرکس که عملی انجام داده، مزد و پاداش کارش را گرفته است، پس به کسانی که به من عمل کرده اند نیز نیکوترین هدیه هایت را عطا کن.<sup>۱</sup>

هرچند تلاوت آیات الهی با صدایی نیکو و رعایت تجوید، موجب زیبایی و دلنشینی بیشتر قرائت قرآن می شود، اما مهم ترین مسئله، قرآن خواندن و تفکر در معانی آن است؛ یعنی اینکه در طول شبانه روز، زمان مشخصی را (هرچند کوتاه) به خواندن و تدبر در قرآن کریم اختصاص داد. این همان عملی است که خداوند حکیم برای آن هیچ حد و اندازه ای معین نکرده و فرموده است:

«...فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...»

هر قدر برایتان میسر است قرآن بخوانید.<sup>۲</sup>

اکنون شاید از خودمان پرسیم علت این همه تأکید بر قرائت قرآن چیست و چگونه ممکن است یک کتاب چنین نقش مهمی را در سعادت انسان داشته باشد؟ پاسخ این سؤال را باید در محتوای قرآن جست و جو کنیم. در حقیقت قرآن کریم تنها کتابی است که می تواند به پرسش های اساسی و مهم بشر پاسخ درست بدهد. این پرسش ها عبارت اند از:

من کیستم؟

آفریدگارم کیست و از کجا آمده ام؟

در این دنیا چگونه باید باشم؟

کسانی که پیش از من در این دنیا زندگی می کردند، اکنون کجا هستند؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

۲- سوره مزمل، آیه ۲۰.

راهنمایان من چه کسانی اند؟

این پرسش‌ها محدود به زمان خاصی نیست و انسان‌ها همواره برای یافتن پاسخ‌های درست تلاش کرده‌اند. اشعار مولوی شاعر پارسی زبان ایرانی شاهدی بر این موضوع است:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم      که چرا غافل از احوال دل خویشتم  
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟      به کجا می‌روم آخرنمایی وطنم  
امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** درباره قرآن می‌فرماید:  
«... قرآن پند دهنده‌ای است که فریب نمی‌دهد.

هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید.  
کسی با قرآن همنشین نشد مگر آنکه قرآن چیزی بر او افزود و یا چیزی از او کاست، بر هدایت او افزود و از گمراهی و کوردلی‌اش کاست.

بدون قرآن هیچ کس بی‌نیاز نخواهد شد، پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید.

به وسیله قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید؛ زیرا وسیله‌ای برای تقرّب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد.  
پس شما در گروه عمل‌کنندگان به قرآن باشید و از قرآن پیروی کنید. با قرآن خدا را بشناسید و خود را با قرآن اندرز دهید.»<sup>۱</sup>

## پیام‌های اصلی قرآن

با نگاهی کلی به آیات کتاب خدا می‌بینیم که محتوای این کتاب آسمانی به چند دسته کلی تقسیم

می‌شود:

- ۱- خداشناسی، دعوت به یکتاپرستی و نهی از پرستش غیر خدا،
- ۲- معاد و سرنوشت انسان پس از مرگ و توصیف بهشت و جهنم،
- ۳- معرفی پیامبران و دعوت مردم به الگو گرفتن از آنان،
- ۴- سرگذشت اقوام پیشین و عبرت گرفتن از سرانجام آنها،
- ۵- وظایف مردم در برابر یکدیگر و راه درست معاشرت با دیگران و
- ۶- یادآوری نعمت‌های الهی و تشویق مردم به تفکر درباره آنها و قدردانی و اطاعت از خداوند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

همان گونه که می‌بینیم محتوای قرآن کریم بهترین پاسخ‌ها به پرسش‌های اصلی انسان است و هیچ کس به اندازه آفریدگار حکیم با او و نیازهایش آشنا نیست.

## خود را امتحان کن

- ۱- چرا خداوند حکیم، تعلیم عمیق قرآن را به اقوام پیش از اسلام نازل نفرمود؟
- ۲- طبق فرمایش حضرت امیرمؤمنان، همشینی با قرآن چه تأثیراتی بر انسان می‌گذارد؟
- ۳- براساس روایت امام صادق **علیه السلام** تأثیر قرائت قرآن در جوانی چیست؟
- ۴- با توجه به آیه ۲۰ سوره مزمل، هرکس در شبانه‌روز چقدر باید قرآن بخواند؟

## پیشنهاد

یک بار دیگر به محتوای اصلی قرآن که در درس گفته شد مراجعه کنید. برای هر مورد دو آیه در قرآن پیدا کنید و در کلاس با ترجمه برای دوستانتان بخوانید.

## بیشتر بدانیم

یکی از نزدیکان امام خمینی (ره) می‌گوید:

تا جایی که من اطلاع دارم، امام از اوایل عمر تاکنون هر روز مقداری قرآن می‌خوانند. این یکی از کارهای روزانه ایشان است که بر اساس همان نظم دقیقی که در زندگی دارند، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن کریم اختصاص داده‌اند. در این ساعت کسی نزد ایشان نمی‌رود و پاسخ سؤال کسی را نمی‌دهند و کاملاً جان و دل را به قرآن داده و به آیات قرآنی و معانی آن توجه می‌کنند.

روزی به ایشان عرض کردم: آقا شما سراپای وجودتان قرآن عملی است، دیگر چرا این قدر قرآن می‌خوانید؟ امام مکئی کرد و فرمود: هرکس بخواهد از آدمیت سر در بیاورد و آدم بشود باید دائم قرآن بخواند.<sup>۱</sup>

۱- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، صفحات ۵ تا ۱۳.

### پیوند ناگسستی

روزی امام صادق علیه السلام به یاران خود تفسیر آیاتی از قرآن را می‌آموخت. هنگام غذا خوردن شد. حضرت دستور داد غذایی بیاورند. بعد از تمام شدن غذا حاضران گفتند تاکنون غذایی به این لذیذی و پاکیزگی نخورده بودند.

یکی از یاران گفت بر اساس آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۱</sup> (پس در آن روز درباره نعمت از شما سؤال خواهد شد) در روز قیامت از این غذایی که نزد فرزند پیامبر اکرم خوردیم از ما سؤال خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند کریم‌تر و شأنش بالاتر از آن است که طعامی به بنده‌اش بدهد و آن را برایش حلال و گوارا سازد، آن‌گاه از آن بازخواست نماید. بلکه منظور از نعیم در آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» تنها نعمت محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است که به شما ارزانی داشته است.<sup>۲</sup> در روز قیامت درباره نعمت ولایت ما اهل بیت از شما سؤال خواهد شد.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام نعمت ولایت اهل بیت را از بزرگترین نعمت‌های الهی دانسته است که در روز قیامت از آن سؤال خواهد شد. به نظر شما علت این همه تأکید پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام بر نعمت اهل بیت چیست؟ چرا افرادی به غیر از امام صادق علیه السلام این جنبه از معنای آیه هشتم سوره تکوین را نمی‌دانستند؟



۱- سوره تکوین، آیه ۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۸۰.

۳- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۰۲، ح ۶.



در درس پیش دانستیم که در قرآن کریم تمامی چیزهایی که برای سعادت انسان در دنیا و آخرت مورد نیاز است، گنجانده شده است. واضح است که هرکس به این معجزه جاویدان پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** توجه کند، می تواند در سطح فهم و دانش خود از آن بهره ببرد. اما آیا همه انسان ها می توانند به عمق علوم و معارف عمیق قرآن دست یابند؟

خداوند حکیم، پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** را اولین معلم قرآن قرار داد؛ زیرا ایشان بهتر از هر انسان دیگری می داند که هر آیه از قرآن در چه زمانی و به چه علتی نازل شده است و مفهوم و تفسیر واقعی آن چیست. پیامبر اعظم برای انجام رسالت مهمی که برعهده داشتند، با تمام وجود به بیان معارف الهی قرآن و آموزش مردم زمان خود پرداختند. اما مردمی که بعد از وفات رسول خدا به دنیا می آیند چگونه باید راه خوشبختی خود را در دنیا و آخرت پیدا کنند؟

به نظر شما خداوند برای راهنمایی این گروه - که اتفاقاً جمعیت آنها بسیار بیشتر از مردم زمان پیامبر اعظم است - چه تدبیری اندیشیده است؟

امام کاظم **علیه السلام** در پاسخ به این سؤال می فرماید:

خداوند بلند مرتبه قبل از آنکه پیامبر خود را از دنیا ببرد، تمام حلال و حرام دین خود را برای او بیان کرد. پس پیامبر نیز در زمان زندگی خود هر آنچه که شما به آن نیاز دارید را برایتان آورده است، همان چیزهایی که پس از وفات رسول الله نیز می تواند با کمک اهل بیتش نیازهای شما را برطرف کند.<sup>۱</sup>

## تربیت معلمان آینده

رسول خدا از ابتدای بعثت، برنامه کامل و دقیقی برای هدایت مردم طراحی کرده بود که حتی سعادت انسان های پس از خود را نیز تضمین می کرد. این برنامه عبارت بود از تربیت معلمان ویژه برای فهم و آموزش معارف عمیق قرآن.

فکر می کنید چه کسی می توانست شایسته ترین فرد برای هدایت مردم پس از رسول خدا باشد؟ بهترین فرد برای این جایگاه، کسی بود که از کودکی در آغوش پر محبت پیامبر خدا پرورش یافته بود، همان کسی که از هرکس دیگری به پیامبر نزدیک تر بود و از کودکی در اثر تربیت فوق العاده پیامبر از علوم الهی برخوردار شده بود.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۶۰.

امیرمؤمنان دربارهٔ روزهای کودکی خود می‌فرماید:

من از کودکی با رسول خدا بودم و او هر روز دری از علم به رویم می‌گشود و اخلاق و آداب نیک را برابم آشکار می‌ساخت و دستور می‌داد پیوسته از او پیروی کنم.<sup>۱</sup>

پیامبر به من می‌فرمود: خداوند به من سفارش کرده است تو را تربیت کنم و علوم و معارف دین را به تو بیاموزم و خدا فرموده است جان تو پذیرا و نگه دارندهٔ این معارف است.

هیچ آیه‌ای بر پیامبر نازل نمی‌شد، مگر اینکه آن را برای من قرائت می‌کرد. او می‌خواند و من با خط خودم آن را می‌نوشتم و سپس تفسیر و تاویل آن آیه را به من می‌آموخت و از خداوند درخواست می‌کرد که قدرت فهم و حفظ آن را به من عطا کند. پس هرچه از حلال و حرام و امر و نهی و اتفاقات گذشته و آینده که خداوند به او آموخته بود، همه را به من آموخت و من آنها را حفظ کردم و با دعای پیامبر حتی یک حرف از آن را هم فراموش نکردم.<sup>۲</sup>

از آنچه خواندیم درمی‌یابیم که پیامبر خدا اسرار و نکات عمیق قرآن را به حضرت علی **علیه السلام** آموختند تا پس از رحلت ایشان، مردم بتوانند با کمک امیرمؤمنان و امامان پس از ایشان از معارف قرآن بهره‌مند گردند و با استفاده از این آموزه‌ها بر مشکلات خود غلبه کنند.

حضرت علی **علیه السلام** می‌فرماید:

روزی رسول خدا به من فرمود: ای علی، آنچه برایت می‌گویم، بنویس.  
گفتم: ای رسول خدا، آیا بیم آن را دارید که سخنان شما را فراموش کنم؟  
فرمود: نه؛ بیم فراموشی بر تو ندارم؛ زیرا خدا خواسته است که تو را حافظ احکام و معارف دین قرار دهد، اما اینها تنها برای تو نیست؛ بلکه برای امامان بعد از تو نیز هست، برای آنها بنویس.

آن‌گاه رسول خدا به پسر حسن اشاره کرد و فرمود: اولین آنها، حسن است.  
سپس نگاهی به حسین کرد و فرمود: دومین آنها حسین است و بقیه از فرزندان حسین هستند.<sup>۳</sup>

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷.

۲- کافی، ج ۱، ص ۶۴.

۳- منابع المودة، ص ۲۲.

اصحاب پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** بارها و بارها از ایشان شنیده بودند که می فرمود :

ای مردم، من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می گذارم. تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند، پس خوب مراقب باشید که بعد از من با این دو چگونه رفتار می کنید<sup>۱</sup>.

این سخن رسول خدا بعدها به حدیث ثقلین مشهور شد به وضوح نشان می دهد که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به بهشت زیبای خداوند، پناه بردن به قرآن و اهل بیت پیامبر است و رها کردن هریک از این امانت های ارزشمند الهی نتیجه ای جز سرگردانی و گمراهی نخواهد داشت.

## فعالیت کلاسی

آیات زیر را با دقت بخوانید :

۱- **إِنَّه لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ**

این قرآنی ارجمند

**فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ**

در کتابی نهفته است

**لَا يَمَسُّهٗ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ<sup>۲</sup>**

که جز پاک شدگان کسی به آن دسترسی ندارد.

۲- **إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ**

خداوند می خواهد

**لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ** پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت [پیامبر]

دور کند

**وَيُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا<sup>۳</sup>**

و شما را کاملاً پاک سازد.

این آیات را کنار هم قرار دهید و درباره پیامی که از آنها درمی یابید در کلاس گفتگو کنید.

۱- سنن ترمذی، ج ۵، صص ۶۶۲ - ۶۶۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۸، ۵۳۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۳۲؛

مسند احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹.

۲- سوره واقعه، آیات ۷۷ تا ۷۹.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳.

- ۱- چرا خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اولین معلم قرآن قرار داد؟
- ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت مردم بعد از خود چه برنامه‌ای طراحی کرده بود؟
- ۳- ترجمه حدیث ثقلین را بنویسید.

## پیشنهاد

سوره کوثر کوتاه‌ترین سوره قرآن کریم است که در جزء سی‌ام قرار دارد. درباره معنای این سوره تحقیق کنید و نتیجه تحقیق خود را در کلاس بخوانید. به نظر شما معنای این سوره چه ارتباطی با درس دارد؟

## بیشتر بدانیم

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدم است و حدیث جدم، حدیث امام حسین است و حدیث امام حسین، حدیث امام حسن است و حدیث امام حسن، حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام است و حدیث امیرالمؤمنین، حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و حدیث رسول الله، کلام خداوند عزوجل است.<sup>۱</sup>

### وقتی اسلام کامل شد

رسول اعظم **صلی الله علیه وآله و سلم** هرگاه گروهی را برای مأموریتی به جایی می فرستادند، یکی از آنان را سرپرست گروه می کردند تا دچار تفرقه و سردرگمی نشوند. در جنگ‌هایی که خودشان حضور نداشتند نیز چندین نفر را به ترتیب برای فرماندهی مشخص می کردند تا اگر یکی از آنها آسیب دید، نفر دیگر فرماندهی را به عهده بگیرد.

حالا کمی فکر کنیم!

پیامبر خدا که در کارهای کوچک و گذرا مسلمانان را بدون راهبر و امام رها نمی کرد، آیا ممکن است وقتی که باید برای همیشه آنها را ترک کند، امت بزرگ اسلامی را بدون رهبر رها نماید و هیچ جانشینی برای خود انتخاب نکند؟



## مهم‌ترین پیام

صحرای حجاز لبریز از جمعیت است. بیش از صد و بیست هزار نفر! هیچ‌کس دوست ندارد این افتخار را از دست بدهد، آخرین سفر حجی است که پیامبر خدا در آن حضور دارد.

مسلمانان از مدینه، یمن، عراق و هر جای دیگر، خودشان را برای حج به مکه رسانده‌اند. این دستور پیامبر خدا است که هرکس توانایی دارد، خودش را به مراسم حج برساند.

پیامبر اکرم نیز خانواده‌اش را به همراه خود به مکه آورده است.

در هنگام انجام مناسک حج، چشم‌ها و گوش‌ها همه متوجه پیامبر خداست. همه می‌خواهند اعمال حج را از خود پیامبر بیاموزند.

فضای مکه تاکنون چنین حال و هوایی را به خود ندیده است. معنویتی عجیب در این شهر جاری است. انگار همه چیز در این شهر تازگی دارد، اما آن‌چه عجیب‌تر از همه است، حالت خود پیامبر است. مثل این‌که نگران چیزی است، یا می‌خواهد خبر مهمی را به مردم بدهد که هنوز زمانش فرا نرسیده است ...



مناسک<sup>۱</sup> حج تمام می‌شود و مسلمانان در کاروانی بزرگ از مکه خارج می‌شوند. چند روزی در بیابان‌های خشک و سوزان راه می‌روند تا به غدیر خُم می‌رسند. جایی که مسیر شهرها از هم جدا می‌شود. دیگر باید کم‌کم از محبوب قلبشان خداحافظی کنند. مسلمانانی که مسیرشان از پیامبر جدا می‌شود یکی یکی و چندتا چندتا جلو می‌آیند و با چشمانی اشک بار برای همیشه با رسول خدا وداع می‌کنند.

---

۱- مناسک حج: عبادات و اعمال مربوط به حج.

آنها هنوز از حضرت چندان دور نشده‌اند که جبرئیل امین نازل می‌شود :

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ  
بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ  
وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ  
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ  
وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ  
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup>

ای پیامبر،  
آنچه را که از طرف پروردگارت بر تو نازل  
شده است، [به مردم] برسان!  
اگر چنین نکنی،  
رسالت او را انجام نداده‌ای!  
خداوند تو را از [خطرات احتمالی] مردم،  
نگاه می‌دارد.  
آری خداوند، کافران را هدایت نمی‌کند.

اما این چه خبری است که این قدر اهمیت دارد؟

پیامبر خدا بیست و سه سال تمام، با هر سختی و مشقتی تلاش کرد تا دین خدا را بدون هیچ کم و کاستی به مردم برساند. در راه انجام رسالتش نزدیک‌ترین عزیزان و یارانش را از دست داد، شکنجه‌ها و تنهایی‌ها را تحمل کرد، محاصره شد، گرسنگی کشید و بارها و بارها جهاد کرد و مجروح شد. حالا این چه پیامی است که اگر آن را به مردم نرساند، زحمت‌های تمام این سال‌هایش به هدر می‌رود؟ این همان خبر مهمی است که مدت‌هاست ایشان را نگران کرده است. او نگران بود مبادا عده‌ای از مردم از سر لجاجت، از این دستور خدا سرپیچی کنند و گمراه شوند. اما اکنون که فرشته وحی دستور خداوند را به ایشان می‌رساند، دیگر نگرانی‌اش برطرف می‌شود.

دیگر وقت ابلاغ پیام خدا فرا رسیده است. رسول خدا دستور می‌دهند همه کاروانیان از شترها پیاده شوند! صبر می‌کنیم تا کسانی که عقب‌ترند به ما برسند. به آنان که جلو رفته‌اند نیز بگویید همه برگردند! مسلمانان با تعجب به یکدیگر نگاه می‌کنند. یعنی چه اتفاقی افتاده است که پیامبر خدا در این وضعیت کاروان را متوقف کرده‌اند؟

همه می‌دانند که مسئله مهمی پیش آمده است، ولی کسی نمی‌داند چه موضوعی؟ عده‌ای از حضرت سؤال می‌کنند: ای رسول خدا، چه اتفاقی افتاده است؟ رسول خدا می‌فرماید: بعد از اقامه نماز ظهر صحبت می‌کنم.

۱- سوره مائده، آیه ۶۷.

نزدیک ظهر است و هوا بسیار گرم!

زیر آفتاب سوزان حجاز، عده‌ای عباهايشان را به سر کشیده‌اند و عده‌ای دیگر به سایه شترها پناه برده‌اند.

هنگام نماز فرا می‌رسد و پیامبر خدا به نماز می‌ایستد. مسلمانان نیز همگی به ایشان اقتدا می‌کنند و نماز را به جماعت می‌خوانند.

نماز تمام می‌شود و رسول خدا بدون اینکه با کسی صحبت کند، روی مکان بلندی می‌ایستد. سکوت همه جا را فرا می‌گیرد و چشم‌های هزاران مسلمان به لب‌های پیامبر دوخته می‌شود... سرانجام انتظاراتها به پایان می‌رسد و رسول اکرم با ستایش خدا سخن را آغاز می‌کند: «... ای مردم، مرگ برای هر انسانی حتمی است و من نیز مانند دیگر انسان‌ها خواهم مرد. بدانید که من و شما همگی در برابر خداوند و دین او مسئولیم. من به وظیفه خود عمل کردم و پیام‌های خدا را به شما رساندم و شما را راهنمایی کردم.

ای مردم، خداوند به من خبر داده است که مرگم نزدیک است. او مرا به سوی خویش دعوت کرده

است و من خیلی زود به سوی او خواهم شتافت. پس با شما وداع می‌کنم و برایتان وصیت مهمی دارم.

ای مردم، من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می‌گذارم که تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد. یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت؛ این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند؛ پس خوب مراقب باشید که بعد از من چگونه با این دو رفتار می‌کنید.»

سخن پیامبر که به اینجا می‌رسد، علی بن ابی طالب **علیه السلام** را نزد خویش فرا می‌خواند. دست او را می‌گیرد و می‌فرماید:

«ای مردم، تا کنون سرپرستی و رهبری شما به عهده من بوده است. آیا من از سوی خدا رهبر و صاحب اختیار شما نبوده‌ام؟ آیا من ولی و راهبر شما نبوده‌ام؟»





همه جواب می دهند: بله ای رسول خدا، تو پیشوا، ولیّ و صاحب اختیار ما بوده‌ای. در این هنگام پیامبر رحمت، دست علی علیه السلام را بالا می آورد و با صدایی بلند و رسا می فرماید: «آگاه باشید، هرکس که من ولیّ و صاحب اختیار او بوده‌ام، هم اکنون این علی سرپرست و ولیّ اوست. خداوندا! هرکس ولایت علی را پذیرفت، تو نیز او را تحت سرپرستی و ولایت خویش قرار بده، خدایا، یاران علی را یاری کن و با دشمنان علی دشمن باش.»<sup>۱</sup>

در میان آن جمعیت انبوه، چند نفر سخنان پیامبر را جمله به جمله و با صدای بلند تکرار می کنند تا فرمایش ایشان به کسانی که دورتر نشسته اند نیز برسد.

سخنان مهم و مفصل ایشان بیش از یک ساعت به طول می انجامد.

رسول اکرم در پایان سخنانشان می فرماید: «آیا این پیام خداوند را به شما رساندم؟» مردم می گویند: بله ای رسول خدا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «پس حاضران، این پیام را به غایبان نیز برسانند.»

سخنان ایشان که تمام می شود، مسلمانان گروه گروه پیش می آیند و این افتخار بزرگ را به امیر مؤمنان تبریک می گویند. اصحاب پیامبر پیشاپیش بقیه مسلمانان، ولایت حضرت علی علیه السلام را به ایشان تبریک می گویند و او را مولای خود می نامند.

دیگر نشانه‌ای از نگرانی در چهره پیامبر خدا دیده نمی شود. او این پیام مهم الهی را در حضور ده‌ها هزار نفر برای مردم بیان کرده است تا برای هیچ کس تردیدی در جانشینی حضرت علی علیه السلام باقی نماند.

هنوز جمعیت از اطراف علی علیه السلام پراکنده نشده اند که فرشته وحی، آیه دیگری را برای پیامبر می آورد:

«...الْيَوْمَ  
يَسِّرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ كَافِرَانِ [نابودی] دین شما مأیوس شدند.  
فَلَا تَخْشَوْهُمْ  
وَ اَخْسَوْنِ  
امروز،  
پس از ایشان مترسید  
و از [مخالفت] با من بترسید!

۱- بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۸ تا ص ۲۵۱.

اليَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ  
وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي  
وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.<sup>۱</sup> و اسلام را به عنوان آيين [جاودان] شما برگزیدم.  
امروز، دين شما را كامل كردم  
و نعمت خود را بر شما تمام كردم

این واقعه را تمام دانشمندان مسلمان در کتاب‌های مهم حدیثی و تاریخی خود ذکر کرده‌اند، به گونه‌ای که برای هیچ مسلمانی (چه شیعه و چه سنی) تردیدی در اصل این ماجرا و سخنان پیامبر اکرم وجود نداشته و ندارد.

## تنها انتخاب

در ماجرای غدیر انتخاب حضرت علی **علیه السلام** برای جانشینی پیامبر اکرم توسط خود خداوند انجام شد و جبرئیل امین نیز آن را به اطلاع پیامبر خدا رساند.  
حالا اگر این انتخاب توسط خداوند بزرگ انجام نمی‌گرفت، و قرار بود پیامبر خودش کسی را برای این کار مهم انتخاب کند، چه کسی شایستگی این جانشینی را داشت؟  
بی تردید شایسته‌ترین فرد برای رهبری و هدایت مردم کسی بود که آگاه‌ترین مردم به قرآن و احکام الهی باشد<sup>۲</sup> و تمام احکام الهی را از رسول خدا فرا گرفته باشد و این فرد به جز امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب **علیه السلام** شخص دیگری نبود.  
جانشینی حضرت علی **علیه السلام** در روز غدیر موجب ناامیدی کامل مشرکان و منافقان شد. آنها تصور می‌کردند چون پیامبر خدا پسری ندارد، کسی بعد از او کارهایش را ادامه نخواهد داد و با وفاتش دین اسلام نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. اما جانشینی امیرمؤمنان به جای پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** در غدیر خم، تمام آرزوهای پوچ آنان را بر باد داد.

۱- سوره مائده، آیه ۳.

۲- در کتاب‌های دانشمندان شیعه و سنی می‌بینیم که اصحاب پیامبر اکرم همگی اعتراف می‌کردند که داناترین همه آنها حضرت علی **علیه السلام**

کمی به ماجرای غدیر و سخنان رسول خدا در این روز فکر کنید!  
 اعمال حج تمام شده است و مسلمانان مشتاقانه در انتظار بازگشت به شهرها و دیدار خانواده‌های خود هستند. برخی از آنها که از مناطق دورتر به مکه آمده‌اند، ماه‌هاست که از خانه و خانواده‌هایشان بی‌خبرند. در چنین شرایطی رسول خدا ناگهان بیش از صد و بیست هزار نفر را در بین راه متوقف می‌کند. آنان که جلو رفته‌اند باید برگردند و آنان که عقب مانده‌اند باید برسند. در بیابانی سوزان ساعت‌ها برایشان سخن می‌گوید و از آنها می‌خواهد همه آنچه شنیده‌اند را برای بقیه مسلمانان بازگو کنند. به نظر شما این همه تأکید نشانه چیست؟  
 با کمک دبیر محترم، درباره این پرسش در کلاس گفتگو کنید.

### خودت را امتحان کن

- ۱- سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را درباره حضرت علی علیه السلام در روز غدیر خم توضیح دهید.
- ۲- چرا در روز غدیر خم کافران و منافقان از نابودی اسلام ناامید شدند؟
- ۳- چرا بعد از پیامبر خدا تنها امیرالمؤمنین علیه السلام شایسته رهبری بر مسلمانان بودند؟

### بیشتر بدانیم

#### بزرگترین عید

مردم در کشور ما روز عید غدیر را جشن می‌گیرند و در این روز برای زنده نگه داشتن این واقعه مهم، به دیدار سیدها می‌روند و خداوند مهربان را به خاطر این نعمت بزرگ سپاس می‌گویند. این روز بزرگ از زمان زندگی اهل بیت علیهم السلام نیز در میان مؤمنین روز عید به شمار رفته است. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مسلمانان به جز عید فطر و عید قربان، عید دیگری هم دارند؟

امام فرمود: بله، عیدی بزرگ‌تر از اینها هم هست.

— : کدام عید؟!

- : همان روزی که پیامبر خدا حضرت علی **علیه السلام** را به ولایت منصوب کرد و فرمود :  
«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

هر که من مولای اویم، این علی ولی و رهبر اوست

- این کدام روز است؟

- : روز هجدهم ماه ذی حجه.

- در این روز انجام چه کاری شایسته تر است؟

- : در این روز با روزه گرفتن و عبادت خدا و گفتگو درباره فضیلت‌های محمد و آل محمد

**علیهم السلام** خدا را یاد کنید. رسول خدا به امیر مؤمنان سفارش کرد که این روز را عید بگیرد...<sup>۱</sup>

موضوع ولایت حضرت علی **علیه السلام** و واقعه غدیر در میان مسلمانان از چنان

اهمیتی برخوردار است که نویسندگان و اندیشمندان بسیاری را به نوشتن کتاب‌هایی

درباره این موضوع واداشته است.

کتاب ارزشمند «الغدیر» یکی از مهم‌ترین این کتاب‌هاست که توسط علامه امینی

در یازده جلد تألیف شده است. ایشان در بخش اول این کتاب، صدها نفر از رویان شیعه

و سنی را نام می‌برد که خودشان این حدیث را در غدیر خم از رسول خدا شنیده‌اند.

وی در بخش‌های دیگر کتاب خود، از صدها نویسنده و دانشمند شیعه و سنی

در قرن‌های مختلف نام می‌برد که یا کتاب‌های مستقلی درباره این موضوع نوشته‌اند یا

بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند.

از مهم‌ترین کتاب‌های اهل سنت که واقعه غدیر در آنها با عبارات مختلف نقل

شده است می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد : صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابن

ماجه، مسند احمد بن حنبل، المستدرک حاکم نیشابوری، تفسیر طبری، الجامع الصغیر،

خصایص نسائی، الاستیعاب، تاریخ خطیب بغدادی، کنز العمال، معجم الکبیر، أسد الغابة،

تهذیب التهذیب، الدر المنثور، البداية و النهایة ابن کثیر دمشقی، الاصابه، ینابیع المودة،

المعارف ابن قتیبه دینوری و... .

پیشینا



صحنه غدیر خم را نقاشی کنید و آن را در کلاس نصب کنید.

### رهبری در عصر غیبت

در درس‌های پیش دانستیم که پس از رحلت رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - وظیفه هدایت و رهبری مردم همواره به عهده امامان معصوم از اهل بیت رسول خداست. اکنون کمی فکر کنیم؛

بیش از هزار سال است که امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** از دسترس مردم دور است و مردم نمی‌توانند ایشان را ملاقات کنند و پرسش‌های خود را با آن حضرت در میان گذارند. آیا می‌توانیم بگوییم که انسان‌ها در تمام این مدت هیچ نیازی به هدایت و رهبری نداشته‌اند؟ پس تکلیف مردم در این زمان که عصر غیبت نامیده می‌شود چیست؟



یکی از اصحاب امام صادق **علیه السلام** از ایشان پرسید :  
ای فرزند رسول خدا، دو نفر از دوستان ما بر سر مسئله‌ای با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند. آیا آنها می‌توانند برای حل مشکلمان نزد هر حاکم یا پادشاهی بروند؟  
حضرت فرمود : خیر، کسی که به این گونه حاکمان مراجعه کند و با حکم آنان چیزی را به دست آورد، در حقیقت به طاغوت<sup>۱</sup> مراجعه کرده است و خداوند در قرآن کریم مردم را از مراجعه به طاغوت

---

۱- حاکمان طاغوت : حاکمانی ظالم و ناآگاه که حق حکومت بر مردم را ندارند.

نهی کرده است.

— ای فرزند رسول خدا، پس تکلیف مردم در این گونه مسائل چیست؟

— باید به سراغ کسانی بروند که سخنان ما [اهل بیت] را برایشان بازگو می کنند. کسانی که بر حلال و حرام ما آگاه اند و احکام ما را می شناسند. من این افراد را بر شما حاکم قرار داده ام. بنابراین، مردم نیز باید به حکم آنان راضی گردند. پس هر کس که حکم آنان را — که حکم ماست — قبول نکند، بدون شک حکم خدا را خوار شمرده است و کسی که ما را رد کند، خداوند را رد کرده است.<sup>۱</sup>

این حدیث به خوبی نشان می دهد که هدایت و رهبری مردم در عصر غیبت بر عهده عالمان و دانشمندان دینی است. اما این عالمان دینی چه کسانی هستند؟

آیا هر کسی که درباره مسائل دینی اظهار نظر می کند، از شایستگی لازم برای هدایت مردم برخوردار است؟

امام صادق علیه السلام درباره هدایتگران واقعی مردم می فرماید :

مردمی که می بینند عالمانشان آشکارا گناه می کند و در جمع آوری دنیا و اموال حرام حریص اند، ولی باز هم از این گونه عالمان پیروی می کنند، مانند یهودیانی اند که خداوند در قرآن آنان را به خاطر پیروی از عالمان بدکارشان سرزنش می کند. بر مردم واجب است از فقیهان پرهیزکار که از دین خود محافظت می نمایند، بر خلاف هوای نفس خود رفتار می کنند و مطیع دستور خداوند هستند، پیروی کنند.<sup>۲</sup>

## فصلت کلاسی

با توجه به حدیث بالا فقیهانی که هدایت مردم را در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عهده دارند، چه ویژگی هایی دارند؟

هریک از ویژگی های چهارگانه عالمان که در سخن امام صادق علیه السلام خواندیم موجب می شود رهبران جامعه از انجام کارهایی که سعادت دنیا و آخرت مردم را به خطر می اندازد دوری کنند. برای مثال، به ویژگی اول (پرهیزکاری) توجه کنید؛

۱- کافی، ج ۱، ص ۶۷.

۲- وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

به نظر شما اگر هدایت و رهبری مردم به کسی سپرده شود که پرهیزکار نباشد و هر کاری که دلش بخواهد انجام دهد، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟

آیا چنین فردی حاضر است با عدالت بین مردم رفتار کند؟

آیا او احکام خدا را به نفع خود و اطرافیانش تغییر نخواهد داد؟

اسلام شناسان و فقیهان واقعی کسانی اند که در سخنان و راهنمایی هایشان، پیرو سخنان و راهنمایی های معصومین اند و در هر مسئله ای نظر پیامبر اکرم و امامان را برای مردم بازگو می کنند. بنابراین پذیرفتن فتوای فقیهان - که برگرفته از قرآن و احادیث معصومین **علیهم السلام** است - در واقع پذیرفتن سخنان امامان است و مخالفت با فقها، مخالفت با احادیث معصومین **علیهم السلام** است. به همین دلیل فقیهان، نایب و جانشین امام زمان **علیه السلام** به شمار می روند و همان گونه که مردم در زمان امامان معصوم موظف بودند از آنان اطاعت کنند، در عصر غیبت باید از جانشینان امام زمان **علیه السلام** یعنی فقیهان پیروی کنند.

به هدایت مردم جامعه توسط یک فقیه جامع الشرایط ولایت فقیه گفته می شود. ولی فقیه، اسلام شناسی است دانا، شجاع، مدیر و مدبر که در هر زمان با در نظر گرفتن مصلحت جامعه اسلامی، از تمام توان و امکانات برای پاسداری از دین و اجرای احکام الهی در جامعه استفاده می کند و نمی گذارد دشمنان اسلام با به خطر انداختن کشور اسلامی مانع اجرای دستورات خدا شوند.



## بیدارگر قرن

آیا شما کسی را می شناسید که تمام ویژگی های لازم را برای رهبری و هدایت مردم داشته باشد؟

«... هنگامی که از در وارد شد، احساس کردم گردبادی بزرگ از نیروهای معنوی وزیدن گرفت. گویا در ورای آن عبای قهوه ای، عمامه سیاه و ریش سفید، روح زندگی جریان داشت، آن چنان که همه بینندگان را محو تماشای خود می کرد. ناگهان احساس کردم با حضور او همه ما کوچک شده ایم و گویا در آن مکان اصلاً کسی جز او باقی نمانده است.

آری! او بارقه ای از نور بود که در قلب و روح همه حاضران رسوخ کرده بود. او تمام معیارهایی را که گمان می کردند مرا در تعریف و ارزیابی شخصیت و مقامش یاری کنند، در هم شکست.

هنگامی که بر روی صندلی اش نشست، احساس کردم نیرویی از وجودش پخش می شود.

نیروی مانند یک گردباد که اگر با دقت نگاه می‌کردی درمی‌یافتی آرامشی عظیم در درون آن نهفته است. در عین حال او را آن چنان آرام و ساکت می‌دیدى که گویی نیروی ثابت در درونش جریان دارد و البته این نیرو همان نیروی است که رژیم سابق ایران را به یک باره برچید.

اما آیا چنین شخصیتی می‌تواند یک فرد عادى باشد؟

من تاکنون هیچ یک از مردان بزرگ را برتر از او و حتى مانند او ندیده‌ام.

کمترین چیزی که می‌توانیم بگویم این است که گویا او یکی از انبیای گذشته است یا اینکه او

موسای اسلام است که آمده تا قوم خود را نجات دهد.»

آنچه خواندیم بخشی از نوشته‌های «روبین وود زورث» یکی از مشهورترین خبرنگاران

آمریکاست که پس از ملاقات امام خمینی در حسینیه جماران درباره شخصیت امام نوشته است.

کتاب وی<sup>۱</sup> یکی از هزاران کتابی است که درباره شخصیت این بیدارگر بزرگ قرن نوشته شده

است. امام خمینی رهبری است که نه تنها ملت ایران بلکه تمام مردم آزاده جهان و حتى دشمنان اسلام

و انقلاب را نیز به تحسین و امید دارد.

مشاور ارشد رئیس جمهور آمریکا که لحظه‌ای از دشمنی با اسلام و انقلاب اسلامی مردم ایران

دست برداشته است در برابر عظمت و نفوذ خیره‌کننده امام این‌گونه اعتراف می‌کند:

«آیت‌الله خمینی غرب را با بحران جدی برنامه‌ریزی مواجه کرد. تصمیمات او آن چنان رعدآسا

بود که مجال هرگونه تفکر و برنامه‌ریزی<sup>۲</sup> را از سیاستمداران و نظریه‌پردازان سیاسی می‌گرفت.

هیچ‌کس نمی‌توانست تصمیمات او را از پیش حدس بزند. او با معیارهایی غیر از معیارهای شناخته شده

در دنیا سخن می‌گفت و عمل می‌کرد. گویی او از جای دیگری الهام می‌گرفت. دشمنی آیت‌الله خمینی

با غرب برگرفته از تعالیم الهی او بود. او حتی در دشمنی خود نیز خلوص نیت داشت.»<sup>۳</sup>

امام در قرنی که دین و معنویت کاملاً منزوی شده بود و چیزی نمانده بود که مساجد و کلیساها

به فراموشی سپرده شوند، با انقلاب اسلامی، به یک باره تمام نقشه‌های شوم ابرقدرت‌ها را برهم زد و

یک بار دیگر به مردم سراسر جهان نشان داد که برای خوشبختی و سعادت در دنیا و آخرت هیچ راهی

جز بازگشت به مسیر نورانی پیامبران وجود ندارد.

او عابدی بود شب زنده‌دار و سیاستمداری آگاه بود، مانند عادى‌ترین مردم زندگی می‌کرد در

۱- با نام «زیباترین تجربه من» منتشر شده است.

۲- منظور کسینجر از برنامه‌ریزی نقشه کشیدن برای چپاول و غارت کشورهای ضعیف تر است.

۳- عصر امام خمینی، ص ۳۷.



تمام سال‌های رهبری‌اش در خانه‌ای اجاره‌ای زندگی کرد. هرگز به کسی ظلم نکرد و در برابر هیچ ستمگری سکوت نکرد. او که دشمنان اسلام از شنیدن نامش به وحشت می‌افتادند، اگر صدای گریه کودکی را می‌شنید بسیار ناراحت می‌شد.

برای عمل به اسلام از هیچ‌کس نمی‌ترسید. همان‌گونه که محکم و استوار می‌گفت، آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، وقتی نام امام حسین علیه‌السلام و یارانش را می‌شنید، اشک از چشم‌هایش جاری می‌شد. به پرسش‌های دینی مردم پاسخ می‌داد در جمع آنان حاضر می‌شد و برایشان صحبت می‌کرد. در برابر مردم محروم می‌گفت: به من خدمتگزار بگویید بهتر است از اینکه مرا امام خود بنامید.

اینها بخشی از ویژگی‌های امام خمینی بود که باعث شد در زمان غیبت امام **علیه‌السلام**، وظیفه هدایت و رهبری مردم به عهده او گذاشته شود. پس از رحلت این مرد بزرگ الهی، مسئولیت مهم و سنگین رهبری جامعه اسلامی به عهده یکی از نزدیک‌ترین یاران ایشان یعنی آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. دوران‌دیشی، شجاعت، پرهیزکاری، و وفاداری ایشان به امام و انقلاب اسلامی سبب شد مجلس خبرگان وی را شایسته‌ترین فرد برای رهبری جامعه اسلامی معرفی کنند.

## خود را امتحان کن

- ۱- با توجه به حدیث امام صادق **علیه‌السلام** ویژگی‌های راهنمایان مردم را در عصر غیبت بیان کنید.
- ۲- توضیح دهید چرا مردم باید از ولی فقیه پیروی کنند؟
- ۳- سه ویژگی از ویژگی‌های امام خمینی (ره) را بیان کنید.
- ۴- پس از رحلت امام خمینی چگونه رهبری جامعه به عهده مقام معظم رهبری قرار داده شد؟

## پیشنهاد

شما می‌توانید با کمک افراد آگاه و یا مراجعه به کتاب‌هایی که درباره زندگی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری نوشته شده‌اند، خاطرات یا داستان‌هایی از زندگی این مردان بزرگ را یادداشت کنید و آنها را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.



## فصل پنجم: اخلاق



دین اسلام دین کاملی است که نه تنها سعادت انسان را در روز قیامت تضمین می‌کند، بلکه به خوشبختی او در همین دنیا نیز توجه ویژه‌ای دارد و برای زیباتر شدن زندگی انسان در دنیا راهنمایی‌های ارزشمندی دارد. در سال‌های پیش با برخی از این راهنمایی‌های اخلاقی آشنا شدیم همانند راستگویی، خوش‌قولی، انتخاب دوستان خوب، علم‌جویی و پرهیز از عجله، شتابزدگی و سرگرمی‌های افراطی. فصل حاضر به موارد دیگری اشاره می‌کند که رعایت آن‌ها نیز باعث زیباتر شدن زندگی انسان می‌شود.

درس دوازدهم (دعا و نیایش) تأثیر دعا و نیایش در رفع مشکلات زندگی را به ما می‌آموزد. در این درس موانع استجاب دعا نیز بحث می‌شود. درس سیزدهم (بازتاب عمل) چند عملی را که آثار آنها در زندگی دنیایی ما پدیدار می‌شود و مسیر زندگی ما را تغییر می‌دهد را معرفی کند.

درس چهاردهم (سربازان شیطان) دو ویژگی اخلاقی ناپسند (حسادت و ناامیدی) را بیان می‌کند که اگر در کسی وجود داشته باشد، خوشبختی او هم در دنیا و هم در آخرت به خطر می‌افتد. این درس به راه‌های غلبه بر این سربازان نفوذی شیطان می‌پردازد.

درس پانزدهم (دوستی) معیارهای صحیح دوستی و علاقمندی به دیگران را بیان می‌کند و در ادامه به بیان برخی از آثار سوء نگاه‌های حرام می‌پردازد.



### دعا و نیایش

امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزند بزرگوارشان امام حسن علیه السلام

می‌نویسد:

... [پسرم] بدان، کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست، فرصت دعا کردن را به تو داده، و جواب دادن به دعای تو را نیز به عهده گرفته است. تو را فرمان داده که از او بخواهی تا ببخشد و رحمت طلب کنی تا عطا کند. هرگاه او را بخوانی، ندایت را می‌شنود، و چون با او راز دل گویی راز تو را می‌داند، پس حاجت خود را با او بگو و اندوه خود را در پیشگاه او بگشای، تا غم‌هایت را برطرف کند و در مشکلات تو را یاری رساند. از گنجینه‌های رحمتش چیزهایی بخواه که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند؛ افزونی عمر، تندرستی بدن و گشایش روزی. [پسرم] خداوندی که به تو اجازه دعا کردن داده است، [درحقیقت] کلید گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده است، پس هرگاه خواستی می‌توانی با دعا، درهای نعمتش را بگشایی، و رحمتش را بر خود نازل کنی!

به نظر شما چرا دعا کردن این قدر مورد توجه بزرگان دین قرار گرفته است؟



## چراغ همیشه فروزان

تصور کنید در حال مسافرت با هواپیما هستید. ناگهان هواپیما تکان‌های شدیدی می‌خورد و همه چیز به هم می‌ریزد. کنترل هواپیما به دلیل نقص فنی از دست خلبان خارج می‌شود. در این لحظه که از هیچ‌کس کاری ساخته نیست چه می‌کنید؟

کاملاً طبیعی است که انسان در خطرها و مشکلات بزرگ، خدا را بخواند و از او یاری بخواهد، اما برخی به اشتباه تصور می‌کنند دعا کردن تنها مخصوص همین زمان‌هاست. براساس تعالیم قرآن ما همیشه و در همه حال به خدا و یاری او نیازمندیم و بدون اجازه و خواست او نمی‌توانیم حتی کوچک‌ترین کارها را نیز انجام دهیم. به همین دلیل، پیشوایان دین دعاهایی را به ما آموخته‌اند تا بتوانیم به این وسیله همواره با خدا ارتباط داشته باشیم و از یاری او بهره‌مند شویم.

دعاهای روزهای هفته، هنگام خواب، وقت مطالعه، هنگام وضو، هنگام برخاستن از خواب، سوار شدن به وسیله نقلیه و... نمونه‌هایی از هزاران دعاهایی هستند که ارتباط انسان را در همه حال با خدای خود برقرار می‌سازند.

دعا کردن آن قدر اهمیت دارد که خداوند از بندگانش می‌خواهد دعا کنند و خواسته‌های خود را از او بخواهند:

«وَ قَالَ رَبُّكُمْ اُدْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ...»

پروردگارتان گفت: مرا بخوانید (دعا کنید) تا [دعای شما را] بپذیرم.

این آیه نورانی به خوبی نشان می‌دهد که دعا کردن باعث جلب توجه ویژه خداوند می‌شود و کسانی که از دعا روی می‌گردانند، در حقیقت خود را از لطف خاص پروردگار محروم می‌کنند.

به محتوای نمازهای پنجگانه دقت کنید و دعاهایی را که در هر شبانه روز در نماز از خداوند می‌خواهید، بیان کنید.  
توجه داشته باشیم که صلوات فرستادن بر پیامبر خدا و خاندان پاکش بهترین دعاهاست.

### ثمرات دعا و نیایش

دانستیم که ما با دعا کردن مورد توجه خدا قرار می‌گیریم و علاوه بر بهره‌مندی از پاداش در روز قیامت، در همین دنیا نیز شایستگی دریافت نعمت‌های بیشتر خدا را به دست می‌آوریم.  
امام صادق علیه السلام درباره این اثر مهم نیایش می‌فرماید:

همانا نزد خداوند بلند مرتبه جایگاهی است که جز با درخواست و دعا نمی‌توان به آن رسید. اگر بنده دهانش را ببندد و درخواست نکند، چیزی به دست نخواهد آورد، پس بخواه تا به تو عطا شود و این را بدان که هر دری که پیوسته کوبیده شود، بالاخره به روی انسان باز خواهد شد.<sup>۱</sup>

فایده دیگر دعا کردن، آرامش روحی است. احساس اضطراب و ناامیدی وقتی به سراغ انسان می‌آید که خود را در برابر سختی‌ها تنها ببیند و کسی را نیابد تا مشکلاتش را با او در میان بگذارد و از او یاری بطلبد.<sup>۲</sup>

۱- کافی، ج ۲، ص، ۴۶۷.

۲- الکسیس کارل، پزشک و روانشناس مشهور در کتاب «نیایش» می‌نویسد: «فقدان نیایش در میان یک ملت، مساوی با سقوط آن ملت است و اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است معمولاً از فساد و نابودی در امان نخواهد بود. البته برای بهره‌مندی از آثار عمیق نیایش، این کار باید پیوسته و با توجه انجام گیرد، نه این که انسان صبح را با نیایش شروع کند، ولی بقیه روز را مانند حیوانات وحشی به سر برد.»

## آداب دعا

آداب دعا نکته‌هایی هستند که رعایت آنها باعث می‌شود دعای انسان مورد توجه بیشتر خداوند قرار گیرد و زودتر مستجاب شود.

برای آشنایی بیشتر با این آداب، احادیث زیر را که از پیامبر اکرم و امامان علیهم السلام به ما رسیده با دقت بخوانید :

— هرگاه درخواستی از خداوند سبحان داشتی، دعایت را با صلوات بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آغاز کن؛ زیرا خداوند، کریم تر از آن است که کسی از او دو درخواست کند و او یکی را بپذیرد، و دیگری را نپذیرد.<sup>۱</sup>

— در چهار وقت فرصت را برای دعا کردن غنیمت شمارید؛ هنگام قرائت قرآن، وقت اذان، هنگام باریدن باران و هنگام روبه‌رو شدن سپاه ایمان و لشکر کفر.<sup>۲</sup>

— هرگاه امام باقر علیه السلام حاجتی داشت، ابتدا چیزی صدقه می‌داد و سپس خود را معطر می‌ساخت و به مسجد می‌رفت و آنگاه در هنگام اذان ظهر به دعا می‌پرداخت.<sup>۳</sup>

— نزدیک‌ترین دعاها به اجابت، دعای کسی است که در دعاها پنهانی‌اش ابتدا برای دیگران دعا می‌کند. هرگاه کسی این چنین دعا کند، از عرش الهی ندا می‌رسد: هزاران برابر آنچه برای او خواستی، برای خود توست.<sup>۴</sup>

## فعالیت کلاسی

با توجه به احادیثی که خواندیم، فهرستی از آداب دعا تهیه کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بیان کنید.  
می‌توانید بهترین فهرست را در کلاس نصب کنید.

ممکن است این پرسش برای شما هم به وجود آمده باشد که چرا گاهی اوقات با اینکه ما آداب دعا را رعایت می‌کنیم، اما باز هم دعایمان مستجاب نمی‌شود؟

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۷۷.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱.

۴- کافی، ج ۴، ص ۴۶۵.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۷۸.

متن زیر که بخش دیگری از نامه امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام به فرزند گرامی‌شان امام حسن مجتبی علیه السلام است، به پاسخ این پرسش اشاره می‌کند:

... [پسرم] هرگز از تأخیر اجابت دعا نا امید مباش؛ زیرا بخشش الهی به اندازه تبت است. چه بسا در اجابت دعا تأخیر می‌شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کامل‌تر شود. گاهی چیزی را خواسته‌ای، ولی آن را به تو نداده‌اند و [در عوض] بهتر از آن را در این جهان یا آن جهان به تو داده‌اند، و گاهی دعایت به اجابت نرسیده است؛ زیرا چیزی طلب کرده‌ای که اگر داده شود، مایه تباهی دین تو خواهد بود. پس چیزی بخواه نیکی و زیبایی‌اش برایت ماندگار باشد و رنج و سختی‌اش از تو برکنار!

### بیشتر بدانیم

ما در این درس با برخی از آداب دعا آشنا شدیم. اما علاوه بر آنچه تاکنون خواندیم، عوامل دیگری هم هستند که می‌توانند دعاهای ما را بیش از پیش مورد توجه خداوند مهربان قرار دهند.

به حدیث زیر توجه کنید:

رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** می‌فرماید:<sup>۱</sup>

روز جمعه سرور روزهای دیگر است. نیکی‌ها در این روز دوچندان می‌شود و گناهان محو می‌شوند. دعاها در روز جمعه مستجاب، گرفتاری‌ها برطرف و حاجات انسان‌ها برآورده می‌شود. جمعه روزی است که خداوند بیش از هر روز دیگری، گرفتاران آتش را آزاد و از عذاب می‌رهاند. هرکس حق این روز را بشناسد و خداوند را در این روز بخواند، بدون شک خداوند بلند مرتبه او را از آتش نجات می‌دهد و اگر در آن روز یا شب بمیرد، شهید خواهد بود و در روز قیامت در امان خداوند برانگیخته خواهد شد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- تہذیب الأحکام، ج ۳، ص ۳.

- ۱- چرا نباید فقط در سختی‌ها و مشکلات زندگی به دعا و نیایش با خداوند پرداخت؟
- ۲- دعا کردن چه فایده‌هایی دارد؟ به دو مورد اشاره کنید.
- ۳- چهار مورد از آداب دعا را بیان کنید.
- ۴- بنا بر فرمایش حضرت علی **علیه السلام** چرا برخی از دعاها فوری برآورده نمی‌شوند؟

### پیشنهاد

در کتاب مفاتیح الجنان برای هریک از روزهای هفته دعایی از امامان معصوم آورده شده است. شما می‌توانید با مراجعه به این کتاب، ترجمه یکی از این دعاها را یادداشت کنید و آن را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.



... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً  
وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً  
وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ<sup>۱</sup>

پروردگارا، به ما در دنیا (نیکی) عطا کن  
و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما  
و ما را از عذاب آتش ننگه دار.

... رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا  
وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ  
الْكَافِرِينَ<sup>۲</sup>

پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز،  
و گام‌های ما را استوار دار،  
و ما را بر گروه کافران بیروز فرما.

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا  
وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً  
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»<sup>۳</sup>

پروردگارا، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را،  
(از راه حق) منحرف مگردان  
و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛  
زیرا تو بخشنده‌ای.

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ  
وَمِن ذُرِّيَّتِي  
رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ.

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ  
يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.»<sup>۱</sup>

پروردگارا، مرا برپا دارنده نماز قرار ده

و از فرزندانم [نیز چنین فرما]،

پروردگارا، دعای مرا بپذیر و مرا و پدر و مادرم و همه مؤمنان  
را، بیامزد

در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز.

... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا  
بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ  
آمَنُوا

رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.<sup>۲</sup>

پروردگارا، ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند

بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار

مده. پروردگارا، تو مهربان و رحیمی.

### بازتاب عمل

وقتی با ضربه‌ای محکم توپ را به دیوار می‌کوبید، چه اتفاقی می‌افتد؟ امروزه برای دانشمندان کاملاً روشن است که در تمام خلقت، هیچ رویدادی بدون علت و به صورت اتفاقی رخ نمی‌دهد؛ بلکه حتی کوچک‌ترین و ساده‌ترین اتفاقات نیز تابع قوانین ثابت و دقیقی هستند که جهان خلقت براساس آنها آفریده شده است. قانون عمل و عکس‌العمل نمونه‌ای از این قوانین است که شما در سال‌های گذشته با آن آشنا شدید.

#### فعالیت کلاسی

- ۱- قانون عمل و عکس‌العمل را در کلاس توضیح دهید و برای آن مثالی بزنید.
- ۲- به نظر شما آیا خداوند بزرگ این قانون را تنها برای اجسام مادی قرار داده است یا اینکه اعمال و رفتار ما نیز تابع همین قانون‌اند؟



در حال خارج شدن از مدرسه هستید که می بینید جلوی درِ مدرسه یک پوست موز بر روی زمین افتاده است. با خود فکر می کنید اگر یکی از بچه ها حواسش نباشد و هنگام خارج شدن از مدرسه پایش را روی آن بگذارد حتماً به زمین خواهد افتاد.

برای خشنودی خداوند خم می شوید و پوست موز را برمی دارید و در سطل زباله می اندازید. چند دقیقه بعد، نزدیک منزل، در کنار خیابان چشمتان به نیازمندی می افتد. اتفاقاً او را می شناسید و می دانید که به کمک دیگران نیاز دارد. مقداری پول همراه شماست که آن را برای خود نگه داشته اید. هر چند دوست دارید آن پول را برای خودتان مصرف کنید، اما باز هم برای خشنودی خداوند از خودتان می گذرید و با خوش رویی پول را به آن نیازمند می دهید. حالا کمی فکر کنید، شما با این کارها به چه کسی بیش از دیگران نیکی کرده اید؟

بر اساس قانون عمل و عکس العمل، هر کاری عکس العملی متناسب با خود دارد که به صاحبش باز می گردد. پس شما در هر کار خیری که انجام می دهید، پیش از همه به خودتان نیکی کرده اید. البته این قانون درباره اعمال ناشایست نیز وجود دارد و دود این کارها ابتدا به چشم صاحبش خواهد رفت.

ما در ادامه این درس به بررسی برخی کارها می پردازیم که نتیجه آنها نه تنها در روز قیامت، بلکه در همین دنیا نیز دیر یا زود به صاحبش باز می گردد.

## ۱- صدقه

آن روز هوا خیلی گرم بود. همان روزی که باید برای آدای نذرم از مکه تا مدینه را زیر آفتاب سوزان با پای پیاده می رفتیم.

در میان راه به روستایی رسیدیم؛ من که چند ساعتی در گرمای شدید پیاده روی کرده و خیلی تشنه بودم، از اهالی روستا هندوانه ای خریدم و از شدت تشنگی در همان جا آن را بریده و مشغول خوردن شدم. در حالی که هندوانه می خوردم متوجه شدم که کسی آن طرف تر مرا زیر نظر دارد. زنی بود که لباس های مندرسی به تن داشت. گمان کردم که از چوپان های آن اطراف است که می خواهد پوست هندوانه ها را برای گوسفندانش ببرد.

بعد از خوردن هندوانه از جا برخاستم و پوست هندوانه ها را کنار جاده رها کرده و به راه افتادم. هنوز زیاد دور نشده بودم که سر و صدای چند کودک توجهم را جلب کرد.

وقتی برگشتم با صحنهٔ عجیبی روبرو شدم. همان زن را دیدم که در میان هفت - هشت کودک قد و نیم قد سعی می‌کرد برای ساکت کردنشان به هریک از آن‌ها تکه‌ای پوست هندوانه بدهد.

به سمت آنها رفتم و با تعجب علت این ماجرا را از زن سؤال کردم. زن ابتدا از جواب دادن به من سر باز زد، اما وقتی اصرار مرا در سؤال کردن دید بالاخره گفت: این‌ها فرزندان من هستند که مدتی است پدرشان را از دست داده‌اند و ما در این مدت، زندگی سختی را می‌گذرانیم. امروز که دیدم دیگر نمی‌توانم گریهٔ آنها را تحمل کنم، به ناچار از خانه بیرون آمدم تا شاید چیزی برای رفع گرسنگی‌شان پیدا کنم. این پوست هندوانه‌ها لافل برای مدتی شکم آنها را پر می‌کند.

سیصد ریال<sup>۱</sup> همراه داشتم. تصمیم گرفتم همهٔ پول را به آن زن بدهم. شیطان به سراغم آمد که تو خودت در این کشور غریبی! اگر همه پول را به او بدهی خودت چه کار می‌کنی؟ باز فکر کردم من هر قدر که نیاز داشته باشم از این زن و کودکانش نیازمندتر نیستم. من شاید بتوانم بعداً برای خودم کاری کنم، ولی او که هیچ کاری نمی‌تواند کند.

تصمیم خودم را گرفتم. دستم را در جیبم کردم و تمام پولم را به زن دادم و دوباره به راه افتادم...



همین‌طور که در آن هوای سوزان راه جاده را در پیش گرفته بودم و به سرنوشت نامعلوم خودم فکر می‌کردم، اتوبوسی کنارم توقف کرد. حاجی‌های ایرانی بودند که به مدینه می‌رفتند. آنها که دیده بودند من در هوای گرم با پای پیاده راه می‌روم، دلشان برایم سوخته بود و می‌خواستند مرا سوار اتوبوس کنند؛ در این میان ناگهان یکی از مسافران از داخل اتوبوس فریاد زد: آقا شیخ محمد تقی، شما هستید؟! سپس با عجله از اتوبوس پیاده شد و بدون مقدمه شروع کرد به بوسیدن من.

با خودم گفتم: خدایا در این بیابان، این مرد کیست؟ مرا از کجا می‌شناسد؟

از لابه‌لای حرف‌هایش فهمیدم که سال‌ها پیش شاگردم بوده است. او اول با اصرار از من خواست سوار اتوبوس شوم، اما وقتی ماجرای نذر مرا فهمید، گفت: پس یک لحظه صبر کنید؛ سپس با عجله وارد اتوبوس شد و مقدار زیادی پول با خودش آورد و گفت: این هدیه ناچیزی است که من از مدت‌ها پیش می‌خواستم تقدیم شما کنم، اما نمی‌توانستم شما را پیدا کنم. خواهش می‌کنم قبول کنید.

آن روز هر قدر من تلاش کردم که آن پول را نپذیرم، فایده‌ای نداشت و آن مرد بالاخره با اصرار زیاد، پول را به من داد و رفت. وقتی اتوبوس دور شد، پول را شمردم، دقیقاً سه هزار ریال بود. ده برابر

۱- واحد پول کشور عربستان مانند ایران ریال است.

پولی که به آن زن داده بودم. بی اختیار به یاد کلام خداوند افتادم که می فرماید<sup>۱</sup> : .....

## فنایت کلاسی

آیات زیر را با دقت بخوانید و مشخص کنید کدام یک از آن‌ها ارتباط بیشتری با ماجرای بالا دارد؟

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا» پس هرکس به اندازه ذره‌ای نیکی کند،  
يَرَهُ آن را می بیند  
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا و هرکس به اندازه ذره‌ای بدی کند  
يَرَهُ<sup>۲</sup> آن را می بیند.

«وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» و هر چه را (در راه خدا) انفاق کنید،  
وَأَوْعُضَ اللَّهُ عَنْهُ او عوض آن را به شما می دهد  
وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ<sup>۳</sup> و او بهترین روزی دهنده‌گان است.

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ» هر کس کار نیکی به جای آورد،  
فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا<sup>۴</sup> ده برابر آن پاداش خواهد گرفت.

همان گونه که دیدیم رسیدگی به محرومان و صدقه دادن یکی از کارهایی است که نتیجه آن علاوه بر جهان آخرت در همین دنیا نیز به انسان باز خواهد گشت. این تأثیر فقط مربوط به صدقه دادن نیست و کارهای دیگری هم هستند که چنین اثری دارند. یکی از این کارها صلهٔ رحم است.

۱- ماجرای واقعی است از روحانی زاهد، شیخ محمد تقی بهلول متوفای سال ۱۳۸۵.

۲- سوره زلزال، آیات ۷-۸.

۳- سوره نبا، آیه ۳۹.

۴- سوره انعام، آیه ۱۶۰.

## ۲- صلۀ رحم

هرکاری که باعث محکم تر شدن روابط خویشاوندی شود، صلۀ رحم نام دارد. سلام و احوالپرسی، دید و بازدید، محبت کردن به بستگان، تلاش برای رفع مشکلات آنها و هر کار دیگری که آنان را خوشحال می کند، نمونه های این عمل پسندیده اند.

امام باقر **علیه السلام** درباره آثار صلۀ رحم بر زندگی انسان در همین دنیا می فرماید :

صلۀ رحم اعمال را نیکو می کند، بلاها را از انسان دور می سازد، بر عمر انسان می افزاید، رزق و روزی را گشایش می دهد و باعث جلب محبت نزدیکان می شود.<sup>۱</sup>

## ۳- نیکی به والدین

یکی از واجبات بسیار مهم در دین اسلام، نیکی به پدر و مادر است. این مسئله آن قدر اهمیت دارد که خداوند بارها پس از دستور به اطاعت از خود می فرماید: «به پدر و مادر نیکی کنید.»<sup>۲</sup> احترام به پدر و مادر مسئله ای است که هیچ استثنایی ندارد و حتی اگر پدر و مادر کسی افراد صالحی هم نباشند، باید با آنان با کمال ادب و احترام رفتار کرد و از آنها اطاعت نمود. البته اگر پدر و مادر انجام کاری را بخواهند که خداوند از آن راضی نیست، دیگر نمی توان از آنان اطاعت کرد. نیکی به پدر و مادر علاوه بر نقش مهمی که بر سعادت انسان در جهان آخرت دارد، تأثیرات زیادی نیز بر زندگی انسان در دنیا دارد. زیاد شدن دارایی و ثروت، برطرف شدن مشکلات و طولانی شدن عمر برخی از نتیجه های احترام به والدین است.

امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** می فرماید :

کسی که به والدینش نیکی کند، فرزندانش نیز به او نیکی می کنند.<sup>۲</sup>

۱- کافی، جلد ۲، ص ۱۵۲.

۲- سوره بقره، آیه ۸۳؛ سوره نساء، آیه ۳۶؛ سوره انعام، آیه ۱۵۱؛ سوره اسراء آیه ۲۳.

۳- غررالحکم، ص ۴۰۷

هوش و استعداد بالای او در کنار پشتکار زیاد، از همان ابتدا نوید بخش آینده‌ای روشن بود. هنوز هجده سالش تمام نشده بود که دروس مقدماتی حوزه را پشت سر گذاشت و برای تحصیل در سطح عالی علوم اسلامی راهی قم شد.

در حوزه علمیة قم با جدیت به فراگیری دانش‌های فقه، اصول و فلسفه نزد اساتید بزرگی مانند آیت‌الله بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی و شیخ مرتضی حائری یزدی پرداخت.

کسانی که آن طلبه جوان را می‌شناختند، هرگز گمان نمی‌کردند او به این راحتی قم را ترک کند. اما نامه‌ای که آن روز به دستش رسید، مسیر زندگی‌اش را تغییر داد. نامه‌ای غم‌انگیز از طرف خانواده!

«بیماری آب مروارید یک چشم پدر را نابینا کرده است ...»

تردید ذهن و فکرش را فرا گرفت. چه باید می‌کرد؟ از طرفی او سال‌ها برای فراگیری علم و دانش زحمت زیادی کشیده بود و تا به ثمر رسیدن زحمت‌هایش چیز زیادی باقی نمانده بود. فقط چند سال دیگر برای او کافی بود تا ....

از طرف دیگر، پدر به او نیاز داشت.

تصمیم دشواری بود! باید یکی را انتخاب می‌کرد. پیشرفت علمی یا پدر؟ و بالاخره در حالی که بسیاری از دوستانش آرزو می‌کردند به جای او باشند، او تصمیم گرفت قم را ترک کند و برای مراقبت از پدر به مشهد باز گردد.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خود درباره آن زمان می‌گوید: «به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد. به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم. اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم، اعتقادم این است که ناشی از همان بڑی<sup>۱</sup> است که به پدر، بلکه به پدر و مادر انجام داده‌ام».

خوب است بدانیم که ایشان در مشهد نیز در کنار مراقبت از پدر پیر و بیمار، به ادامه تحصیل در محضر اساتید بزرگ حوزه مشهد پرداختند و هم‌زمان به تدریس معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان مشغول شدند.



آنچه در این درس خواندیم به روشنی به ما می آموزد که هر کار نیک یا بدی پیش از اینکه آثارش به دیگران برسد، به انجام دهنده آن کار بر می گردد و در حقیقت هرکسی در دنیا با نتیجه اعمال خودش زندگی می کند. خداوند حکیم درباره این موضوع می فرماید :

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ  
أَحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ  
وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا...»<sup>۱</sup>

اگر نیکی کنید،  
به خودتان نیکی کرده اید  
و اگر بدی کنید، به خود [بد نموده اید].

## فعالیت کلاسی

شخصی به ابوذر نامه ای نوشت و از او خواست نصیحتش کند. ابوذر در پاسخ نوشت : به کسی که بیش از همه دوستش داری بدی نکن! مرد با خواندن پاسخ نامه از خود پرسید : مگر می شود کسی را بیش از همه دوست داشته باشی و به او بدی کنی؟ حتماً آن مرد دانا از این گفته خود منظور دیگری داشته است، خوب است نامه دیگری برایش بنویسم و منظور او را از این سخن جويا شوم ....

با کمک آیه ای که خواندیم، منظور ابوذر را از این سخن توضیح دهید.

## خودت را امتحان کن

- ۱- قانون بازتاب اعمال را با یک مثال توضیح دهید.
- ۲- سه کار را نام ببری که نتیجه آن در همین دنیا به انسان برگردانده می شود.
- ۳- ثمرات نیکی به پدر و مادر را بنویسید.

۱- سورة اِسرَاء، آیه ۷



حدیث امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره نیکی به پدر و مادر را که در این درس خواندیم با بزرگ‌ترهای خانواده مانند پدر، مادر، پدر بزرگ و یا مادر بزرگ خود در میان بگذارید و از آنان بخواهید که اگر خاطره یا داستانی درباره این حدیث دارند، برای شما بازگو کنند.

شما می‌توانید این خاطرات را یادداشت کرده و در کلاس برای هم‌کلاسی‌هایتان بخوانید.

### سربازان شیطان

- چرا پدر او را بیشتر از ما دوست دارد؟  
– او سخت در اشتباه است! ما نیرومند هستیم، آن وقت او یوسف را بیش از ما دوست دارد!
- اگر می خواهید نزد پدر عزیز باشید چاره‌ای ندارید جز این که یوسف را از او دور کنید!  
– او را می کشیم، پس از آن نیز توبه می کنیم و انسان‌های نیکوکاری می شویم!  
– نه؛ او را به بیابان می بریم و در چاهی می اندازیم، شاید رهگذران او را پیدا کنند و با خود به سرزمینی دوردست ببرند ....



#### فعالیت کلاسی

به نظر شما چه چیزی باعث شد برادران حضرت یوسف چنین رفتار بی‌رحمانه‌ای با برادر کوچک خود داشته باشند؟

در سال‌های پیش با برخی از ویژگی‌های ناپسند اخلاقی آشنا شدیم. اکنون قصد داریم با معرفی دو سرباز دیگر از سربازان نفوذی شیطان، به بررسی راه‌های مبارزه با آنها بپردازیم.

## ۱- حسادت

حسود از دیدن نعمت‌های خدا در دست دیگران ناراحت می‌شود و آرزو می‌کند آن نعمت‌ها هر چه زودتر از بین بروند. برای او اهمیتی ندارد که دیگران شایسته آن نعمت‌ها هستند یا خیر! او فقط می‌خواهد مردم نعمت‌هایشان را از دست بدهند.

دو هم‌کلاسی را تصور کنید که خودشان را برای مسابقات علمی آماده می‌کنند. یکی از آنها وقت کافی برای مطالعه در نظر گرفته است. به تمام راهنمایی‌های معلمانش با دقت عمل می‌کند و سخت تلاش می‌کند. اما دیگری مطالعه را جدی نگرفته است. گاهی در جلسات آمادگی برای مسابقه حاضر می‌شود و گاهی غیبت می‌کند. وقتی هم که در کلاس حضور دارد آن را جدی نمی‌گیرد و حواسش فقط به ساعت است تا ببیند چه زمانی کلاس به پایان می‌رسد.

فکر می‌کنید هنگامی که زمان مسابقات فرا می‌رسد و دانش‌آموز سخت‌کوش به عنوان نمایندهٔ مدرسه معرفی می‌شود، دانش‌آموز دیگر چه واکنشی از خود نشان دهد؟

ممکن است دانش‌آموز دوم به دوستش تبریک بگوید و از این اتفاق درس بگیرد و با سرمشق قرار دادن رفتار دوستش بر تلاش خود می‌افزاید تا بتواند در مسابقات آینده به عنوان فرد برگزیده به مسابقات برود.

اما برخی افراد در این هنگام رفتار دیگری از خود نشان می‌دهند. آنها با نادیده گرفتن واقعیت سعی می‌کنند شایستگی دوست خود را انکار کنند و او را از چشم دیگران بیندازند. آنها می‌گویند: مگر او چه چیزی بیشتر از من دارد؟ من ثابت می‌کنم که او لیاقت این مقام را ندارد. من اگر به جای معلم بودم هیچ وقت چنین کسی را برای مسابقات معرفی نمی‌کردم...

در برخورد اول، شخص سعی می‌کند با کمک خواستن از خدا و تلاش بیشتر به چیزی که ندارد دست یابد. این روحیه‌ای مثبت و ارزشمند است. اما در برخورد دوم فرد نمی‌خواهد چیزی را به دست آورد؛ بلکه آرزویش این است که آنچه دیگران دارند از دستشان برود. این روحیهٔ ناپسند، حسادت نام دارد.

شخص حسود نه تنها باعث رنجش اطرافیان می‌شود و دوستانش را از دست می‌دهد؛ بلکه به دلیل رفتار ناپسندش با بندگان خدا، خشم خداوند را نیز برانگیخته و از رحمت الهی دور می‌شود.

## فحالت کلاسی

به موارد زیر توجه کنید و رفتار انسان‌های حسود و انسان‌های غیر حسود را در هر مورد پیش‌بینی کنید.

- ۱- وقتی می‌بیند یکی از هم‌کلاسی‌هایش با معدل بسیار خوب رتبه اول کلاس را به دست می‌آورد.
- ۲- وقتی می‌بیند هم‌کلاسی‌هایش به یکی از دوستان او خیلی احترام می‌گذارند.
- ۳- وقتی از طرف مدرسه، به یکی از دوستانش جایزه‌ای داده می‌شود.

### حسادت و برانگر ایمان

برخی از رفتارهای ناپسند، علاوه بر اینکه خودشان یک گناه بزرگ‌اند، زمینه‌ساز گناهان بزرگ دیگری نیز به شمار می‌روند. حسادت از این دسته است.

حسود که موفقیت مردم را شکست خود می‌داند، هر کاری می‌کند تا از موفقیت آنها جلوگیری کند. او برای اینکه کسی را از چشم دیگران بیندازد، درباره او بدگویی می‌کند، خوبی‌هایش را انکار می‌کند، به او تهمت می‌زند و حتی برای شکست دادنش نقشه‌های مختلف می‌کشد. حسود برای رهایی از اضطرابی که دارد به هر کاری دست می‌زند و حتی حاضر است برای بدنام کردن دیگران و از بین بردن نعمت‌های آنها مرتکب هر گناهی شود. انجام گناهان مکرر نیز ایمان را ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌سازد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

حسد، ایمان را می‌خورد همان‌طور که آتش هیزم را می‌خورد.<sup>۱</sup>

### درمان حسادت

کسی که در معرض بیماری حسادت قرار می‌گیرد، باید پیش از هر چیز به نعمت‌های بزرگی که خداوند به خود او داده است توجه کند و خدا را به خاطر آن نعمت‌ها سپاس گوید. کسی که می‌داند نعمت‌های گرانبهایی دارد که حتی شخص مورد حسادت نیز از برخی از آنها محروم است، هرگز از ارزش خود غافل نمی‌شود و به دیگران حسادت نمی‌کند.

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۰۶.

گام بعدی برای درمان حسادت این است که انسان با خود بیندیشد، نابودی نعمت‌های دیگران چه سودی برای خود او خواهد داشت؟

— آیا سرشکستگی دیگران می‌تواند مرا سربلند کند؟

— اگر هم کلاسی من نتواند نمره خوبی کسب کند، آیا در نمره من تأثیری دارد؟

وقتی می‌بینیم شکست دیگران هیچ سودی برای ما ندارد پس به جای ناراحت شدن از رشد آنها، از خدا بخواهیم تا ما را نیز مانند آنها به رشد و موفقیت برساند. این روحیه ارزشمند، غبطه نام دارد که هرگز با حسادت قابل مقایسه نیست. البته فراموش نکنیم که در کنار دعا کردن باید برای موفقیت خود برنامه‌ریزی کنیم، از تجربیات دیگران استفاده کنیم و بر میزان کار و تلاش خود بیفزاییم.

گام سوم برای درمان بیماری حسادت، نیکی به دیگران است. وقتی انسان خودش را به احترام و نیکی به دیگران عادت می‌دهد، خود به خود احساس حسادتی که به آنها دارد از بین می‌رود. همچنین این کار باعث می‌شود که دیگران نیز به او احترام بگذارند و او را دوست بدارند و به این ترتیب، دیگر زمینه‌ای برای حسادت در دلش باقی نخواهد ماند.

## ۲- یأس و ناامیدی

دومین سرباز نفوذی شیطان که گاهی در مسیر رشد انسان قرار می‌گیرد و او را از ادامه راه باز می‌دارد ناامیدی است. ناامیدی حالتی است که معمولاً پس از شکست در کارها یا از دست دادن برخی نعمت‌ها و سرمایه‌ها به سراغ انسان می‌آید.

این مسئله طبیعی است که هیچ‌کس دوست ندارد در کارهایش با شکست مواجه شود. اما واقعیت این است که شرایط زندگی همیشه آن‌گونه که ما انتظار داریم نخواهد بود و ما خواه‌ناخواه گاهی نیز با شکست رو به رو می‌شویم. در این زمان، منطقی‌ترین راه این است که خود را برای پذیرش واقعیت آماده کنیم و از هر شکست تجربه‌ای برای پیروزی‌های بعدی به دست آوریم.

ولی در این میان کسانی هم هستند که نمی‌توانند از شکست‌هایشان درسی بگیرند؛ زیرا هرگاه می‌خواهند کاری را شروع کنند، فوراً تصویر شکست قبلی جلوی چشمشان می‌آید و از ترس اینکه در این کار هم نتوانند موفق شوند، اصلاً کار جدید را شروع نمی‌کنند.

به نظر شما برای غلبه بر ناامیدی در این موارد چه باید کرد؟

اول: یاد خدا و توکل بر او  
قرآن کریم می فرماید :

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ  
فَهُوَ حَسْبُهُ...»<sup>۱</sup>  
و هر کس بر خدا توکل کند،  
او برایش کافی است.

مؤمن می داند که در لحظه لحظه زندگی همواره کسی هست که حمایتگر اوست. آن کسی که خودش فرموده است از رگ گردن به انسان نزدیک تر است و هر وقت لازم باشد به یاری اش خواهد شتافت. بنابراین هجوم مشکلات و سختی ها نه تنها او را ناامید نمی کند؛ بلکه عزم او را در روبه رو شدن با سختی ها جدی تر می کند؛ زیرا که می داند هر یک از مشکلات زندگی در حقیقت امتحانی از جانب خداست که می تواند پاداش بزرگی به دنبال داشته باشد.

دوم: پایداری و جدیت: راه دیگر برای غلبه بر ناامیدی استقامت در کارهاست. ممکن است انسان در مرتبه اول نتواند کاری را به درستی و با موفقیت به انجام رساند، اما یقیناً با درس گرفتن از شکست ها و استقامت در کار می تواند شکست را تبدیل به پیروزی کند.

در تاریخ می خوانیم سکاکی مردی هنرمند بود که با فلزات ابزارهای بسیار ظریفی می ساخت. روزی قفلی بسیار زیبا ساخت و نزد حاکم شهر برد. حاکم از دیدن آن قفل زیبا شگفت زده شد و مشغول تعریف از او بود که یکی از دانشمندان وارد شد. همین که چشم حاکم به او افتاد، سکاکی و قفلش را فراموش کرده و مشغول صحبت با دانشمند شد.

سکاکی که توجه حاکم به دانشمند را دید، تصمیم گرفت به هر قیمتی شده به دنبال کسب دانش برود، اما چگونه؟ روزهای اول برایش خیلی سخت بود. او حتی نمی توانست یک جمله را هم به درستی حفظ کند و برای همین، مورد تمسخر دیگران قرار می گرفت. از این گذشته باید به مکتب خانه می رفت و کنار کودکان می نشست تا از استاد درس بگیرد.

چیزی نمانده بود که ناامیدی او را از تصمیمش منصرف سازد تا اینکه روزی بیرون از شهر چشمش به سنگ بزرگی افتاد که وسطش سوراخ شده بود. بالای آن سنگ جایی بود که قطرات آب از آن بر سنگ می چکیدند و رفته رفته باعث سوراخ شدن آن سنگ شده بودند. با خودش گفت: ذهن من هر قدر هم که سخت و ناکارآمد شده باشد، دیگر از این سنگ سخت تر نیست. باید علم و دانش را کم کم و با تکرار به ذهنم وارد کنم. او با جدیت به کسب دانش پرداخت و استقامت خود را از دست

۱- سوره طلاق، آیه ۳.

نداد تا اینکه از بزرگ‌ترین دانشمندان زمان خود شد. جالب است بدانیم که برخی از کتاب‌های وی تا صدها سال مورد استفاده دانشجویان و دانشمندان قرار می‌گرفت.

## فعالیت کلاسی

ضرب‌المثل‌های زیر را بخوانید و توضیح دهید کدام یک از آنها انسان را امیدوار و کدام یک او را ناامید می‌کند؟

- ۱- از تو حرکت از خدا برکت.
- ۲- آب رفته به جوی باز نمی‌گردد.
- ۳- آب که از سرگذشت چه یک وجب، چه صد وجب.
- ۴- بالاتر از سیاهی، رنگی نیست.
- ۵- ماهی را هر وقت از آب بگیری، تازه است.
- ۶- پایان شب سیاه، سپید است.
- ۷- جلوی ضرر را هر وقت بگیری، منفعت است.

## خودت را امتحان کن

- ۱- حسادت چیست و چه تفاوتی با غبطه دارد؟
- ۲- راه‌های درمان بیماری حسادت را توضیح دهید.
- ۳- دو راه اصلی غلبه بر ناامیدی را بیان کنید.

## بیشتر بدانیم

یکی از خطرناک‌ترین انواع ناامیدی یأس و ناامیدی از رحمت خداست. خداوند ناامیدی از رحمت الهی را از بزرگ‌ترین گناهان می‌داند و می‌فرماید:



وَلَا تَيْسَـؤُا مِن رَّوْحِ اللّٰهِ  
إِنَّهُ لَا يَيْـَٔسُ مِن رَّوْحِ اللّٰهِ  
إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ<sup>۱</sup>

از رحمت خدا نومید مباشید؛  
زیرا کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود.  
جز گروه کافران

حتماً این پرسش برای شما هم به وجود آمده است که ناامیدی از رحمت خداوند، چگونه می‌تواند انسان را به کفر بکشاند؟

برای پاسخ به این پرسش، خوب است ابتدا مثالی بزنیم:

در برخی بیماری‌ها، پزشکان به افراد بیمار سفارش می‌کنند علاوه بر مصرف دارو، از خوردن بعضی خوراکی‌ها نیز پرهیز کنند. واضح است که اگر فرد بیمار به دستورات پزشک عمل کند، می‌تواند به بیماری خود غلبه کند و بهبودی‌اش را باز یابد.

اما گاهی نیز بیماری پیدا می‌شوند که - به دلیل بی‌اطلاعی از شرایط درمان خود - خیلی زود از معالجه ناامید می‌شوند و گمان می‌کنند دیگر به آخر خط رسیده‌اند. آنان در این هنگام با خودشان فکر می‌کنند دیگر چه پرهیز کنند و چه نکنند، تغییری در سرنوشت آنها ایجاد نخواهد شد، پس پرهیز را کنار می‌گذارند و درمان خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند. در این زمان حتی یک بیماری ساده نیز می‌تواند بسیار خطرناک شود.

کسی که از رحمت خداوند ناامید می‌شود درست مانند بیماری است که به اشتباه تصور می‌کند دیگر امید به بهبودی‌اش نیست. او وقتی دچار گناهی می‌شود، به جای اینکه به رحمت خدا بازگردد و فوری با توبه و پرهیز از گناهان اشتباهش را جبران کند، با ناامیدی خود را از همین حالا در جهنم می‌داند و فکر می‌کند چه توبه کند و چه نکند، سرنوشتی جز جهنم نخواهد داشت. در این هنگام است که با خود می‌گویند: «ما که بالاخره قرار است به جهنم برویم، پس چرا باید خودمان را اذیت کنیم و از بسیاری کارها چشم‌پوشی کنیم؟» و با این تصور غلط کم‌کم تبدیل به کسی می‌شوند که از هیچ گناهی رویگردان نیست.

به نظر شما چه عاقبتی در انتظار این افراد است؟

۱- سوره یوسف، آیه ۸۷.

### دوستی

همه ما در طول زندگی با نیازهای گوناگونی روبه‌رو هستیم؛ احتیاج به هوای پاک، آب سالم، غذا، مسکن و ...

کاملاً روشن است که نیازهای انسان تنها به امور جسمی محدود نمی‌شود و نیازهای روحی اگر مهم‌تر نباشد، یقیناً کم‌اهمیت‌تر از آن نخواهد بود.

یکی از مهم‌ترین نیازهای روحی انسان نیاز به محبت است. خداوند مهربان، ما انسان‌ها را طوری آفریده است که دیگران را دوست می‌داریم و می‌خواهیم دیگران نیز ما را دوست بدارند. نیاز انسان به محبت، آنقدر جدی است که اگر کسی تمام نعمت‌های دنیا را داشته باشد، ولی دیگران او را دوست نداشته باشند، خود را خوشبخت نمی‌داند.

### فعالیت کلاسی

به نظر شما ما می‌توانیم هر کسی را دوست داشته باشیم؟ ملاک و معیار دوست داشتن چیست؟

### معیارهای علاقمندی

میان اطرافیان خود چه کسی را بیش از همه دوست دارید؟  
آیا تاکنون از خودتان پرسیده‌اید چرا علاقه‌تان به او بیش از دیگران است؟  
برخی برای دوست داشتن دیگران معیار مشخص و مناسبی ندارند. چهره زیبا، طنین خوش صدا،

شیوه لباس پوشیدن و حتی وضعیت مالی افراد مایه دل بستگی آنها به دیگران است. این گونه علاقمندی‌ها تابع احساسات و شرایط دوره نوجوانی است.

می‌توانید حدس بزنید این گونه علاقمندی‌ها چه نتایجی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟  
وقتی کسی را دوست می‌داریم، محبت ما نمی‌گذارد خطاها و نقاط ضعف او را به خوبی ببینیم و به همین دلیل به راحتی به او اعتماد می‌کنیم.  
پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله درباره این حالت انسان می‌فرماید :

«حُبُّكَ لِلنَّسِيِّ يُعْمِي وَ يُصِمُّ»

دوست داشتن هر چیز تو را نسبت به [عیب‌های آن] کور و کر می‌کند.<sup>۱</sup>

صفحات حوادث روزنامه‌ها و مجلات انباشته از سرگذشت کسانی است که تنها با قضاوت درباره ظاهر دیگران به آنها علاقمند می‌شوند و سپس به خاطر محبت و اعتمادی که به آنها دارند، طبق خواسته‌های آنان رفتار می‌کنند. این افراد به راحتی فریب می‌خورند و مورد سوء استفاده شیادانی قرار می‌گیرند که با ظاهری آراسته خود را در قلب آنها جای داده بودند.

اشکال دیگر این گونه علاقمندی‌ها، ناپایداری آنهاست؛ برای مثال شخصی را تصور کنید که تنها به خاطر ظاهر دیگری، به او علاقمند می‌شود. به نظر شما این علاقه تا چه زمانی می‌تواند ادامه داشته باشد؟ همین که این شخص فردی با ظاهر زیباتر را ببیند، دوستی قبلی را فراموش می‌کند و دل‌باخته فرد سوم می‌شود. اکنون باید پرسید که تکلیف دوستی قبلی چیست و این قطع ناگهانی علاقه چه تأثیری بر فکر و روحیه افراد خواهد گذاشت؟

واقعیت این است که این شکست‌های عاطفی نتیجه‌ای جز افسردگی، بازماندن از تحصیل و مشکلات شدید روانی به دنبال نخواهد داشت. بنابراین کسی که معیار دوست داشتن‌هایش تنها ظاهر دیگران است باید از همان ابتدا خود را برای حسرت‌های طولانی آینده آماده کند.

## فعالیت کلاسی

درباره معیارهای نامناسب دیگری که می‌تواند باعث دل بستگی به دیگران شود، در کلاس گفتگو کنید.

حال به نظر شما معیارهای صحیح انتخاب دوست چیست؟  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از اصحاب خود پرسید :  
محکم ترین دستاویز<sup>۱</sup> ایمان چیست؟  
بعضی گفتند : مهم ترین ریسمان ایمان، نماز است.  
عده ای گفتند : روزه گرفتن.  
عده ای دیگر گفتند : به جای آوردن حج.  
بعضی هم گفتند : جهاد در راه خدا.

رسول خدا فرمود : تمام کارهایی که برشمردید اعمالی نیکو و پرفضیلت است اما پاسخ سؤال اینها نیست. مهم ترین و محکم ترین ریسمان ایمان، دوست داشتن به خاطر خدا و دشمن داشتن به خاطر خداست. آن چه ایمان را محکم می کند دوست داشتن اولیای خدا و بیزاری از دشمنان خداست.<sup>۲</sup>  
به نظر شما آیا کسانی که تمام هستی خود را از خداوند گرفته اند و با این حال از شیطان پیروی می کنند، شایسته محبت شما هستند؟ کسی که به خدای مهربان خود وفادار نمانده است، می تواند به دوستی شما وفادار باشد؟ پس اولین معیار برای دوست داشتن دیگران، نزدیکی آنان به خدا و اطاعت از اوست.

پیامبر خدا می فرماید :

حواریون حضرت عیسی از ایشان پرسیدند؟ با چه کسی هم نشینی کنیم؟  
: با کسی که دیدنش شمارا به یاد خدا اندازد و رفتارش شمارا به آخرت تشویق کند.<sup>۳</sup>

معیار دومی که می تواند محبت های ما را به مسیری درست راهنمایی کند، شناخت کسانی است که بدون در نظر گرفتن منافع شخصی خود، ما را صادقانه دوست دارند. همه ما صمیمی ترین محبت های خود را تثار مادر و پدر خود می کنیم، چرا که می دانیم آنان از ابتدای تولدمان بدون هیچ چشم داشتی ما را دوست داشته اند و همواره نگران سرنوشت ما بوده و هستند.  
محبت ما به پیامبران، امامان، معلمان دلسوز و انسان های فداکار نیز از این دست محبت هاست. آنان سختی های مختلف را به جان می خرنند تا مردم به سعادت و خوشبختی در دنیا و آخرت برسند و در

۱- دستاویز : چیزی که انسان آن را محکم می گیرد تا سقوط نکند.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۲۶.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۹.

این راه به دنبال سود و منفعت شخصی خود نیستند.

امام باقر علیه السلام می فرماید :

هرگاه خواستی بدانی که خیر و خوبی در تو هست یا نه، به قلبت نگاه کن. اگر دیدی اهل طاعت خدا را دوست داری و از اهل معصیت و گناه بدت می آید، پس بدان که در تو نیز خیر و خوبی است و خدا نیز تو را دوست دارد. اما اگر دیدی که از اهل طاعت خدا بیزاری و گناهکاران را دوست می داری، پس بدان در تو نیز خیری نیست و خداوند نیز از تو بیزار است.<sup>۱</sup>

### تیرهای شیطان

بی تردید چشم و گوش ما دروازه های اصلی قلب ما هستند و آنچه می بینیم و می شنویم تأثیر عمیقی بر علاقمندی ما نسبت به دیگران دارند. شیطان برای فریب انسان از همین دروازه های قلب وارد می شود و تمام تلاش خود را به کار می بندد تا با کنترل چشم و گوش انسان او را به انحراف بکشانند.

امام صادق علیه السلام درباره نگاه های حرام می فرماید :

نگاه حرام، تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است که بذر شهوت را در دل انسان می کارد و همین برای به گمراهی کشیدن صاحبش کافیهست. چه بسیار نگاه های کوتاه که حسرتی طولانی در پی دارند.<sup>۲</sup>

از این رو دین اسلام به مردان و زنان با ایمان سفارش می کند چشم و گوش خود را از هر چیزی که می تواند آنان را به گناه اندازد حفظ کنند.

برای محافظت در برابر شیطان لازم است به این نکات توجه کنیم :

۱- نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست ها - از مچ دست تا نوک انگشتان - در صورتی جایز است که بدون قصد لذت باشد.

۱- کافی ج ۲ ص ۱۲۷

۲- کافی، ج ۵ ص ۵۵۹ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸

- ۲- نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است.
- ۳- عکس گرفتن مرد از زن نامحرم حرام نیست ولی باید مراعات کند که مرتکب حرام دیگری نشود.
- ۴- حضور مرد و زن نامحرم در محلّ خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگران هم به آنجا وارد نمی‌شوند، جایز نیست و نماز خواندن در چنین مکانی نیز اشکال دارد.
- ۵- مراجعه مردان به پزشک زن و مراجعه زنان به پزشک مرد اگر نیازمند معاینه جسمی و لمس بدن باشد فقط در صورت ضرورت جایز است.
- ۶- مراجعه به نامحرم برای تزریق آمپول و سرم در صورتی جایز است که موجب لمس بدن یا نگاه به حرام نشود.
- ۷- دست دادن زن و مرد نامحرم حرام است.
- ۸- مردان و زنان باید از پوشیدن لباس‌های تنگ که باعث تحریک دیگران می‌شود دوری کنند و این کار حرام است.
- ۹- نگاه کردن به فیلم‌ها و عکس‌هایی که باعث تحریک انسان می‌شود حرام است.

## پناه‌گاه امن

در این درس دانستیم که نگاه حرام می‌تواند انسان را به سوی ناپاکی‌ها پیش ببرد و به همین دلیل شیطان با نیرنگ‌های مختلف از این تیر مسموم خود استفاده می‌کند تا افراد بیشتری را مورد هدف خود قرار دهد. او که از تأثیر وحشتناک این‌گونه نگاه‌ها اطلاع دارد، لحظه‌ای از وسوسه کردن دیگران دست نمی‌کشد و پیوسته خودش و سربازانش برای آلوده کردن انسان‌ها زمینه‌سازی می‌کنند. خداوند حکیم برای در امان نگاه داشتن مؤمنان در برابر این وسوسه‌ها می‌فرماید:

وَ اِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ  
 فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ  
 اِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ  
 و هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسید،  
 به خدا پناه ببر،  
 چرا که او شنونده و داناست!

به یاد داشته باشیم که اگر یاری خداوند نباشد، ما هرگز نمی‌توانیم در برابر وسوسه‌های شیطان

مقاومت کنیم. پس شایسته است همواره از خداوند کمک بخواهیم تا به ما نیروی مقاومت در برابر شیطان را عطا کند و بدانیم که خداوند در هر لحظه ما را می بیند و از حال ما آگاه است.

## خود را امتحان کن

- ۱- دو نمونه از مشکلات دوستی های با معیارهای نادرست را توضیح دهید.
- ۲- با توجه به حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهمترین معیار برای دوست داشتن افراد چیست؟
- ۳- راه مقاومت در برابر وسوسه های شیطان چیست؟

## پیشنهاد

با مراجعه به آخرین سوره از قرآن کریم، محتوای این سوره را در چند سطر توضیح دهید و آن را برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

## بیشتر بدانیم

### دشمنی با دشمنان خدا

حتماً شما هم تاکنون افرادی را دیده اید که سعی می کنند با همه دوست باشند و اصطلاحاً هیچکس را از دست ندهند.

دین اسلام تَوَلَّى (یعنی دوست داشتن دوستان خدا) و تَبَرَّى (یعنی دشمنی با دشمنان خدا) را دو اصل جدانشدنی می داند که هر یک بدون دیگری ناقص و بی معناست. به عبارت دیگر یک مسلمان نمی تواند ادعا کند که من با همه مردم رابطه ای دوستانه دارم و همه آنان را (چه نیکوکار و چه بدکار) به یک اندازه دوست دارم.

داستان زیر مربوط به همین موضوع است:

به هارون الرشید خبر دادند صفوان، کاروان شترهایش را یکجا فروخته است و باید برای حمل اسباب و وسایل خلیفه در سفر حج باید فکر دیگری کرد.

هارون با خود فکر کرد: فروختن تمام کاروان شتر، آن هم پس از آن که صفوان با خلیفه قرارداد بسته است که حمل و نقل وسایل و اسباب سفر حج را به عهده بگیرد،

کاملاً غیرعادی است. دستور داد فوراً او را احضار کنند :

– شنیده‌ام کاروان شتر را یکجا فروخته‌ای.

– بله ای خلیفه

– چرا؟

– پیر و از کار افتاده شده‌ام، خودم که از عهده اداره شترهایم بر نمی‌آیم، فرزندانم

هم کمک چندانی نمی‌کنند، دیدم بهتر است شترهایم را بفروشم.

– راستش را بگو چرا فروختی؟

– همین بود که به عرض رساندم.

– اما من می‌دانم چرا فروختی. حتماً موسی بن جعفر از موضوع قراردادی که با

ما بستی آگاه شد و تو را از این کار منع کرد و تو هم به دستور او شترهایت را فروختی.

علت تصمیم ناگهانی تو همین است.

هارون آنگاه با لحنی خشونت‌آمیز گفت : «صفوان! اگر سابقه دوستی‌های قدیم

نبود، سرت را از گردنت جدا می‌کردم».

هارون خوب حدس زده بود. صفوان هرچند از نزدیکان دستگاه خلیفه خونریز

عباسی به‌شمار می‌رفت و سوابق زیادی در دستگاه خلافت داشت، اما او از ارادتمندان

اهل بیت بود. صفوان پس از آن که قرارداد حمل و نقل اسباب سفر حج را با هارون

بست، روزی با امام موسی بن جعفر علیه‌السلام برخورد کرد، امام به او فرمود :

«صفوان! همه چیز تو خوب است جز یک چیز».

– آن یک چیز چیست یا ابن رسول الله؟

– این که شترانت را به این مرد (هارون) کرایه داده‌ای!

– یا ابن رسول الله من برای سفر حرامی کرایه نداده‌ام. هارون عازم حج است،

برای سفر حج کرایه داده‌ام. بعلاوه خودم همراه نخواهم رفت، بعضی از افراد و غلامان

خود را همراهشان می‌فرستم.

– صفوان! یک چیز از تو سؤال می‌کنم. تو شتران خود را به او کرایه داده‌ای که

آخر کار از او کرایه بگیری. این‌طور نیست؟

– چرا یا ابن رسول الله.

– آیا آن وقت تو دوست نداری هارون لا اقل این قدر زنده بماند که طلب تو را بدهد؟



– چرا ای پسر رسول خدا .

– هرکس به هر عنوان دوست داشته باشد ستمگران باقی بمانند جزء آنها محسوب خواهد شد، و معلوم است هرکس جزء ستمگران محسوب گردد در آتش خواهد رفت .  
بعد از این جریان بود که صفوان تصمیم گرفت یکجا کاروان شتر را بفروشد، هرچند خودش حدس می‌زد ممکن است این کار به قیمت جانش تمام شود .

الهی

ای آرزوی دل مشتاقان  
و ای والاترین درخواست داران؛  
از تو محبتت را می‌خواهم  
و محبت آنان که تو را دوست دارند  
و از تو محبت هر عملی را می‌خواهم که مرا به تو نزدیک کند.  
خداوندا!

خودت را از هر چه غیر توست، نزد من محبوب‌تر کن  
و محبتی را که به تو دارم، مایه رسیدنم به خوشنودیت قرار ده  
الهی

به چشم لطف و محبتت به من بنگر  
و از من روی مگردان

و مرا از اهل سعادت قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان

بخشی از مناجات محبین امام سجاد علیه السلام<sup>۱</sup>

## فصل ششم: جامعه



محیطی که در آن زندگی می‌کنیم - خوب یا بد - تأثیر مستقیمی بر افکار و رفتارهای ما دارد. به همین دلیل لازم است ویژگی‌های محیط مناسب را بشناسیم تا بتوانیم آن را سالم نگه داریم و از آن بهتر استفاده کنیم.

درس شانزدهم (ثمرات انقلاب اسلامی) به بررسی محیط عمومی جامعه ما قبل و پس از پیروزی انقلاب می‌پردازد و ویژگی‌های مثبتی را که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کشورمان شکل گرفت، بیان می‌کند. این درس با یادآوری دشمنان این کشور، نقشه‌های آنان را برای از بین بردن محیط سالم جامعه اسلامی توضیح می‌دهد.



### ثمرات انقلاب اسلامی

شما در کتاب تاریخ و با جنگ های ایران و روسیه در زمان حکومت قاجار آشنا شدید. یادآوری عهدنامه گلستان، ترکمانچای و... چه احساسی در شما به وجود می آورد؟  
ضمن مقایسه جنگ های ایران و روسیه با جنگ تحمیلی ایران و عراق نتیجه را با هم مقایسه کنید.



## دیروز و امروز

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، ده‌ها هزار مستشار خارجی – که چهل هزار نفر آنان آمریکایی بودند – کارهای مختلف را در کشور ما به دست داشتند. آنها به ما این‌گونه القا کرده بودند که ایرانی نمی‌تواند در دنیای علم و صنعت حرفی برای گفتن داشته باشد. در آن زمان دستگاه‌های صنعتی را با پرداخت هزینه‌های بسیار هنگفت از ابرقدرت‌ها می‌خریدیم، اما برای استفاده از آن دستگاه مجبور بودیم کارشناسان و مهندسان را نیز از همان کشورها به ایران بیاوریم. غربی‌ها تحقیر و توهین به ملت ما را به حدی رسانده بودند که ما را مردمی وحشی می‌دانستند و به‌خاطر حضور در ایران، حقوق فوق‌العاده‌ای به نام حق توحش می‌گرفتند.

وضعیت بهداشت در شهرها و روستاهای ما اسفناک بود و مجبور بودیم از ده‌ها هزار پزشک پاکستانی و هندی در ایران استفاده کنیم.

در آن زمان در میان بیش از پنجاه و چهار هزار روستای کشور تنها دو هزار روستا از برق برخوردار بودند بی‌سوادی گسترده مردم را آزار می‌داد و کمتر از نیم درصد مردم می‌توانستند به دانشگاه بروند!

انتخابات کاملاً نمایشی بود و نمایندگان مجلس و بقیه مسئولان کشور توسط شاه و دربار انتخاب می‌شدند. معادن مختلف و منابع نفت و گاز ما به دست غربی‌ها به یغما می‌رفت. حکومت شاه با هر چیزی که رنگ و بوی دینی داشت مخالفت می‌کرد و با دایر کردن مراکز فساد، جوانان را از دین دور می‌کرد.

در این شرایط بود که مردم ایران به رهبری امام خمینی که یک مرجع دینی بود در برابر حکومت شاه قیام کردند و با سقوط شاه شرایط کشور دگرگون شد.

انقلاب اسلامی بیش از آنکه یک حرکت سیاسی در تاریخ کشورمان به شمار آید، بازگشتی دوباره به دین و ارزش‌های دینی است و به همین دلیل ثمراتی بیش از یک حرکت سیاسی را به دنبال داشته است. ثمرات بزرگی که اهمیت آنها هرگز از تغییر حکومت کمتر نیست.

## ثمرات انقلاب اسلامی

قرآن کریم به مؤمنان می‌فرماید:

«لَا تَهِنُوا  
وَلَا تَحْزَنُوا  
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ  
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup>

و سست نشوید  
و غمگین نباشید،  
[زیرا که] شما برترید  
اگر ایمان داشته باشید.

یکی از ثمرات ارزشمند انقلاب، زنده شدن روحیه خودباوری و احساس بزرگی در میان ملت ایران است.

مردم ایران مانند بسیاری از ملت‌های محروم دنیا باور کرده بودند که نمی‌توانند هیچ مشکلی را به تنهایی حل کنند انقلاب اسلامی، این توهم بزرگ را فروریخت و به ما نشان داد که ملتی که با هم متحد باشد و برای خدا قیام کند، می‌تواند با رهبری مدبرانه هر مشکلی را حل کند و خود را به قله‌های پیشرفت و سعادت برساند.

### فعالیت کلاسی

با دوستانتان در کلاس گفت‌وگو کنید و شرایط پیش از انقلاب کشورمان را با شرایط کنونی ایران مقایسه کنید.

فکر می‌کنید چند کشور در دنیا می‌توانند موجودات زنده را شبیه‌سازی کنند؟  
چند کشور از فناوری پرتاب ماهواره به فضا برخوردارند؟  
چند کشور به فناوری پیچیده هسته‌ای دست یافته‌اند؟  
اینها بخشی از پیشرفت‌های علم و فناوری در کشور ماست که باعث شده است تا ایران در میان کشورهای منطقه به بالاترین رشد تولید علم دست یابد و در برخی رشته‌های علمی جزء پنج کشور اول جهان قرار گیرد.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۳۹.

این پیشرفت‌های عظیم موجب شده است ملت‌های محروم با الگوگرفتن از انقلاب اسلامی ایران، برای رهایی از وابستگی به ابرقدرت‌ها تلاش کنند. امروزه بیداری اسلامی در جهان اسلام و حتی فراتر از آن حرکت‌های حق طلبانه مردم در نقاط دیگر جهان نیز بیش از هر چیز مرهون حرکت ملت ایران در برابر استکبارگران جهانی است.

## فعالیت کلاسی

به نظر شما ابرقدرت‌هایی که سالها به استثمار ملت‌های محروم پرداخته‌اند، آیا حاضرند به راحتی از ثروت‌های این کشورها چشم‌پوشی کنند؟  
فکر می‌کنید آنها چه برنامه‌ای برای ادامه غارتگری در این کشورها دارند؟

### نقشه‌های شیطانی

مشرکان مکه با ظهور اسلام موقعیت خود را در خطر دیدند. ابتدا تلاش کردند تا با پیشنهاد‌های فریبنده به پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** او را از ادامه دعوت مردم به اسلام منصرف کنند. اما هنگامی که دیدند نمی‌توانند رسول خدا را فریب دهند، دست به کارهای دیگری زدند و دشمنی خود را با مسلمانان آشکار کردند.

آنها مسلمانان را در محاصره شدید اقتصادی - در شعب ابی‌طالب - قرار دادند تا مجبور شوند دست از اسلام بردارند و دوباره اختیار خود را به دست مشرکان بسپارند.

ماجرای فوق در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی برای ما نیز تکرار شد و آمریکا و هم‌پیمانانش طرح تحریم (محاصره) اقتصادی ایران را به تصویب سازمان ملل رساندند.<sup>۱</sup>

گام دوم غارتگران برای به زانو درآوردن ملت ایران، جنگ بود. رژیم بعثی صدام در شهریور ۱۳۵۹ به دستور آمریکا جنگی را در برابر ما آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید. اگرچه در این جنگ بسیاری از دولت‌های چپاول‌گر از رژیم صدام حمایت می‌کردند، اما باز هم اراده خداوند بر اراده شیطان پیروز شد و ملت ایران با اتکالی به خداوند و بدون کمترین وابستگی به قدرت‌های بیگانه توانست نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی بیرون براند.<sup>۲</sup>

این واقعه نیز کاملاً شبیه همان برنامه‌ای بود که مشرکان صدر اسلام برای شکست مسلمانان

۱- این تحریم‌ها هنوز هم برطرف نشده است و دولت‌های استکباری به مناسبت‌های مختلف تلاش می‌کنند تا دایره تحریم را تنگ‌تر کنند.

۲- در طول جنگ تحمیلی، در میان افرادی که به اسارت نیروهای ما درآمده بودند، سربازانی از ۲۵ ملیت و کشور مختلف وجود داشتند و حتی در مواردی که آمریکایی‌ها می‌دیدند، شکست صدام نزدیک است، خودشان مستقیماً وارد جنگ می‌شدند.

ترتیب دادند. آنها نیز هنگامی که دیدند نمی‌توانند در برابر اسلام کاری از پیش ببرند، با یکدیگر متحد شدند و به جنگ با رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** پرداختند. این شباهت‌ها به ما نشان می‌دهد که برنامه‌های شیطان برای گمراهی انسان‌ها همواره ثابت بوده است و تنها افراد هستند که در طول تاریخ جایشان را به یکدیگر می‌سپارند.



محاصره اقتصادی، حمله نظامی، ترور و بمب‌گذاری، تفرقه‌افکنی و تلاش برای کودتا و ایجاد جنگ داخلی... اینها همه نقشه‌هایی بود که استعمارگران بارها و بارها آنها را پس از انقلاب به کار گرفتند، اما باز هم نتوانستند اسلام را در این کشور شکست دهند. پس از این مراحل بود که آنان به فکر استفاده از آخرین و مخرب‌ترین سلاح خود در برابر ملت ایران افتادند.  
می‌توانید حدس بزنید این سلاح چیست؟

بیشتر بدانیم

### شکست عبرت انگیز

از فتح آندلس<sup>۱</sup> توسط مسلمانان بیش از صد سال می‌گذشت و کشوری آباد و پیشرفته شده بود. مرکزی برای تجارت، کسب دانش و صنعت. این موضوع در کنار سودی که برای اروپایی‌ها داشت، حساسیت عده‌ای را نیز برانگیخته بود. وجود کشوری مسلمان و پیشرفته در اروپا، مایه نگرانی کشورهای مسیحی همسایه شده بود. جوانان مسیحی که پیشرفت‌های مسلمانان را می‌دیدند، رفته رفته به آنها علاقمند می‌شدند و در نهایت مسلمان می‌شدند و تحمل این وضع برای بزرگان این کشورها دشوار بود. از طرفی آنها می‌دانستند با مسلمانان نمی‌توانند بجنگند، پس باید چاره دیگری می‌اندیشیدند. آنها فکر کردند و نقشه کشیدند و باز نقشه کشیدند تا اینکه بالاخره؛

: جناب امیر ما از طرف پادشاه خود برای شما پیشنهادی آورده‌ایم. ما حاضریم

۱- آندلس شامل کشور اسپانیا و بخش وسیعی از کشور پرتغال امروزی است.



برای شما مدرسه و اماکن تفریحی رایگان بسازیم و خودمان نیز بدون اینکه از شما پولی بخواهیم آنها را اداره کنیم. مسلمانان می‌توانند به صورت رایگان از این مراکز استفاده کنند. به علاوه ما حاضریم با شما قراردادی برای تجارت آزاد امضا کنیم؛ یعنی بازرگانان ما و شما بتوانند هر کالایی را که دارند آزادانه به کشورهای یکدیگر ببرند و خرید و فروش کنند ...



مدتی بعد، کودکان و نوجوانان مسلمان به مدارس می‌رفتند که همسایگان نیرنگ بازشان آنها را اداره می‌کردند. آنها در این مدارس بدون اینکه خود بدانند، نزد معلمان مسیحی تعلیمات مسیحی می‌دیدند.

مراکز تفریحی آنان نیز توسط زنان بی‌حیا و آلوده‌ای اداره می‌شد که گروه گروه از کشورهای همسایه وارد آندلس می‌شدند.

در این میان، بازرگانان مسیحی بر اساس قراردادی که داشتند، هر روز بشکه‌های بزرگ شراب را روانه مراکز تفریحی مسلمانان می‌کردند و جوانان مسلمان، بی‌خبر از دامی که برایشان پهن شده بود جذب این مراکز می‌شدند.

همکاری‌های تجاری با مسیحیان باعث نزدیکی حاکمان مسلمان به پادشاهان مسیحی کشورهای همسایه نیز شده بود، حاکمان مسلمان هر روز از هم دورتر و به مسیحیان وابسته‌تر می‌شدند.

چند سال بعد، دیگر در آندلس نه از فرماندهان دلاور خبری بود و نه از سربازان غیور و از جان گذشته و فاتح. تنها چیزی که از آندلس بزرگ باقی مانده بود حاکمانی وابسته، جامعه‌ای بی‌تفاوت و جوانانی بی‌اراده و غرق در عیاشی و خوشگذرانی بود.

در این بین، عده کمی هم بودند که هنوز در این باتلاق فرو نرفته بودند، اما از دست آنان کاری بر نمی‌آمد. این همان موقعیتی بود که دشمنان اسلام سال‌های طولانی انتظار آن را می‌کشیدند. سربازان مسیحی با اولین حمله، آندلس را تسخیر کردند و پس از صدها سال دوباره مردم آن سرزمین را با شمشیرهایشان مسیحی کردند و هرکس هم که حاضر نشد از اسلام دست بکشد از دم تیغ گذرانند.<sup>۱</sup>

۱- برگرفته از: تاریخ حکومت مسلمین بر اروپا (محمد ابراهیم آیتی)؛ تمدن اسلام و عرب (گوستاو لوبون)؛ تاریخ

فتوحات اسلام در اروپا (شکیب ارسلان)

## شبیخون فرهنگی

امروزه قدرت‌های بزرگ به خوبی دریافته‌اند که جنگ‌های نظامی علاوه بر هزینه‌های بسیار گزافی که دارد، باعث تنفر ملت‌ها نیز می‌گردد و این مسئله ادامه کار آنها را در کشورهای دیگر مشکل می‌کند. به همین دلیل آنها برای به زانو درآوردن ملت‌ها راهکار جدیدی به نام جنگ نرم<sup>۱</sup> یا شبیخون فرهنگی را در پیش گرفته‌اند.

شایعه پراکنی<sup>۲</sup>، ایجاد تفرقه بین مردم و مسئولان کشور، تولید فیلم‌های ضد ایرانی و ضد اسلامی، تهیه و پخش فیلم‌ها و تصاویر زشت و مبتذل، ساخت بازی‌های رایانه‌ای مخرب، تولید و پخش مواد مخدر در بین جوانان و تلاش همه جانبه برای ترویج بی‌حجابی و بی‌عفتی، بخشی از این جنگ نرم بر علیه ملت و فرهنگ ماست.<sup>۳</sup>

دشمنان با استفاده از تجربیات شومی که از سرگذشت اندلس و حوادث مانند آن اندوخته‌اند، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با تکرار آن رویدادها ملت مسلمان ما را به زانو درآورند.

کم‌اهمیت جلوه دادن حجاب، عادی‌سازی روابط نادرست بین دختران و پسران، ترویج بی‌عفتی و آلوده کردن جوانان از اصلی‌ترین نقشه‌های دشمنان در زمان حاضر است. آنها به خوبی می‌دانند که اگر جوانان مسلمان به دستورات اسلام درباره حفظ حجاب و پاکدامنی عمل کنند، شکست دادن آنها بسیار دشوار خواهد بود. پس تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا آنها را از تعلیمات حکیمانه اسلام دورنگه دارند.

---

۱- جنگ نرم به اقداماتی گفته می‌شود که به وسیله آن می‌توان یک کشور را بدون استفاده از نیروهای نظامی سرنگون کرد.

۲- یکی از شایعاتی که دشمن به شدت در مورد آن تبلیغ می‌کند این است که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد بمب اتمی بسازد. دشمن با ایجاد و گسترش این شایعه می‌خواهد ما را از استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای - که حق مسلم هر کشوری است - محروم و تمامی دنیا را به کشور عزیزمان بدبین سازد.

۳- خوب است بدانیم که مجلس نمایندگان آمریکا هر سال به صورت رسمی ده‌ها میلیون دلار را به طرح‌هایی که بتواند نظام اسلامی را در ایران از بین ببرد، اختصاص می‌دهد که این مبلغ معمولاً صرف شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و رادیوهای ضد ایران می‌شود. البته مبلغ واقعی کمک‌های پنهانی صهیونیست‌ها و سایر دشمنان اسلام برای مقابله با انقلاب اسلامی بسیار بیشتر از مبالغی است که به صورت رسمی اعلان می‌شود.

قرآن کریم درباره این نیرنگ همیشگی دشمنان اسلام می فرماید :

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند  
تا شما را از دینتان برگردانند.  
اگر بتوانند.

«وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ  
حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ  
إِنِ اسْتِطَاعُوا»<sup>۱</sup>

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی دشمن از تحریم اقتصادی، جنگ نظامی و شبیخون فرهنگی چیزی جز نابودی باورهای دینی مردم و دور کردن آنها از دین نیست.  
اکنون ارزش این کلمات نورانی امیرمؤمنان **علیه السلام** برای ما روشن تر می‌شود که  
می‌فرماید:

پادشاه مجاهد شهید در راه خدا بزرگ‌تر از پادشاه انسان عقیف و پاکدامنی  
نیست که قدرت انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌کند؛ انسان پاکدامن نزدیک  
است فرشته‌ای از فرشته‌ها شود.<sup>۲</sup>

## فعالیت کلاسی

یک بار دیگر نقشه‌های بیگانگان را برای شکست ایران اسلامی مرور کنید و  
درباره راه‌های مقابله با این نقشه‌ها با دوستانتان در کلاس گفت و گو کنید.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۷۷.

- ۱- ثمرات انقلاب اسلامی را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۲- چند نمونه از اقدامات ابرقدرت‌ها برای شکست نظام اسلامی ایران را توضیح دهید.
- ۳- خطرناک‌ترین سلاح دشمن در جنگ علیه انقلاب اسلامی چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- هدف اصلی دشمنان را از اجرای نقشه‌های مختلف در کشورهای اسلامی بیان کنید.

### بیشتر بدانیم

#### طبل توخالی

شاه جنایتکار از ایران فرار کرده و میلیاردها دلار از دارایی‌های ملت را نیز با خود از ایران خارج کرده است؛ در حالی که مردم ایران خواستار بازگرداندن او به ایران و محاکمه‌اش هستند و هیچ دولتی حاضر نیست او را بپذیرد، آمریکا اعلام می‌کند که با آغوش باز آماده پناه دادن به شاه است. دولت ایران از آمریکا می‌خواهد که شاه را به همراه دارایی‌های ایران به کشورمان بازگرداند، اما دولت آمریکا هیچ اعتنایی به درخواست ملت ایران نمی‌کند. هر روز از گوشه و کنار کشور خبر از اغتشاشاتی می‌رسد که ریشه در سفارت آمریکا در تهران دارد.

جاسوسان آمریکایی با عنوان کارمند سفارت آمریکا در ایران، با تمام توان مشغول تهیه نقشه‌ای برای کودتای نظامی بر علیه انقلاب اسلامی هستند.

جوانان انقلابی و دانشجویان که از این همه شیطنت و نیرنگ آمریکایی‌ها به تنگ آمده‌اند، در حرکتی خودجوش به سفارت آمریکا یا همان لانه جاسوسی حمله و کارکنان آن را دستگیر می‌کنند. دانشجویان اعلام می‌کنند تا آمریکا شاه را به ایران بازنگرداند، جاسوسان را آزاد نمی‌کنند.

کارتر رئیس جمهور آمریکا شتابزده و خشمگین در برابر دوربین‌های خبری قرار می‌گیرد و اعلام می‌کند اگر ایران سریعاً جاسوسان را به کشورشان بازنگرداند، آمریکا به ایران حمله نظامی خواهد کرد.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک است و کارتر برای پیروز شدن در این انتخابات شدیداً نیازمند یک حرکت تبلیغاتی است و چه تبلیغاتی بهتر از حمله به ایران و آزاد کردن جاسوسان؟!

تهدیدهای نظامی آمریکا بسیاری از مردم را در نگرانی فرو برده است.

: « آمریکا بزرگ‌ترین قدرت نظامی روز دنیاست. مگر می‌شود در برابر آمریکا مقاومت کرد؟ راستی اگر آمریکا به کشورمان حمله کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ... »  
عده‌ای ترسو که هنوز در حال و هوای زمان شاه به سر می‌برند کم‌کم صدایشان در می‌آید: چه کسی می‌خواهد در برابر آمریکا بایستد؟ آنها را آزاد کنید و ماجرا را تمام کنید. آدم عاقل که با دُم شیر بازی نمی‌کند ...

چیزی نمانده است که همین تهدیدها کار خودش را بکند که ناگهان ورق کاملاً بر می‌گردد. بقیه ماجرا را از کتاب خاطرات همیلتون جُردن (رئیس کاخ سفید و دست راست کارتر) می‌خوانیم:

برژینسکی در حالی وارد دفتر رئیس جمهور شد که متن کامل سخنان [امام] خمینی نسبت به رئیس جمهوری آمریکا را در دست داشت. او خشمگین و عصبانی، بعضی از جملات آن را با صدای بلند برای ما می‌خواند:

« ... اینها خیال نکنند که ما همین‌طور نشسته‌ایم تا اینها هر غلطی می‌خواهند بکنند، نه این‌طور نیست. مسئله، مسئله انقلاب است. یک انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول خواهد شد. باید سر جای خودشان بنشینند و این (شاه) خائن را برگرداند ... آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا (و علیه این ملت) توطئه کند، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کند، و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند؟ ... چرا ما باید بترسیم؟ کارتر طبل تو خالی است. او عُرْضه هیچ کاری را ندارد ... آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند ... »

دیگر مطمئن بودیم که آنها می‌خواهند گروگان‌های آمریکایی را به اتهام جاسوسی محاکمه کنند. همه ما از تصور اینکه آنها افراد ما را محاکمه و سپس اعدام خواهند کرد بر خود لرزیدیم، این درحالی بود که ما با حالی تزار در کاخ سفید نشسته بودیم و نمی‌دانستیم چه کار باید بکنیم!

برای من روشن بود که کلید انتخابات ما در دست کسان دیگری در آن سوی دنیا است؛ همان کسانی که تصمیم و عملشان تا آخرین لحظه برای ما قابل پیش‌بینی نیست. کارتر در هواپیما به من گفت: عجیب است که سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری کشور بزرگ ما نه در شیکاگو یا نیویورک، بلکه در تهران تعیین می‌شود.

چند روز بعد در اسپینگل<sup>۱</sup> خواندم که: «زمانی ایالات متحده می‌توانست تصمیم بگیرد که چه کسی در ایران بر مسند قدرت بنشیند، اما امروز، در ۱۹۸۰م. یک آیت‌الله در تهران می‌تواند سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده را تعیین کند.»

## فهرست منابع

### قرآن کریم

- ۱- نهج البلاغه، خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین.
- ۲- صحیفه سجاده (ادعیه امام سجاد علیه السلام)، علی بن حسین بن علی.
- ۳- اعلام الدین، حسن بن ابی الحسن دیلمی، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۴- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- ۵- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، غلامعلی رجایی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ ش.
- ۶- تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.
- ۷- التمهیص، ابن علی محمد بن حسن اسکافی، قم، مدرسه امام مهدی، بی‌تا.
- ۸- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق سیدحسن خراسان، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- ۹- حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری.
- ۱۰- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی‌جا، داراحیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
- ۱۱- عصر امام خمینی، احمدرضا حاجتی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۲- غررالحکم و دررالکلم، گفتارهای امیرالمؤمنین علیه‌السلام.
- ۱۳- الغیبه، شیخ طوسی، ترجمه و تحقیق مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ش.
- ۱۴- کافی، شیخ کلینی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
- ۱۵- کمال‌الدین و تمام‌النعمة، شیخ صدوق، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۵.
- ۱۶- گام به گام تا انتخاب حجاب، مهدی اسماعیلی سادیانی، قم، شهاب‌الدین، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۷- مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمد.

- ١٨- مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، بی‌جا، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤٠٨ق.
- ١٩- المستدرک علی الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله الحکام النیسابوری، بی‌جا، دارالمعرفة، ١٤١٨هـ/ ١٩٩٨م.
- ٢٠- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٤ق.

